

بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور

کد موضوعی: ۲۱۰
شماره مسلسل: ۱۲۰۷۰

آذرماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	فصل اول - بررسی قوانین و مقررات موجود در زمینه پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی
۱۷	فصل دوم - جلوگیری از ورود بیسواد
۳۵	فصل سوم - آموزش بزرگسالان
۶۴	فصل چهارم - جمع‌بندی و ارائه راهکارهای پیشنهادی
۷۰	منابع و مأخذ



بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور

چکیده

شاخص سطح تحصیلات از مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه و رشد هر کشوری است. این شاخص شامل دو مؤلفه نرخ اشتغال به تحصیل در ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی و نیز نرخ باسوادی بزرگسالان می‌شود. در این گزارش، هدف بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور است. در زمینه پوشش تحصیلی توجه ویژه به انسداد مبادی ورود بیسواد به کشور بوده و در زمینه آموزش بزرگسالان، رسیدن به اهداف قانونی در این زمینه مد نظر است. در کشور ما مسئولیت انسداد مبادی ورود بیسواد به عهده معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش و مسئولیت آموزش بزرگسالان با سازمان نهضت سوادآموزی است. به عبارت دیگر معاونت آموزش ابتدایی وظیفه دارد تا با شناسایی و آموزش کودکان لازم‌التعلیم و نگهداشت آنها در مدرسه، از ورود بیسواد به جامعه جلوگیری کند و نهضت سوادآموزی نیز وظیفه دارد تا با آموزش بیسوادان بزرگسال زمینه‌ای فراهم سازد تا آنان بتوانند از نعمت سواد در زندگی خود بهره ببرند.

براساس قانون، تحصیل تا پایان دوره راهنمایی برای کودکان لازم‌التعلیم، الزامی است و همچنین بیسوادان بالای ده سال بزرگسال محسوب شده و تحت پوشش نهضت سوادآموزی قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه توجه عمده ما در بحث انسداد مبادی ورود بیسواد، به پایه اول ابتدایی معطوف است باید گفت نرخ پوشش واقعی تحصیلی دوره ابتدایی براساس آمارهای محاسبه شده توسط مرکز پژوهش‌ها بر پایه سرشماری سال ۱۳۸۵، برابر با ۸۸/۵ درصد (۸۹/۴ در شهر و ۸۶/۷ در روستا) و بر پایه آمار اعلام شده توسط وزارت آموزش و پرورش ۹۸/۵ درصد است. علت ذکر آمار از دو منبع، امکان وجود خطا در هر دو دسته از آمارهاست. همچنین درصد پوشش واقعی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، به ترتیب ۷۲/۷ و ۴۸/۵ درصد است. بزرگ‌ترین مشکل داخلی وزارت آموزش و پرورش درخصوص انسداد مبادی ورود بیسواد را شاید بتوان نبود اطلاعات آماری دقیق و بزرگ‌ترین مشکل خارجی را عدم همکاری سایر نهادها و دستگاه‌ها با این وزارتخانه در زمینه افزایش نرخ پوشش تحصیلی دانست. در مورد آموزش

بزرگسالان نیز باید گفت بنابر آمارهای نهضت سوادآموزی براساس بانک اطلاعات اسمی بیسوادان، تعداد کل بیسوادان ۱۰ سال به بالا ۷/۵ میلیون نفر است که از این جمعیت، نهضت سوادآموزی وظیفه آموزش سواد به بیش از ۲/۵ میلیون نفر بیسواد ۱۰ تا ۴۹ ساله را تا پایان برنامه پنجم دارد. شایان ذکر است براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ UNDP، نرخ باسوادی بزرگسالان بالای ۱۵ سال در ایران با ۸۲ درصد، از کشورهای امارات، قطر، بحرین، کویت، عربستان و ترکیه پایین‌تر است. نبود اطلاعات و آمار دقیق از بیسوادان، کمبود بودجه سازمان و بی‌انگیزگی بیسوادان برای آموزش را می‌توان از بزرگ‌ترین مشکلات سازمان نهضت سوادآموزی دانست. با توجه به اینکه نهضت سوادآموزی براساس قانون، ریشه‌کن کردن بیسوادی در جمعیت ۱۰ تا ۴۹ سال را تا پایان برنامه پنجم به‌عهده دارد و پس از آن قرار است به حسب نظر مقام معظم رهبری درخصوص ادامه فعالیت آن تصمیم‌گیری شود، توجه به برنامه پنج‌ساله این سازمان برای تحقق هدف مذکور از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا در تعیین سرنوشت این سازمان نقش اساسی خواهد داشت. بنابراین آسیب‌شناسی این برنامه در دستور کار این گزارش قرار گرفته است. ماحصل این بررسی نشان می‌دهد که رسیدن به اهداف کمی وضع شده در برنامه سوادآموزی برای تحقق هدف باسوادی جمعیت زیر ۵۰ سال ظرف پنج سال، با شرایط و سیاست‌های کنونی سازمان مقدور نیست. به‌علاوه به دلیل بی‌توجهی به فعالیت‌های پشتیبانی پس از سوادآموزی، فرد آموزش‌دیده ممکن است پس از مدت کوتاهی، داشته‌های خود را به فراموشی بسپارد و در نتیجه نمی‌تواند از آن در زندگی روزانه خود استفاده کند. به‌عنوان جمع‌بندی گزارش، به این نکته اشاره می‌شود که به‌نظر می‌رسد در زمینه پوشش تحصیلی کودکان لازم‌التعلیم بیش از اینکه خلأهای قانونی وجود داشته باشد، اجرایی شدن قوانین موجود با مشکل مواجه است. در مورد سوادآموزی بزرگسالان نیز تعدیل در اهداف سازمان یا تغییر در روش‌های کار سازمان برای رسیدن به اهداف مورد نظر ضروری به‌نظر می‌رسد.

مقدمه

آموزش و پرورش هدفدار نقش تعیین‌کننده‌ای بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع دارد. به‌علاوه تشکیل سرمایه انسانی، رشد اقتصادی بالاتر، کاهش فقر و بسط عدالت اجتماعی در گرو بسط و گسترش آموزش در هر کشور است. هر قدر میزان دسترسی به آموزش بیشتر باشد و جامعه از سطح آموزش و پرورش بالاتری برخوردار باشد بهره‌وری اقتصاد بالاتر بوده و به ایجاد محیط اجتماعی رشدیافته کمک می‌کند. یادگیری و آموزش مقدمه هر نوع فعالیت انسانی در عصر حاضر



است و انسان در حال یادگیری و فرهیخته مهمترین عامل توسعه پایدار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

سوادآموزی در صورتی مفید و کاربردی است که زمینه‌ای برای بالا بردن سطح آگاهی سوادآموزان باشد. منظور از آگاه‌سازی افراد برای سوادآموزی، انباشت اطلاعات و معلومات گوناگون نیست، بلکه ایجاد توانایی‌های فکری برای حل مسائل زندگی آنهاست.

شاخص سطح تحصیلات از جمله مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه و رشد هر کشوری است. این شاخص (که خود شامل دو مؤلفه نرخ اشتغال به تحصیل در ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی و نیز نرخ باسوادی بزرگسالان می‌شود) در کنار شاخص‌های تولید ناخالص داخلی سرانه و امید به زندگی در بدو تولد از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص توسعه انسانی است. از این رو سواد و تحصیلات جایگاه ویژه‌ای را در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی به خود اختصاص داده است.

در کشور ما ریشه‌کن شدن بیسوادی مستلزم فعالیت و همکاری مستمر و مداوم نهادها و سازمان‌های مختلفی است که هر یک به نوعی می‌توانند در تحقق این هدف نقش مؤثر داشته باشند. اما دو نهادی که مستقیماً در این رابطه مسئولیت دارند عبارتند از معاونت آموزش ابتدایی آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی که اولی درخصوص جلوگیری از ورود بیسواد و دومی در زمینه آموزش بزرگسالان فعالیت می‌کند. براساس آیین اجرایی مدارس، حداکثر سن ثبت‌نام پایه اول در مناطق شهری ۹ سال و در مناطق روستایی و عشایری ۱۱ سال بوده و حداکثر سن ثبت‌نام در دوره ابتدایی در مناطق شهری ۱۴ سال تمام و مناطق روستایی و عشایری ۱۶ سال تمام است.^۱ همچنین بر مبنای اساسنامه نهضت سوادآموزی، افراد بالای ده سال که از تحصیل بازمانده‌اند طبق آیین‌نامه ثبت‌نام وزارت آموزش و پرورش جزء بزرگسالان به حساب آمده و آموزش آنان به‌عهده این سازمان خواهد بود.

در عین حال در کشور ما نهضت سوادآموزی مسئول اصلی مبارزه با بیسوادی بزرگسالان در کشور شناخته می‌شود و بیشتر تمرکز ما حول این سازمان خواهد بود. در گزارش موجود فصل اول به بررسی قوانین و مقررات در زمینه پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی می‌پردازد. موضوع فصل دوم، بحث جلوگیری از ورود بیسواد است. بخش اول فصل، وضعیت پوشش تحصیلی را در مقاطع مختلف تحصیلی به روایت آمار بیان می‌کند و بخش دوم به تحلیل وضعیت موجود و بیان نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در ارتباط با موضوع انسداد ورود

۱. برنامه انسداد بیسوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی، معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، ص ۳.

بیسواد می‌پردازد. فصل سوم به بحث آموزش بزرگسالان ارتباط دارد. بخش اول این فصل، عملکرد سوادآموزی را در آئینه آمار به تصویر می‌کشد و بخش دوم به تحلیل وضعیت موجود و بیان نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید سازمان متولی امر یعنی نهضت سوادآموزی اختصاص دارد. با توجه به اینکه این سازمان براساس مصوبه ۵۹۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی مأموریت دارد که بیسوادی در جمعیت ۱۰ تا ۴۹ سال را تا پایان برنامه پنجم به صفر برساند، بخش سوم به بیان خلاصه‌ای از برنامه پنج‌ساله نهضت که در جهت تحقق این هدف تدوین شده است و همچنین آسیب‌شناسی و امکان‌سنجی این برنامه می‌پردازد. اهمیت برنامه مذکور در این است که راهنمای عمل نهضت در پنج سال آینده خواهد بود و با توجه به عملکرد سازمان در این مدت، قرار است درخصوص ادامه کار نهضت سوادآموزی و چگونگی آن تصمیم‌گیری شود. لذا توجه ویژه به برنامه سازمان برای ریشه‌کن کردن بیسوادی در جمعیت ۱۰ تا ۴۹ سال در طول برنامه پنج‌ساله لازم به نظر می‌رسد. فصل پایانی این گزارش نیز به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها اختصاص دارد.

فصل اول - بررسی قوانین و مقررات موجود در زمینه پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی

در این فصل به بررسی:

۱. قوانین فرادستی شامل قانون اساسی و قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چهارم و پنجم،
۲. قوانین مصوب مجلس و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی،
۳. تصویبنامه هیئت وزیران و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در موضوع پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی پرداخته می‌شود.

شایان ذکر است اولاً قسمت‌های مهمتر و دارای ارتباط بیشتر به موضوع، به‌صورت گزینشی ذکر می‌شود و ثانیاً اساسنامه نهضت سوادآموزی مصوب مجلس شورای اسلامی به دلیل اهمیت آن در بحث حاضر به‌صورت جداگانه در انتهای فصل آورده می‌شود. به جهت تکمیل بحث ذکر این نکته نیز لازم است که سیاست‌های کلی تحول در نظام آموزش و پرورش در بهمن‌ماه ۱۳۸۹ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید که هنوز پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع به‌طور رسمی آن را منتشر نکرده است.



۱-۱. قانون اساسی

اصولی از قانون اساسی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به بحث آموزش و پرورش مربوط می‌شوند. از آن جمله است اصل سوم قانون اساسی که درخصوص وظایف دولت جمهوری اسلامی تصریح دارد بر «آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی»، «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و «تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» و... همچنین اصل سی‌ام قانون اساسی بیان می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

۱-۲. قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون برنامه سوم توسعه

برنامه سوم توسعه تمرکز بیشتری بر تأمین امکانات و ایجاد شرایط لازم برای تحصیل افراد جامعه و از میان بردن تبعیض آموزشی میان مناطق مختلف کشور تأکید داشته است. در همین زمینه تأمین امکانات مادی و نیروی انسانی مورد نیاز به شیوه‌ای قابل قبول از اهداف این برنامه در حوزه آموزش بوده است. در اینجا ماده (۱۴۳) قانون برنامه سوم مورد توجه قرار می‌گیرد که معطوف به بحث عدالت آموزشی است.

ماده (۱۴۳)

ب) دولت موظف است با هماهنگی و همکاری سازمان‌های برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور در تأمین نیروی انسانی کمی و کیفی و ایجاد فضاهای آموزشی و پرورشی و فراهم نمودن تجهیزات آموزشی و وسایل نقلیه به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام نماید که تبعیض بین مناطق شهری و روستایی نباشد و برای ورود دانش‌آموزان از ابتدایی به راهنمایی و متوسطه امکانات لازم فراهم گردد.

ج) هزینه تغذیه شبانه‌روزی دانش‌آموزان در مدارس شبانه‌روزی و سرویس ایاب و ذهاب هر هفته یک‌بار آنها به روستاها و مدارس و سایر هزینه‌های لازم در بودجه‌های سنواتی دیده شود.

قانون برنامه چهارم توسعه

قانون برنامه چهارم نسبت به قانون برنامه سوم و حتی قانون برنامه پنجم، از پتانسیل‌های بالاتری برای تکمیل پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی برخوردار بوده است. الزام ایران به اجرای تعهدات برنامه آموزش برای همه نیز در این قانون مورد اشاره قرار گرفته است. این قانون،

تحصیل تا پایان دوره راهنمایی را برای تمامی کودکان لازم‌التعلیم اجباری می‌داند. همچنین در بحث سوادآموزی، مسائل منطقه‌ای و فرهنگی را از نظر دور نمی‌دارد. با توجه به اینکه ایران از شرایط اقلیمی و جغرافیایی بسیار متنوعی برخوردار است، توجه به این نکته در تدوین طرح‌های راهبردی سوادآموزی بسیار ضروری می‌نماید. ضمن توجه به لزوم انعطاف در برنامه‌های سوادآموزی، قانون برنامه چهارم باسوادی افراد زیر سی سال را هدفگذاری کرده و تلاش‌های دولتی و جلب حمایت‌های غیردولتی را در این زمینه لازم می‌شمارد. شایان ذکر است که آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم در جلسه ۱۳۸۴/۵/۲ هیئت وزیران به تصویب رسید که در بخش مربوطه ذکر می‌گردد.

ماده (۵۲)

دولت موظف است، به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عمومی آن دسته، اقدام‌های ذیل که جنبه قانونگذاری ندارد را به انجام برساند:

الف) توسعه زمینه‌های لازم، برای اجرای برنامه آموزش برای همه،

ب) اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به‌تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند، به‌طوری که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد.

ی) تدوین و اجرای طرح راهبردی سوادآموزی کشور، با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، زیستی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور، با رویکرد جلب مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی به‌طوری که تا پایان برنامه چهارم، باسوادی افراد حداقل زیر سی سال، به‌طور کامل تحقق یابد.

قانون برنامه پنجم توسعه

قانون برنامه پنجم توجه ویژه خود را در بند «د» ماده (۱۹) بر برقراری عدالت در فرصت‌های آموزشی به تناسب مناطق و جنسیت و رفع محرومیت‌های آموزشی قرار داده است.

ماده (۱۹) بند «د»

وزارت آموزش و پرورش موظف است به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت‌وآمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام نماید.



۲-۱. قوانین مجلس شورای اسلامی

درخصوص قوانین مربوط به پوشش تحصیلی از قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش و اساسنامه نهضت سوادآموزی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان یاد می‌شود که قانون دوم به دلیل اهمیت نهضت در بحث ریشه‌کنی بیسوادی، در قسمت مربوط به نهضت به‌طور جداگانه آورده می‌شود.

- قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵.

اهداف

ماده (۵)

برخورداری از آموزش‌های عمومی برای کلیه دانش‌آموزان کشور باید به‌گونه‌ای باشد که بر حسب استعداد و جنس بتوانند از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیت‌ها بهره‌مند شوند.

ماده (۷)

به‌منظور تعمیم و توسعه آموزش و پرورش کشور، زمینه‌های جلب مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش از هر طریق ممکن فراهم آید.

وظایف

ماده (۱۰)

زیر پوشش قرار دادن کلیه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی.

- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵.

ماده (۴) این قانون جلوگیری از تحصیل کودکان را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. در حقیقت در این قانون تحصیل کودکان و نوجوانان به‌عنوان حق آنها تلقی شده که کسی نمی‌تواند آن را سلب نماید.

ماده (۴)

هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا ۶ ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.

۲-۲. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

اهم مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص ریشه‌کن کردن بیسوادی:

- مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ درخصوص جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی،

در این مصوبه یکی از اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی، به صراحت «سیاستگذاری به منظور ریشه‌کن کردن بیسوادی» عنوان شده است.

— مصوبه پانصد و نود و پنجمین جلسه شورا مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ در خصوص سیاست‌های سوادآموزی

این مصوبه یکی از مهمترین مصوبات در زمینه ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور است که مسئولیت پوشش کامل تحصیلی کودکان لازم‌التعلیم و سوادآموزی به بزرگسالان را متوجه وزارت آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی کرده است. همان‌طور که پیش از این ملاحظه شد ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم، ریشه‌کن کردن بیسوادی در جمعیت زیر ۳۰ سال را هدف قرار داده بود و ماده (۲) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز رسیدن به هدف باسوادی جمعیت ۱۰ تا ۲۹ سال را تا پایان برنامه چهارم مورد تأکید قرار داده است. در این مصوبه مقرر گردیده است که تا پایان برنامه پنجم، هدف نهضت باید ریشه‌کن کردن بیسوادی در جمعیت ۱۰ تا ۴۹ سال باشد. در این راستا بخشنامه مربوط به تدوین برنامه راهبردی نهضت مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۲، جامعه هدف برنامه راهبردی باسوادی حداقل ۹۷ درصد بیسوادان گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال ذکر می‌کند.

ماده (۱)

وزارت آموزش و پرورش، با هدف «انسداد ورودی بیسواد» از طریق افزایش «نرخ جذب خالص کودکان ۶ ساله» و «پوشش واقعی کامل لازم‌التعلیمان»، موظف است انعطاف و نوآوری‌های لازم را در روش‌ها، ضوابط آموزشی، روندها و رویه‌های اداری صورت دهد و حسب ضرورت در مناطق روستایی کم‌جمعیت و عشایری که تشکیل کلاس کمتر از حدنصاب مقرون به صرفه نیست، از شیوه خرید خدمات آموزشی از اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط، بهره گیرد.

ماده (۲)

سازمان نهضت سوادآموزی به‌منظور شتاب بخشیدن به روند سوادآموزی در کشور موظف است:
 ۱-۲. برنامه راهبردی سوادآموزی موضوع این مصوبه را با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه نماید. این برنامه مطابق سیاست‌های مورد نظر شورای عالی پشتیبانی سوادآموزی کشور و در چارچوب برنامه‌های مصوب ستاد سوادآموزی استان (موضوع بند «۳» این مصوبه) عملیاتی می‌شود.

۲-۲. سوادآموزی را با رویکرد تشویقی و با اولویت در استان‌هایی که درصد باسوادی پایین‌تر از میانگین کشوری است و همچنین پنج استانی که بالاترین فراوانی (قدرمطلق) بیسواد در کشور را دارند، به بیسوادان عرضه کند.



۲-۳. راهکارها و ضوابط تشویق بیسوادان به امر سوادآموزی و الزامات مناسب برای فراهم شدن زمینه‌های جذب هر چه بیشتر آنان به این امر را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.

۲-۴. به منظور رعایت اصول یاددهی - یادگیری و تثبیت سواد بزرگسالان، نسبت به اصلاح روندها و شیوه‌های جاری سوادآموزی اقدام و دوره‌ها، محتوا و روش‌های متنوع خاص برنامه راهبردی را تهیه نماید.

۲-۵. با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی و نهادهای اجتماعی دولتی و غیردولتی، ارائه خدمات سوادآموزی را راهبری کند و تدریجاً از مباشرت و تصدی مستقیم امر سوادآموزی، به مدیریت فرآیند سوادآموزی روی آورد.

۲-۶. با اجرای برنامه راهبردی سوادآموزی تا پایان برنامه چهارم توسعه باسوادی کامل گروه سنی ۱۰-۲۹ سال و تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، باسوادی کامل گروه سنی ۱۰-۴۹ سال را محقق سازد.

ماده (۳)

به منظور فراهم ساختن زمینه‌های اجرایی برنامه راهبردی سوادآموزی، در مرکز هر استان ستادی مرکب از استاندار (رئیس ستاد)، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، امام جمعه مرکز استان، رئیس سازمان آموزش و پرورش استان (دبیر ستاد)، رئیس دانشگاه علوم پزشکی مرکز استان، مدیر مرکز صداوسیما استان، رئیس سازمان جهاد و کشاورزی استان، مدیرکل کار و امور اجتماعی استان، رئیس سازمان جهاد و کشاورزی استان، مدیرکل کار و امور اجتماعی استان، مدیرکل امور عشایر استان، مدیر نهضت سوادآموزی استان و با مسئولیت استاندارد تشکیل می‌شود. این ستاد حداقل سالی یک‌بار تشکیل جلسه داده ضمن سیاستگذاری منطقه‌ای و پشتیبانی لازم، بر حسن اجرای برنامه سوادآموزی نظارت می‌کند.

ماده (۴)

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است با فرهنگ‌سازی مناسب برای جذب بیسوادان و اجرای آموزش‌های سوادآموزی از طریق شبکه‌های رادیو - تلویزیونی مربوط، همکاری لازم را در اجرای این برنامه معمول دارد.

ماده (۵)

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است برای اجرای این مصوبه، همه‌ساله اعتبارات لازم را برای «انستاد ورودی بیسواد» و توسعه «برنامه آموزش برای همه» و اجرای «برنامه

راهبردی سوادآموزی» در قوانین بودجه سالیانه اعمال نماید.

ماده (۶)

کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی، حسب اعلام وزارت آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی موظفند اهتمام و همکاری لازم را برای اجرای این مصوبه به عمل آورند.

ماده (۷)

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است شاخص فعالیت سوادآموزی کارکنان را در ملاک‌های ارزیابی درون‌دستگاهی و انتخاب دستگاه‌های اجرایی برتر در جشنواره شهید رجایی لحاظ نماید.

ماده (۸)

وزارت آموزش و پرورش می‌بایست حسب ضرورت پیش‌نویس لوایح لازم را برای رفع موانع اجرایی این مصوبه تهیه و تنظیم و به هیئت دولت ارائه نماید تا پس از تصویب برای سیر مراحل قانونگذاری به مجلس شورای اسلامی ارسال شود.

ماده (۹)

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است مأموریت‌ها، وظایف و ساختار تشکیلاتی سازمان نهضت سوادآموزی را متناسب با سیاست‌های موضوع این مصوبه، با رعایت قوانین موجود و با رویکرد تقویت‌بخش غیردولتی مورد بازنگری و اصلاح قرار دهد.

ماده (۱۰)

وزرا و استانداران باید گزارش اقدامات خود درخصوص اجرای مفاد این مصوبه را هر ۶ ماه یکبار به هیئت وزیران ارائه کنند.

ماده (۱۱)

وزارت آموزش و پرورش موظف است همه‌ساله گزارشی از نحوه اجرای مفاد و الزامات این مصوبه را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید.

ماده (۱۲)

سیاست‌های سوادآموزی در ۱۲ ماده در جلسه ۵۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

- مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص سند نقشه جامع علمی کشور ابلاغ شده در

۱۳۹۰/۲/۲۴.

در این سند ذیل اهداف بخشی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور موارد زیر ذکر شده است:



- دستیابی آحاد جامعه به سطح مناسب دانش عمومی و از بین رفتن بیسوادی،
- پوشش کامل دوره آموزش عمومی.

۱-۳. آیین‌نامه هیئت وزیران

- اهم مواد آیین‌نامه ۱۵ ماده‌ای هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۵ درخصوص آیین‌نامه اجرایی اساسنامه نهضت سوادآموزی که به درخواست وزارت آموزش و پرورش تهیه و تصویب شد عبارت است از:

ماده (۱)

سوادآموزی بزرگسالان در حد آموزش خواندن تا حد مطلوب روخوانی قرآن و نوشتن و حساب کردن تا پایان پنجم ابتدایی خواهد بود. مدت و برنامه‌های درسی دوره‌های سوادآموزی و ارزش تحصیلی آنها به پیشنهاد نهضت سوادآموزی و تصویب شورای عالی آموزش و پرورش خواهد بود.

ماده (۶)

نهادهای و ارگان‌های دولتی به استثنای آموزش و پرورش موظفند با هماهنگی فرماندار و با توجه به اعلام نیاز نهضت در نیمه دوم هر سال حداکثر تا ۲۰ درصد از امکانات موجود خود اعم از خودرو، وسایل تبلیغ و دیگر امکانات مورد نیاز نهضت را جهت انجام امور تبلیغی و تشکیل کلاس و نگهداری آنها در طول دوره در اختیار نهضت سوادآموزی قرار دهند.

ماده (۸)

نهادهای و ارگان‌های دولتی به استثنای آموزش و پرورش حداکثر تا ۵ درصد از نیروها و اعضای رسمی خود را با درخواست نهضت به نهضت مأمور نمایند.

ماده (۹)

استانداران موظفند هر ۶ ماه یکبار با همکاری مسئول نهضت استان گزارشی از چگونگی همکاری ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی با نهضت سوادآموزی استان متبوع خود را از طریق وزارت کشور به هیئت دولت ارسال نمایند.

ماده (۱۵)

به منظور استفاده از رسانه‌های گروهی در جهت آموزش و تبلیغ و تشویق به امر سوادآموزی ستادهای لازم در ارتباط با وظایف و اهداف خود تشکیل خواهد داد که نمایندگان ذیربط از صداوسیما و مطبوعات در آن شرکت خواهند نمود.

- آیین‌نامه هیئت وزیران درخصوص الزامی بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی تحصیلی

مصوب ۱۳۸۴/۵/۲.

این آیین‌نامه که جهت اجرایی کردن بند «ب» ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم درخصوص اجباری بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی به تصویب رسیده، نهادهایی چون مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال و صداوسیما جمهوری اسلامی را موظف به همکاری با وزارت آموزش و پرورش کرده است. در شهریورماه سال ۱۳۹۰، طی تفاهمنامه‌ای که میان وزارت آموزش و پرورش با سازمان ثبت احوال کشور منعقد شد، این سازمان متعهد شد که اطلاعات مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش را در اختیار این نهاد قرار دهد. این امر در شناسایی اسمی کودکان لازم‌التعلیم گام مؤثری به شمار می‌آید و نوید داشتن اطلاعات آماری دقیق‌تری درخصوص تعداد این کودکان و درصد پوشش تحصیلی آنها را می‌دهد. ماده (۷) این مصوبه را نیز می‌توان نشئت گرفته از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ دانست که پیش از این ذکر شد.

ماده (۱)

در اجرای بند «ب» ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - وزارت آموزش و پرورش موظف است در سال اول برنامه جدول زمانبندی اجرای آموزش اجباری تا پایان دوره راهنمایی در سراسر کشور را به‌گونه‌ای تهیه و اجرا کند که تا پایان برنامه چهارم توسعه این امر در سراسر کشور محقق گردد.

ماده (۲)

وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری شوراهای اسلامی شهر و روستا افراد مشمول این آیین‌نامه را که از ادامه تحصیل بازمانده‌اند شناسایی و امکان ثبت‌نام و ادامه تحصیل آنها را فراهم نماید. دهیاری‌ها و مراکز بهداشت مکلف به همکاری در این زمینه هستند.

ماده (۳)

سازمان ثبت احوال و مرکز آمار ایران به ترتیب موظفند آمار متولدین هر سال (در صورت امکان به همراه کد ملی) و نیز آمار کودکان در سن تحصیل تا پایان دوره راهنمایی تحصیلی به تفکیک جنس و مناطق شهری، روستایی و عشایری را ظرف سه ماه پس از درخواست وزارت آموزش و پرورش در اختیار این وزارتخانه قرار دهند.

ماده (۴)

سازمان‌های آموزش و پرورش و مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها موظفند ضمن بررسی علل و موانع ادامه تحصیل افراد مشمول این آیین‌نامه، اهداف کمی و شاخص مربوط به موضوع را به همراه منابع لازم در قالب سند بودجه سالیانه استان به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان برای



اتخاذ تصمیم لازم پیشنهاد نمایند.

ماده (۵)

سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها موظفند به تناسب نیاز محل و منطقه، با استفاده از شیوه‌های مختلف آموزش از جمله آموزش از راه دور و امکانات مختلف از جمله مدارس شبانه‌روزی و مدارس سیار را برای افراد مشمول این آیین‌نامه فراهم نمایند.

ماده (۶)

انجمن اولیا و مربیان و سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظفند در جهت فرهنگ‌سازی و تحقق مفاد این آیین‌نامه برنامه‌های لازم را برای آموزش و آگاهی‌بخشی والدین تهیه و اجرا نمایند.

ماده (۷)

وزارت آموزش و پرورش اسامی اولیا یا سرپرستان قانونی کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم موضوع این آیین‌نامه که از تحصیل آنان ممانعت به عمل آورند را جهت اقدام قانونی لازم براساس ماده (۴) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - مصوب ۱۳۸۱ - به مراجع قضایی ذیربط معرفی می‌نمایند.

ماده (۸)

وزارت آموزش و پرورش موظف است گزارش عملکرد سالیانه را جهت پیگیری و بررسی میزان تحقق اهداف به هیئت وزیران ارائه نماید.

۲-۳. مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش

مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش درخصوص ریشه‌کن کردن بیسوادی دربرگیرنده موارد ذیل می‌باشند:

- مصوبه مربوط به شاخص‌های پوشش تحصیلی ابلاغ شده در ۱۳۷۹/۱۰/۲۴

دسترسی به آمار مورد نیاز در حوزه آموزش و پرورش، لازمه سیاستگذاری است. از این جهت تعریف شاخص‌های آماری برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نیاز، ضروری است. شورای عالی آموزش و پرورش شاخص‌های مورد نیاز را به تصویب رسانده است. این شاخص‌ها شامل موارد زیر می‌شوند:

- درصد اشتغال به تحصیل ظاهری،

- درصد اشتغال به تحصیل واقعی،

- درصد اشتغال به تحصیل ویژه سنی.

- شاخص‌های سوادآموزی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

- نرخ بیسوادی،
- نرخ کم‌سواد،
- نرخ اشتغال به سوادآموزی،
- نرخ اشتغال به سوادآموزی بیسوادان،
- نرخ اشتغال به سوادآموزی کم‌سوادان،
- نرخ اشتغال به سوادآموزی ۶ تا ۱۰ ساله‌ها.

- شاخص‌های آموزش و پرورش استثنایی مصوب ۱۳۸۱/۳/۵

- درصد پوشش تحصیلی

- مصوبه مربوط به ایجاد انعطاف در برنامه‌ها جهت افزایش پوشش تحصیلی مورخ

۱۳۷۸/۱۲/۲۶

ماده واحده - به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود جهت افزایش تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش و سازگاری با محیط و حل مشکلات اجرایی در دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه حداکثر انعطاف را در برنامه‌های آموزشی و درسی ایجاد کند.

- مصوبه آیین‌نامه مجتمع آموزشی و پرورشی روستایی و عشایری مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۳

در رابطه با بحث ما، به ماده (۱) و گزیده ماده (۲) این مصوبه اشاره می‌گردد. یکی از اهداف مجتمع‌های آموزشی و پرورشی، افزایش پوشش تحصیلی و عدالت در فرصت دستیابی به آموزش ذکر شده است.

ماده (۱)

تعریف: مجتمع آموزشی و پرورشی روستایی و عشایری به مجموعه‌ای از واحدهای آموزشی و پرورشی عادی دولتی در یک منطقه آموزشی و پرورشی اطلاق می‌شود که برابر مقررات این آیین‌نامه و سایر مقررات آموزش و پرورش فعالیت می‌کند.

ماده (۲)

اهداف

۱. بسط و تعمیق عدالت آموزشی و پرورشی و گسترش پوشش تحصیلی فرزندان روستایی و عشایری.

- مصوبات مربوط به اجازه تأسیس و راه‌اندازی مراکز آموزش از راه دور مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰



ماده واحده - به مؤسسه آموزش از راه دور اجازه داده می‌شود با رعایت ضوابط و مقررات وزارت آموزش و پرورش و با هدف توسعه آموزش و پرورش کشور نسبت به تأسیس و راه‌اندازی مراکز مجری آموزش از راه دور (آموزش‌های نیمه‌حضوری و غیرحضوری) در دوره‌های راهنمایی تحصیلی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی به‌صورت دولتی و غیردولتی، در داخل و خارج از کشور و با هماهنگی و همکاری وزارت آموزش و پرورش اقدام نماید.

در ماده (۱) آیین‌نامه آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی آموزش از راه دور، آمده است: دوره راهنمایی تحصیلی آموزش از راه دور به‌منظور ادامه تحصیل دانش‌آموزان واجد شرایط زیر براساس اهداف تعیین شده این دوره و مطابق مواد این آیین‌نامه در مراکز مجری آموزش از راه دور اجرا می‌شود.

الف) افرادی که امکان ارائه آموزش‌های روزانه دوره راهنمایی تحصیلی به آنها وجود ندارد.
ب) افرادی که شرایط تحصیل در دوره راهنمایی روزانه را از دست داده‌اند.
در آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی آموزش از راه دور نیز مواردی کاملاً مشابه دیده می‌شود.

نهضت سوادآموزی

نهضت سوادآموزی به‌طور مستقیم با بحث ریشه‌کن کردن بیسوادی مرتبط است. لذا توجه به قوانین مربوط به این نهاد از اهمیت خاصی برخوردار است.

گزیده اساسنامه نهضت سوادآموزی مصوب ۱۳۶۳/۲/۳ مجلس شورای اسلامی:

ماده (۱)

نهضت سوادآموزی سازمانی است وابسته به وزارت آموزش و پرورش که به‌منظور ریشه‌کن ساختن بیسوادی با توجه به ماده (۸) انجام وظیفه می‌نماید.

ماده (۴)

وظایف نهضت عبارت است از:

الف) آموزش بزرگسالان در حد خواندن و نوشتن و آموختن حساب،
ب) تربیت و بالا بردن سطح فرهنگ و نشر فرهنگ اسلامی مناسب با سوادآموزان در محدوده ضوابط نهضت سوادآموزی.

تبصره «۱» - افراد فوق ده سال که از تحصیل باز مانده‌اند طبق آیین‌نامه ثبت‌نام وزارت آموزش و پرورش جزء بزرگسالان می‌باشد.

تبصره «۲» - نهضت می‌تواند در مناطقی که هنوز وزارت آموزش و پرورش نتوانسته است حضور داشته باشد اطفالی را که به سن سوادآموزی رسیده‌اند زیر پوشش قرار دهد.

ج) تهیه و تدوین آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها و قراردادهای مورد لزوم به‌منظور سوادآموزی کارکنان دولت و نهادهای انقلابی.

د) تهیه کتب لازم با استفاده از متخصصین متعهد و تدوین برنامه و تهیه مواد آموزشی و کمک‌آموزشی منطبق با فرهنگ اسلامی.

تبصره - نهضت می‌تواند جهت جذب افراد با سوادآموزی از هنر متناسب با کار خویش منطبق با فرهنگ اسلامی استفاده نماید (مفهوم سوادآموزی تابعی).

ه) گزینش اعضای نهضت و تربیت آنان در زمینه‌های عقیدتی و آموزشی و تعلیم مهارت‌های لازم طبق تعالیم عالیه اسلام با استفاده از رهنمودهای مقام رهبری.

و) ایجاد اشتیاق در مردم از طریق مادی و معنوی برای شرکت در کلاس‌های نهضت سوادآموزی و تشویق اعضای نهضت و آموزش‌یاران و بیسوادان و سایر افرادی که به نحوی از انحا با نهضت همکاری دارند.

ماده (۵)

نهضت برای پیشبرد اهداف خویش از امکانات زیر استفاده نماید:

الف) استفاده از همه امکانات و نیروهای موجود در جامعه به‌منظور ریشه‌کن کردن بیسوادان با برنامه‌ریزی مناسب به‌خصوص در مناطق محروم روستاها به‌طور ضربتی و از طریق بسیج عمومی مردم و ایجاد امکانات و تسهیلات لازم دیگری که برای تأمین اهداف نهضت ضروری باشد.

ب) استفاده از اعضای نهادهای انقلابی و ارگان‌های دولتی به‌خصوص معلمان با توافق ایشان در صورت عدم وقفه در نهاد یا ارگان مربوطه.

ج) استفاده از رسانه‌های گروهی به‌منظور آموزش بزرگسالان و تبلیغ جهت تشویق به امر سوادآموزی.

د) در برنامه‌های درسی و تمرینی دانشگاه‌های تربیت معلم، تدریس در نهضت سوادآموزی گنجانده خواهد شد.

تبصره «۱» - ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی موظفند امکانات خود را در صورتی که وقفه‌ای در انجام وظایف قانونی ایشان وارد نمی‌نماید در اختیار نهضت قرار دهند و نهضت هم موظف است از همه امکانات استفاده نمایند.

تبصره «۲» - رسانه‌های گروهی موظف به همکاری لازم می‌باشند.



فصل دوم - جلوگیری از ورود بیسواد

۱. آمار مربوط به پوشش تحصیلی

یکی از شاخص‌ها یا نشانگرهایی که می‌تواند موفقیت نظام آموزشی را تا حدود زیادی نمایان سازد، میزان دسترسی افراد به تحصیل است. این نشانگر با نرخ پوشش تحصیلی بیان می‌شود. پوشش تحصیلی یا نرخ ثبت‌نام در یک دوره تحصیلی نشان‌دهنده آن است که چه تعداد از افراد یک گروه سنی (گروه لازم‌التعلیم) در یک دوره تحصیلی متناظر با آن به آموزش دسترسی داشته‌اند. در مقابل نیز آن تعداد افرادی که موفق نشدند به آموزش دسترسی یابند را نیز تعیین می‌کند. نکته مهم دیگری که در این بررسی قابل تشخیص است آنکه برخی از افراد به مدرسه راه یافته، اما بعداً ترک تحصیل کرده و برخی اصلاً به مدرسه راه نیافته و کلاً دسترسی به تحصیل نداشته‌اند. با مقایسه وضع بیسوادان با تعداد کودکان خارج از مدرسه این وضعیت قابل بررسی و تبیین است. هدف این بخش ارائه تصویری از وضعیت پوشش تحصیلی با استفاده از آمارهای مربوطه است. در این راستا به ارائه آمارهایی از وضعیت پوشش تحصیلی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی مبادرت می‌گردد، هرچند که تمرکز این پژوهش در بحث پوشش تحصیلی بر دوره ابتدایی است. محدودیت‌های بررسی پوشش تحصیلی، عدم دسترسی کامل به آمار و اطلاعات دقیق دانش‌آموزان گروه‌های سنی است.

برای بررسی وضعیت پوشش تحصیلی به لحاظ آماری در مقطع ابتدایی - که در این پژوهش کانون توجه در بحث از پوشش تحصیلی است - به ارائه دو دسته از آمار و اطلاعات مبادرت می‌گردد. یک دسته آمارهایی که توسط مرکز پژوهش‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تهیه و پردازش شده است و دیگری آمار و اطلاعاتی که مندرج در برنامه انسداد مبادی بیسوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی بوده که توسط معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در اسفندماه ۱۳۸۹ تهیه شده است. ذکر این نکته لازم است که در سرشماری سال ۱۳۸۵، اطلاعات به صورت نمونه‌گیری ده درصدی جمع‌آوری شده بود. اگرچه این حجم نمونه از لحاظ آماری مورد قبول است، اما ناچار میزانی از خطا را در خود مستتر دارد. به علاوه داده‌هایی که در نتیجه سرشماری به دست می‌آید، مشخص نمی‌کند که فرزند خانواده در نیمه اول سال به دنیا آمده است یا در نیمه دوم. از آنجا که سال تحصیلی از مهرماه آغاز می‌شود، بنابراین نمی‌توان به عنوان مثال تمامی کودکان متولد یک سال معین را به عنوان جمعیت لازم‌التعلیم ۶ سال بعد محسوب کرد. چنین مسئله‌ای در محاسبه پوشش ظاهری و واقعی به خصوص در پایه اول ابتدایی که در موضوع جذب کودکان لازم‌التعلیم از اهمیت خاصی برخوردار است، ایجاد خطا می‌کند.

درخصوص سایر مقاطع تحصیلی، آمارهای محاسبه شده توسط مرکز پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. توجه به این نکته اساسی است که هیچ‌یک از این دو دسته آمار نمی‌تواند از دقت کافی برخوردار باشد و علت ذکر هر دو دسته آمار نیز همین نکته است. امید است با ثبت‌نام اینترنتی دانش‌آموزان و تطبیق داده‌های آن با داده‌های ثبت احوال و سرشماری سال ۱۳۹۰، بتوان به آمار بسیار دقیق‌تری دست یافت.

در ابتدا لازم است دو شاخص پراهمیت در رابطه با پوشش تحصیلی شامل شاخص پوشش ظاهری و پوشش واقعی معرفی گردند. در مقام تعریف:

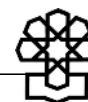
پوشش تحصیلی ظاهری عبارت است از تقسیم تعداد دانش‌آموزان یک دوره تحصیلی بر (جمعیت متناظر با آن دوره) ضربدر ۱۰۰.

پوشش تحصیلی واقعی عبارت است از تقسیم تعداد دانش‌آموزان (واقع در سن مقرر دوره تحصیلی) بر (جمعیت متناظر با آن دوره) ضربدر ۱۰۰.

با این مقدمات ابتدا اطلاعات پردازش شده براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و سپس اطلاعات ذکر شده از سند برنامه انسداد بیسواد و پوشش تحصیلی کامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی ارائه می‌شوند.

۱-۱. وضعیت پوشش تحصیل دوره‌های مختلف تحصیلی در سال ۱۳۸۵

در سال ۱۳۸۵ جمعیت ویژه سنی ۶-۱۷ ساله (تمامی سطوح آموزشی) حدوداً ۱۶/۳ میلیون نفر بوده است که در مجموع حدوداً ۱۳/۱ میلیون نفر از این جمعیت مشغول به تحصیل بوده‌اند. به عبارت دیگر حدود ۲۰/۳ درصد از این جمعیت که بالغ بر ۳/۲ میلیون نفر می‌شود خارج از مدرسه بوده‌اند که این امر به عللی از جمله عدم دسترسی کامل (که منجر به بیسواد شدن است) و یا عدم تکمیل سطوح آموزشی (که منجر به ترک تحصیل شده است) رخ داده است. همان‌طور که ذکر شد در بین جمعیت ۶-۱۷ ساله، حدود ۳/۲ میلیون نفر کودکان خارج از مدرسه تلقی می‌شوند که در واقع بیشتر این افراد خارج از مدرسه را جمعیت گروه سنی بالا تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر حدود یک میلیون نفر از این افراد را جمعیت زیر ۱۳ سال و حدود ۲/۲ میلیون نفر دیگر را جمعیت ۱۳-۱۷ ساله تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب هر قدر به سطوح بالاتر تحصیلی می‌رسیم میزان ترک تحصیل دانش‌آموزان بیشتر می‌شود. ناگفته نماند که از بین ۳/۲ میلیون نفر که هرگز به آموزش دست نیافته‌اند ۶۶۵ هزار نفر را گروه سنی ۶-۱۷ ساله تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه جمعیت بیسواد این گروه سنی بالغ بر ۶۶۵ هزار نفر است، می‌توان گفت حدود ۲/۵ میلیون نفر از کودکان خارج از مدرسه گروه سنی ۶-۱۷ ساله به دلیل ترک تحصیل در مدرسه حضور ندارند و حدود ۶۶۵ هزار



نفر دیگر اصولاً به آموزش دست نیافته‌اند.

از بین جمعیت گروه سنی ۶-۱۷ ساله خارج از مدرسه، سهم مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۴۸/۵ و ۵۱/۵ درصد است. به عبارت دیگر از جمعیت ۳/۲ میلیون نفری خارج از مدرسه حدود ۱/۷ میلیون نفر از افراد مناطق روستایی و حدود ۱/۵ میلیون نفر از جمعیت گروه سنی ۶-۱۷ ساله مناطق شهری به مدرسه دسترسی ندارند. بنابراین حدود ۱۵ درصد از جمعیت ویژه سنی مذکور در مناطق شهری تحت پوشش آموزش نیستند و حدود ۲۹ درصد از جمعیت این گروه سنی در مناطق روستایی نتوانسته‌اند از آموزش برخوردار شوند.

نکته قابل ذکر آنکه از بین جمعیت ۱/۷ میلیون نفری از جمعیت گروه سنی ۶-۱۷ ساله مناطق روستایی که خارج از مدرسه‌اند نزدیک به ۳۵۷ هزار نفر از آنان هرگز به مدرسه راه نیافته‌اند و کاملاً بیسوادند و مابقی یعنی حدود ۱/۳ میلیون نفر ترک تحصیل کرده‌اند و بالعکس در مناطق شهری از حدود ۱/۵ میلیون نفر جمعیت ویژه سنی مذکور که خارج از مدرسه‌اند، حدود ۳۰۰ هزار نفر بیسوادانی هستند که هرگز نتوانسته‌اند به مدرسه راه یابند و ۱/۲ میلیون نفر ترک تحصیل‌کنندگان می‌باشند.

بدین ترتیب میزان ترک تحصیل در مناطق روستایی تا حدودی بیشتر از مناطق شهری است. خلاصه‌ای از وضعیت کلی پوشش تحصیلی و کودکان خارج از مدرسه در سنین ۶-۱۷ سال به ترتیب در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. وضعیت کلی پوشش تحصیلی در جمعیت

گروه سنی ۶-۱۷ ساله در سال ۱۳۸۵ (ارقام به هزار نفر)

عنوان	شهر	روستا	کل
جمعیت ویژه سنی ۶-۱۷ ساله	۱۰۵۴۶	۵۷۳۳	۱۶۲۷۹
دانش‌آموز ویژه سنی ۶-۱۷ ساله	۸۹۹۳	۴۰۸۵	۱۳۰۷۸
کودکان خارج از مدرسه ویژه سنی ۶-۱۷ ساله	۱۵۵۳	۱۶۴۸	۳۲۰۱
درصد پوشش ویژه سنی	۸۵/۳	۷۱/۳	۸۰/۳

مأخذ: سرشماری سال ۱۳۸۵.

جدول ۲. کودکان خارج از مدرسه در بین جمعیت ۶-۱۷ ساله در سال ۱۳۸۵

(ارقام به هزار نفر)

عنوان	شهر	روستا	کل
کل کودکان خارج از مدرسه ویژه سنی ۶-۱۷ ساله	۱۵۵۳	۱۶۴۸	۳۲۰۱
تعداد بیسوادان گروه سنی ۶-۱۷ ساله	۳۰۸	۳۵۷	۶۶۵
ترک تحصیل‌کنندگان گروه سنی ۶-۱۷ ساله	۱۲۴۵	۱۲۹۱	۲۵۳۶

مأخذ: همان.

۱-۲. وضعیت پوشش تحصیلی دوره ابتدایی

روند تغییرات میزان پوشش تحصیلی واقعی دوره ابتدایی در طی سه دهه براساس داده‌های سرشماری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۵ حدود ۷۱/۶ درصد از جمعیت لازم‌التعلیم این دوره تحت پوشش آموزش ابتدایی بوده‌اند که به حدود ۹۰/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ و بالاخره به ۸۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. به عبارت دیگر در این سه دهه حدود ۱۷ درصد بر میزان پوشش تحصیلی این دوره افزوده شده است، اما همچنان ۱۱/۵ درصد از این جمعیت لازم‌التعلیم در مدرسه حضور ندارند. لازم به ذکر است که حدود ۶/۷ درصد از این تعداد نیز مربوط به کسانی است که اصلاً نتوانسته‌اند به مدرسه راه یابند (که بیسواد شده‌اند) و تنها ۴/۸ درصد از این نرخ عدم پوشش جمعیت لازم‌التعلیم مربوط به کسانی است که به مدرسه وارد شده‌اند، اما مجدداً ترک تحصیل کرده‌اند.

نکته جالب توجه اینکه از بین حدود ۶۴۰ هزار نفر کودکان خارج از مدرسه این گروه سنی (۶ - ۱۰ ساله) حدوداً ۳۸۰ هزار نفر در مناطق شهری و حدود ۲۶۰ هزار نفر مربوط به مناطق روستایی هستند.

خلاصه وضعیت پوشش تحصیلی دوره ابتدایی طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ به شرح جدول ۳ است. جدول ۴ نیز آمار کودکان خارج از مدرسه گروه سنی ۶ - ۱۰ ساله در سال ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد.

جدول ۳. پوشش تحصیلی واقعی دوره ابتدایی طی دوره زمانی ۱۳۵۵ - ۱۳۸۵

(ارقام به درصد)

سال	شهر	روستا	کل
۱۳۵۵	۸۸/۴	۵۸/۸	۷۱/۶
۱۳۶۵	۸۵/۴	۶۸/۶	۷۷/۲
۱۳۷۵	۹۳/۲	۸۶/۲	۹۰/۵
۱۳۸۵	۸۹/۴	۸۶/۷	۸۸/۵

مأخذ: سرشماری‌های سال‌های مربوطه.



جدول ۴. کودکان خارج از مدرسه گروه سنی ۶ - ۱۰ ساله در سال ۱۳۸۵

(ارقام به هزار نفر)

عنوان	شهر	روستا	کل
جمعیت گروه سنی ۶ - ۱۰ ساله	۳۶۳۲	۱۹۶۹	۵۶۰۱
دانش آموز گروه سنی ۶ - ۱۰ ساله	۳۲۴۹	۱۷۰۸	۴۹۵۷
کودکان خارج از مدرسه گروه سنی ۶ - ۱۰ ساله	۳۸۳	۲۶۱	۶۴۴
درصد پوشش	۸۹/۴	۸۶/۷	۸۸/۵
درصد کودکان خارج از مدرسه	۱۰/۶	۱۳/۳	۱۱/۵
کودکان ترک تحصیل کرده ۶ - ۱۰ ساله	—	—	۲۶۹
کودکان بیسواد ۶ - ۱۰ ساله	—	—	۳۷۵

مأخذ: سرشماری سال ۱۳۸۵.

جدول ۵ نرخ پوشش تحصیلی واقعی در دوره ابتدایی کل کشور طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۸ براساس آمار ارائه شده توسط آمار معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش را نشان می‌دهد. براساس این آمار، نرخ پوشش تحصیلی واقعی در دوره ابتدایی براساس آخرین آمار اعلام شده از سوی مرکز آمار و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش، ۹۸/۵ درصد است.

جدول ۵. نرخ پوشش واقعی دوره ابتدایی طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۸

سال	۱۳۸۷-۱۳۷۹	۱۳۸۰-۱۳۷۹	۱۳۸۱-۱۳۸۰	۱۳۸۲-۱۳۸۱	۱۳۸۳-۱۳۸۲	۱۳۸۴-۱۳۸۳	۱۳۸۵-۱۳۸۴	۱۳۸۶-۱۳۸۵	۱۳۸۷-۱۳۸۶	۱۳۸۸-۱۳۸۷
کشور	۹۵/۹	۹۶/۲	۹۶/۵	۹۶/۸	۹۷/۲	۹۷/۵	۹۷/۸	۹۸/۳	۹۸/۴	۹۸/۵

مأخذ: برنامه انسداد مبادی بیسوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش آموزان دوره ابتدایی، معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش.

نرخ پوشش ظاهری دوره ابتدایی کل کشور طی سالهای ۱۳۷۹ - ۱۳۸۸ براساس آمار ارائه شده توسط معاونت آموزش ابتدایی در جدول ۶ ذکر شده است.

جدول ۶. نرخ پوشش ظاهری دوره ابتدایی طی سالهای ۱۳۷۹ - ۱۳۸۸

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
درصد پوشش	۱۰۹	۱۰۷	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۲

مأخذ: همان.

آمارهای فوق نشان می‌دهد که در طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸، نرخ پوشش واقعی رو به افزایش و نرخ پوشش ظاهری رو به کاهش بوده است. این بدین معنی است که طی این سالها شرایطی فراهم شده که کودکان لازم‌التعلیم به موقع در مدرسه حضور یافته‌اند و تعداد کودکان بازمانده از تحصیل کمتر شده است.

در خصوص پوشش واقعی پایه اول ابتدایی^۱ طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۸، جدول ۷ اگرچه بیانگر روندی صعودی است، اما نرخ پوشش واقعی در سال ۱۳۸۸ نیز رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد.

جدول ۷. نرخ پوشش واقعی پایه اول ابتدایی طی سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۸

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
درصد پوشش	۹۲/۸	۹۴/۸	۹۴/۹	۹۴/۷	۹۵/۴	۹۵/۴	۹۶/۵	۹۶/۷	۹۶/۷	۹۶/۵

مأخذ: همان.

آمار فوق نشان‌دهنده این است که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸، ۳/۵ درصد کودکان ۶ ساله، خارج از مدرسه بوده‌اند. براساس اطلاعات برنامه انسداد مبادی بیسوادی معاونت آموزش ابتدایی، استان‌های دارای پایین‌ترین نرخ جذب کودکان ۶ ساله در پایه اول ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ عبارتند از:

- سیستان و بلوچستان (۷۶/۷۶)،

- کرمان (۸۸/۱)،

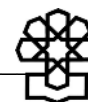
- خراسان جنوبی (۸۹/۰۲)،

- ایلام (۸۹/۷۶).

حداقل نرخ پوشش تحصیلی واقعی دختران در پایه اول ابتدایی در استان‌های مذکور عبارت است از: سیستان و بلوچستان ۷۲/۴، کرمان ۸۲/۳، خراسان جنوبی ۸۷/۶ و ایلام ۸۷/۸. براساس آمار وزارت آموزش و پرورش، در حال حاضر نرخ پوشش واقعی در خصوص دختران ۹۵/۴ و در مورد پسران ۹۷/۴ است. بنابراین می‌توان گفت عدم دسترسی دختران ۶ ساله به آموزش در استان‌های فوق علت عمده پایین بودن نرخ پوشش تحصیلی واقعی در این استان‌هاست.

براساس آمار ذکر شده در برنامه انسداد مبادی بیسوادی معاونت آموزش ابتدایی، نرخ تکرار پایه اول ابتدایی طی سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ به ترتیب ۷، ۴ و ۳/۶۹ درصد بوده است. همچنین نرخ ترک تحصیل در پایه اول ابتدایی طی سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ عبارت است از ۳/۲۸، ۱/۴۷ و ۲/۰۶ درصد. افزایش نرخ ترک تحصیل طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ قابل توجه بوده و نیازمند آسیب‌شناسی توسط معاونت مربوطه است.

۱. نسبت دانش‌آموزان ۶ ساله پایه اول در سال مشخص به جمعیت ۶ ساله همان سال.



۳-۱. وضعیت پوشش تحصیلی دوره راهنمایی تحصیلی

در سال ۱۳۸۵ که آخرین سرشماری جمعیت ایرانی بوده است جمعیت گروه سنی دوره راهنمایی تحصیلی بالغ بر $\frac{3}{9}$ میلیون نفر بوده است و در مقابل $\frac{2}{9}$ میلیون از آنان درحال تحصیل در این دوره بوده‌اند. به عبارت دیگر پوشش واقعی تحصیل این دوره معادل $\frac{7}{72}$ درصد است و نزدیک به یک میلیون از این جمعیت در این دوره مشغول به تحصیل نبوده‌اند، البته کسانی هم دیرتر وارد آموزش شده‌اند و یا به دلیل تکرار پایه وارد این دوره تحصیلی شده‌اند، اما در دوره تحصیلی قبل یعنی آموزش ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. از این جمعیت یک میلیون نفری ۶۰۰ هزار نفر تحت پوشش دوره راهنمایی نبوده که از میان آنها ۱۰۰ هزار نفر به مدرسه راه پیدا نکرده و ۵۰۰ هزار نفر ترک تحصیلی می‌بوده‌اند. همچنین ۴۰۰ هزار نفر دیگر در دوره ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

با مقایسه وضع پوشش تحصیلی ویژه سنی می‌توان گفت از حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت لازم‌التعلیم روستایی که تحت پوشش این دوره نبوده‌اند حدود ۳۰۰ هزار نفر در دوره ابتدایی مشغول به تحصیل بوده‌اند و نزدیک به ۲۰۰ نفر از آنان در مدرسه اشتغال به تحصیل نداشته‌اند و به عبارتی خارج از مدرسه‌اند.

روند تغییرات پوشش تحصیلی واقعی این دوره تحصیلی نشان می‌دهد که در طی سه دهه حدوداً ۴۰ درصد بر میزان نرخ پوشش تحصیلی دوره راهنمایی تحصیلی افزوده شده است، به طوری که در سال ۱۳۵۵ میزان پوشش تحصیلی واقعی این دوره معادل $\frac{2}{31}$ درصد بوده است که به حدود ۷۰ درصد در سال ۱۳۷۵ و حدود $\frac{7}{72}$ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

رشد نرخ پوشش تحصیلی واقعی این دوره در مناطق روستایی معادل ۵۰ درصد بوده است که از رقم حدود $\frac{4}{12}$ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود $\frac{2}{62}$ درصد در سال ۱۳۸۵ بالغ گشته است. در مناطق شهری میزان پوشش تحصیلی واقعی از $\frac{4}{51}$ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود $\frac{8}{78}$ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده و از افزایش $\frac{4}{27}$ درصدی برخوردار بوده است. بنابراین رشد تغییرات پوشش تحصیلی مناطق روستایی از مناطق شهری بسیار بیشتر بوده است و این امر خود نشان‌دهنده آن است که گسترش و توسعه آموزش راهنمایی تحصیلی در مناطق روستایی بسیار بیشتر و گسترده‌تر از مناطق شهری صورت گرفته است.

اطلاعات مربوط به پوشش تحصیلی این دوره در جدول ۸ ذکر شده است:

جدول ۸. وضعیت پوشش تحصیلی واقعی دوره

راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۸۵ (ارقام به هزار نفر)

عنوان	شهر	روستا	کل
جمعیت گروه سنی ۱۱ - ۱۳ ساله	۲۵۳۳	۱۴۵۶	۳۹۸۹
دانش‌آموز ۱۱ - ۱۳ ساله	۱۹۹۵	۹۰۶	۲۹۰۱
پوشش تحصیلی واقعی (درصد)	۷۸/۸	۶۲/۲	۷۲/۷
افراد خارج از مدرسه این دوره	۵۳۸	۵۵۰	۱۰۸۸

مأخذ: سرشماری سال ۱۳۸۵.

۴-۱. وضعیت پوشش تحصیلی جمعیت ویژه سنی ۶ - ۱۳ ساله

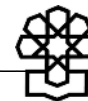
کل جمعیت ویژه سنی ۶ - ۱۳ ساله که جمعیت گروه سنی دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی را شامل می‌شود در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۹۵۹۰ هزار نفر بوده است. در مقابل حدود ۸۴۸۰ هزار نفر از آنان در دوره‌های تحصیلی مذکور مشغول به تحصیل بوده‌اند. بنابراین پوشش تحصیلی گروه سنی ویژه ۶ - ۱۳ ساله معادل ۸۸/۴ درصد بوده است.

با مقایسه جمعیت گروه سنی و افراد تحت پوشش می‌توان گفت که حدود ۱۱۰۰ هزار نفر از این جمعیت در خارج از مدرسه‌اند. حدود ۴۷۰ هزار نفر از آنان هرگز به مدرسه راه نیافته‌اند و به‌عنوان بیسواد تلقی می‌شوند و مابقی یعنی ۶۳۰ هزار نفر دیگر وارد مدرسه شده‌اند ولی ترک تحصیل کرده‌اند. در واقع حدود ۱۱/۶ درصد از جمعیت گروه سنی ویژه ۶ - ۱۳ ساله بیرون از مدرسه‌اند که حدود ۶/۵ درصد از این مهم مربوط به کسانی است که به نوعی ترک تحصیل کرده‌اند و ۵/۱ درصد مربوط به کسانی است که اصولاً به مدرسه راه نیافته‌اند.

توزیع کودکان خارج از مدرسه در این گروه سنی بین شهر و روستا تقریباً یکسان بوده است. نیمی از آنان مربوط به جمعیت روستایی و نیم دیگر مربوط به مناطق شهری است. پوشش تحصیلی ویژه سنی این گروه در مناطق شهری حدود ۹۰/۴ درصد و در مناطق روستایی ۸۴/۷ درصد است. هرچند که کودکان خارج از مدرسه در هر یک از مناطق شهری و روستایی تقریباً یکسان است.

۵-۱. وضعیت پوشش تحصیلی در دوره متوسطه

پوشش تحصیلی واقعی در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی که جمعیت ۱۴ - ۱۷ ساله را شامل می‌شود، در سال ۱۳۸۵ به ۴۸/۵ درصد رسیده است که نسبت به سال ۱۳۷۵ تقریباً یک درصد افزایش داشته است. این میزان در مناطق شهری ۵۶/۴ درصد و در مناطق روستایی به حدود ۳۳/۴ درصد می‌رسد.



جمعیت گروه سنی این دوره در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۶/۷ میلیون نفر بوده است که تقریباً نیمی از آنان تحت پوشش بوده‌اند، هرچند که برخی از کسانی که در این گروه سنی قرار دارند در دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی ممکن است مشغول به تحصیل بوده باشند. با مقایسه جمعیت دو گروه ویژه سنی ۶ - ۱۳ ساله و ویژه سنی ۶ - ۱۷ ساله می‌توان دریافت که تعداد افرادی که در سنین ۱۴ - ۱۷ ساله در دوره‌های مختلف تحصیلی مشغول به تحصیل بوده‌اند معادل ۴۵۹۸ هزار نفر بوده است. به عبارت دیگر جمعیت گروه سنی ۱۴ - ۱۷ ساله که به نوعی مشغول به تحصیل هستند معادل رقم مذکور است. چنانچه این تعداد را با تعداد دانش‌آموزان گروه سنی ۱۴ - ۱۷ ساله‌ای که در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل بوده‌اند مقایسه کنیم (رقمی معادل ۳/۲ میلیون نفر) می‌توان گفت نزدیک به ۱/۴ میلیون نفر از این جمعیت ۱۴ - ۱۷ ساله در دوره‌های قبلی مشغول به تحصیل بوده‌اند. به عبارت دیگر حدود ۲۰ درصد از جمعیت گروه سنی ۱۴ - ۱۷ ساله در دوره‌های تحصیلی مورد نظر خود مشغول به تحصیل نبوده و به دلیل تکرار پایه و یا ثبت‌نام در غیرپایه خود و یا علی‌از جمله ترک تحصیل‌های بین تحصیل به مقطع تحصیلی خود نرسیده‌اند و در سطوح پایین‌تر تحصیلی مشغول به تحصیل هستند.

با وجود آنکه جمعیتی حدود ۳/۴ میلیون نفر در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی به تحصیل اشتغال ندارند، اما حدود ۱/۴ میلیون نفر از آنان در سطوح پایین‌تر تحصیلی مشغول به تحصیل بوده‌اند و برخی از گذراندن دوره پیش‌دانشگاهی صرف‌نظر می‌کنند. با توجه به اینکه گذراندن دوره پیش‌دانشگاهی اجباری نیست و به خصوص برای برخی از شاخه‌های تحصیلی اصولاً ضرورتی به گذراندن آن نیست، در مورد پوشش تحصیلی این دوره باید با احتیاط بیشتری سخن گفت. به‌طور کلی با این بررسی‌ها می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حدود ۷۰ درصد از جمعیت ۱۴ - ۱۷ ساله به‌طور مستقیم در این دوره و یا سایر دوره‌های تحصیلی پایین‌تر مشغول به تحصیل بوده و بخشی نیز پس از اخذ دیپلم نیازی به گذراندن دوره پیش‌دانشگاهی نداشته‌اند که عملاً آنان نیز نباید در این شاخص منظور گردند.

با توجه به مطالب گذشته می‌توان نکات زیر را درخصوص پوشش تحصیلی برشمرد:

۱. با وجود پوشش تحصیلی حدود ۸۰ درصدی جمعیت ویژه سنی ۶ - ۱۷ ساله می‌توان گفت که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، بالغ بر ۳ میلیون نفر از افراد گروه سنی مشمول تحصیل در بیرون مدرسه قرار دارند و به آموزش دسترسی ندارند.

۲. روند تغییرات پوشش تحصیلی در دهه گذشته نشان می‌دهد که رشد پوشش تحصیلی واقعی در مناطق روستایی در تمامی دوره‌های تحصیلی افزایش یافته، اما در مناطق شهری کاهش داشته است. کاهش نرخ پوشش تحصیلی در مناطق شهری به علت کاهش آن در دوره ابتدایی بوده

است، اما علیرغم آن در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه به دلیل افزایش قابل ملاحظه پوشش تحصیلی مناطق روستایی، نرخ پوشش تحصیلی کاهش نداشته است.

۳. میزان افزایش پوشش تحصیلی در دهه گذشته در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه به ترتیب ۳ درصد و ۱/۲ درصد بوده است، اما در دوره ابتدایی با کاهش ۲ درصدی روبرو بوده است.

۴. جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر از جمعیت گروه سنی ۶ - ۱۷ ساله بیسواد بوده و به عبارتی دسترسی به آموزش پیدا نکرده‌اند که نزدیک به ۲۰ درصد از افرادی که در این سنین تحت پوشش نبوده‌اند را شامل می‌شود.

۵. با وجود چنین تصویری کلی از وضعیت پوشش تحصیلی باید اذعان کنیم که هنوز نظام آموزشی ما در نگهداری و پایداری دانش‌آموزان در مدرسه موفق نبوده است. پایین بودن کیفیت سطح تحصیلی و یا ورود دانش‌آموزان با تأخیر به مدرسه به خصوص در مناطق روستایی از جمله این عدم موفقیت بوده است، بررسی نرخ ماندگاری در آموزش و پرورش ایران و تحلیل عوامل آن می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. به علاوه کاستی‌های موجود در ثبت نام به موقع دانش‌آموزان در ابتدای ورود به تحصیل نیز باید برطرف گردد.

جدول ۹. پوشش تحصیلی واقعی ویژه سنی (۶-۱۳ ساله) و (۶-۱۷ ساله) در سال ۱۳۸۵

عنوان	ابتدایی و راهنمایی (۶-۱۳ ساله)			ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه (۶-۱۷ ساله)		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
جمعیت ویژه سنی	۶۱۶۵	۳۴۲۵	۹۵۹۰	۱۰۵۴۶	۵۷۳۳	۱۶۲۷۹
دانش‌آموز ویژه سنی	۵۵۷۴	۲۹۰۶	۸۴۸۰	۸۹۹۳	۴۰۸۵	۱۳۰۷۸
پوشش ویژه سنی	۹۰/۴	۸۴/۸	۸۸/۴	۸۵/۳	۷۱/۳	۸۰/۳

مأخذ: همان.

جدول ۱۰. برآورد کودکان خارج از مدرسه در

گروه‌های مختلف در سال ۱۳۸۵ (ارقام به هزار نفر)

عنوان	شهر	روستا	کل
جمعیت ۶ - ۱۰ ساله	۲۸۳	۲۶۱	۶۴۴
جمعیت ۶ - ۱۳ ساله	۵۹۱	۵۱۹	۱۱۱۰
جمعیت ۶ - ۱۷ ساله	۱۵۵۳	۱۶۴۸	۳۲۰۱
جمعیت ۱۱ - ۱۲ ساله	۵۳۸	۵۵۰	۱۰۸۸
جمعیت ۱۴ - ۱۷ ساله	۱۹۰۸	۱۵۳۸	۳۴۴۶

مأخذ: همان.



جدول ۱۱. جمعیت بیسوادی گروه‌های سنی در سال ۱۳۸۵

(ارقام به هزار نفر)

جمعیت بیسواد			عنوان
کل	روستا	شهر	
۳۷۸	۱۶۷	۲۱۱	گروه سنی ۶ - ۱۰ ساله
۴۶۹	۱۹۷	۲۴۸	گروه سنی ۶ - ۱۳ ساله
۶۶۵	۳۵۷	۳۰۸	گروه سنی ۶ - ۱۷ ساله
۹۱	۵۴	۳۱۷	گروه سنی ۱۱ - ۱۳ ساله
۱۹۵	۱۲۱	۷۶	گروه سنی ۱۴ - ۱۷ ساله

مأخذ: همان.

جدول ۱۲. کودکان خارج از مدرسه در سال ۱۳۸۵

(ارقام به هزار نفر)

عنوان	عدم دسترسی کلی (بیسواد)	ترک تحصیل	جمع
جمعیت ۶ - ۱۰ ساله	۳۷۸	۲۶۶	۶۴۴
جمعیت ۶ - ۱۳ ساله	۴۶۹	۶۴۵	۱۱۱۰
جمعیت ۶ - ۱۷ ساله	۶۶۵	۲۵۳۶	۳۲۰۱
جمعیت ۱۱ - ۱۳ ساله	۹۱	۳۷۵	۴۶۶
جمعیت ۱۴ - ۱۷ ساله	۱۹۶	۱۸۹۵	۲۰۹۱

مأخذ: همان.

جدول ۱۳. وضعیت دانش‌آموز گروه سنی و جمعیت گروه سنی دوره‌های مختلف در سال ۱۳۸۵

عنوان	ابتدایی			راهنمایی			متوسطه و پیش‌دانشگاهی		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
جمعیت گروه سنی	۳۶۳۲	۱۹۶۹	۵۶۰۱	۲۵۳۳	۱۴۵۶	۳۹۸۹	۴۳۸۱	۲۳۰۸	۶۶۸۹
دانش‌آموز گروه سنی	۳۲۴۹	۱۷۰۸	۴۹۵۷	۱۹۹۷	۹۰۶	۲۹۰۱	۲۴۷۳	۷۷۰	۳۲۴۳
دانش‌آموز جمعیت در حال تحصیل	۳۶۴۷	۲۱۵۲	۵۶۹۹	۲۶۰۸	۱۳۰۶	۳۹۱۴	۳۸۹۴	۱۲۰۴	۵۱۰۰

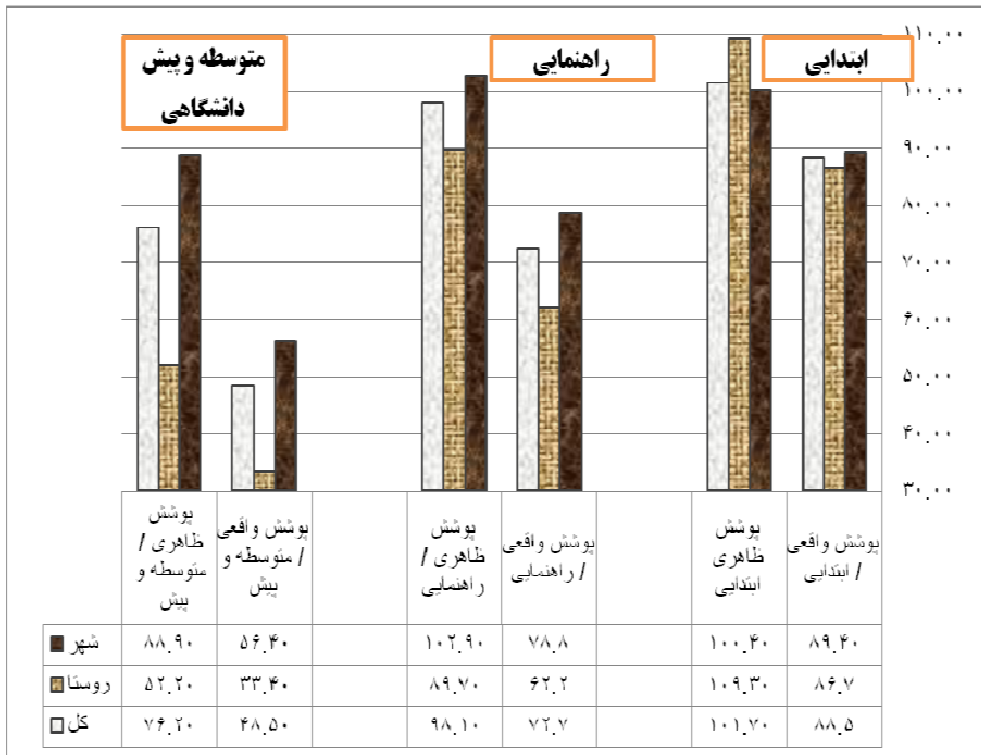
مأخذ: همان.

جدول ۱۴. پوشش واقعی و ظاهری دوره‌های مختلف تحصیلی در سال ۱۳۸۵

عنوان	ابتدایی			راهنمایی			متوسطه و پیش‌دانشگاهی		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
پوشش واقعی	۸۹/۴	۸۶/۷	۸۸/۵	۷۸/۸	۶۲/۲	۷۲/۷	۵۶/۴	۳۳/۴	۴۸/۵
پوشش ظاهری	۱۰۰/۴	۱۱۰۹/۳	۱۰۱/۷	۱۰۲/۹	۸۹/۷	۹۸/۱	۸۸/۹	۵۲/۲	۷۶/۲

مأخذ: همان.

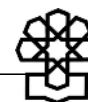
نمودار ۱. پوشش واقعی و ظاهری دوره‌های مختلف تحصیلی در سال ۱۳۸۵



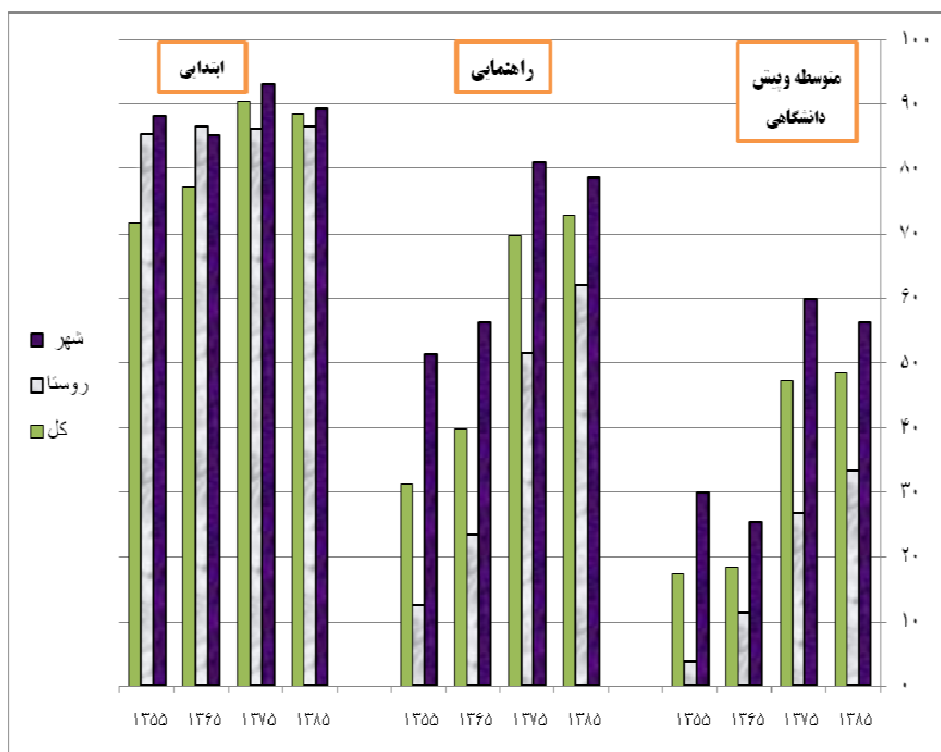
جدول ۱۵. پوشش واقعی دوره‌های مختلف تحصیلی در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵

سال	ابتدایی			راهنمایی			متوسطه و پیش‌دانشگاهی		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
۱۳۵۵	۸۸/۴	۵۸/۵	۷۱/۶	۵۱/۴	۱۲/۴	۳۱/۲	۲۹/۹	۳/۹	۱۷/۴
۱۳۶۵	۸۵/۴	۶۸/۶	۷۷/۲	۵۶/۴	۲۳/۴	۳۹/۸	۲۵/۴	۱۱/۴	۱۸/۴
۱۳۷۵	۹۳/۳	۸۶/۲	۹۰/۵	۸۱/۲	۵۱/۶	۶۹/۷	۶۰	۲۶/۸	۴۷/۳
۱۳۸۵	۸۹/۴	۸۶/۷	۸۸/۵	۷۸/۸	۶۲/۲	۷۲/۷	۵۶/۴	۳۳/۴	۴۸/۵

مأخذ: سرشماری عمومی و نفوس و مسکن سال‌های مذکور.



نمودار ۲. پوشش واقعی دوره‌های مختلف تحصیلی در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵



جدول ۱۶. پوشش ظاهری دوره‌های مختلف در سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۸۵

سال	ابتدایی			راهنمایی			متوسطه و پیش‌دانشگاهی		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
۱۳۵۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۱۳۶۵	—	—	۱۰۱/۷	—	—	۶۵/۶	—	—	۲۹
۱۳۷۵	—	—	۱۰۵/۳	—	—	۹۳۸	—	—	۵۶/۹
۱۳۸۵	۱۰۰/۴	۱۰۹/۳	۱۰۱/۷	۱۰۲/۹	۸۹/۷	۹۸/۱	۸۸/۹	۵۲/۲	۷۶/۲

مأخذ: همان.

۲. تحلیل وضعیت موجود در زمینه انسداد مبادی ورود بیسواد

یکی از مسائل مهم در امر ریشه‌کنی بیسوادی، عملکرد نظام آموزش عمومی به لحاظ تحت پوشش بردن کودکان لازم‌التعلیم در سنین ویژه مدرسه است. وظیفه پوشش کامل آموزش این کودکان در تمام نقاط کشور به عهده معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش است. در صورتی‌که این معاونت نتواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد، کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل، بیسوادان بزرگسال آینده بوده و سوادآموزی به آنها با هزینه‌های مادی و معنوی فراوان همراه خواهد بود. اگر مجرای ورودی بیسوادی مسدود نشود، به فرض اینکه سازمان نهضت

سوادآموزی هم تمام تلاش خود را برای آموزش بزرگسالان انجام داده و موفق گردد، معضل بیسوادی هیچ‌گاه ریشه‌کن نخواهد شد. بنابراین شناسایی کودکان لازم‌التعلیم و جذب و نگهداشت آنها در مدارس از اهمیت اساسی برخوردار است. در این بخش به تحلیل وضعیت موجود در زمینه انسداد مبادی ورود بیسوادی خواهیم پرداخت. بدیهی است قوت‌ها و ضعف‌های درون‌سازمانی و فرصت‌ها و تهدیدات، برون‌سازمانی هستند.^۱

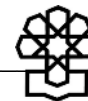
۲-۱. قوت‌ها

- تهیه برنامه انسداد مبادی بیسوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی در طول سال‌های برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴).

- ثبت‌نام اینترنتی دانش‌آموزان که هم‌اکنون با جدیت پیگیری می‌شود تا حد زیادی می‌تواند خلأهای آماری در آموزش و پرورش را مرتفع می‌کند. با اجرای این طرح، اطلاعات دانش‌آموزان ثبت‌نام شده با مشخصات و کد ملی در سامانه وارد می‌شود. به این ترتیب می‌توان اطلاعات دقیقی درخصوص دانش‌آموزان ثبت‌نامی به‌دست آورد. براساس تفاهمنامه جدیدی که با سازمان ثبت احوال منعقد شده، با دریافت اطلاعات متولدین در سال‌های مختلف، این امکان فراهم می‌شود که آمار کودکان لازم‌التعلیم در هر سال با کودکان ثبت‌نام شده مقایسه شده و تعداد بازماندگان از تحصیل با اسم و مشخصات آنها به‌دست آید. بدین ترتیب با وجود داشتن کد ملی، امکان دسترسی به نشانی پستی این افراد نیز خواهد بود. هرچند آمارهای مربوط به مرگ‌ومیر، مهاجرت و... را نیز نباید از نظر دور داشت. درحالی که ممکن است ثبت‌نام اینترنتی تمامی دانش‌آموزان کشور، حکایت از یک فرآیند چندساله داشته باشد، اما نزدیک شدن به این هدف در هر گام، واجد ارزش خواهد بود.

- تفاهمنامه‌هایی که برای دومین سال میان معاونت آموزش ابتدایی با مدیران کل استان‌ها منعقد شده حرکتی برنامه‌ریزی شده به سمت حل مشکلات انسداد مبادی بیسوادی است که درواقع از تجربیات دفتر آموزش برای همه که پیش از این دایر بود استفاده می‌کند. در این تفاهمنامه‌ها شاخص‌های در نظر گرفته شده به سه دسته شاخص‌های کمی، کیفی و برنامه‌ای تقسیم شده و درخصوص اهداف قابل تحقق در طول یک سال و امکانات مورد نیاز برای آن، با مدیران کل استان‌ها توافق حاصل می‌شود. به‌علاوه در طول سال ارزیابی‌های لازم صورت گرفته و در پایان سال نتایج با اهداف مقایسه می‌گردد.

۱. نکات مطرح شده حاصل مطالعات تخصصی، مصاحبه با کارشناسان وزارت آموزش و پرورش، بررسی مصوبات مربوطه و سند انسداد مبادی بیسوادی در طول برنامه پنجم توسعه است.



۲-۲. ضعف‌ها

- مشکل همیشگی آمار در آموزش و پرورش همواره مانعی بر سر راه برنامه‌ریزی دقیق بوده است. آمارهای مربوط به کودکان لازم‌التعلیم تاکنون به صورت تخمینی بوده و با توجه به ثبت نام دستی دانش‌آموزان، داشتن آمار دقیق میسر نبوده است. هم‌اکنون آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، مردودی، ترک تحصیل و... نیز نمی‌تواند قابل اعتماد و در موارد زیادی به تفکیک مناطق باشد. همچنین است آمار کودکان استثنایی و غیرقابل آموزش. عدم دسترسی به آمارهای دقیق و تفصیلی، پراکنده بودن اطلاعات و مشکل بودن دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات در سیستم عامل جدید از ضعف‌های آماری وزارت آموزش و پرورش است. در شرایطی که امروزه هر فرد غیرمتخصص هم می‌تواند با مراجعه به سایت‌های متعلق به سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو، به ساده‌ترین شکل ممکن به آمارهای دسته‌بندی شده، مقایسه‌ای و گزارش‌های آماری درخصوص آموزش در کشورهای جهان دست پیدا کند، وجود چنین مشکلاتی در سیستم آموزش و پرورش کشور ما غیرقابل قبول می‌نماید. قطعاً عملکرد مطلوب درخصوص جذب و شناسایی به موقع ۶ ساله‌ها، پیشگیری از ترک تحصیل و شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل بدون وجود اطلاعات آماری دقیق امکانپذیر نیست.

تفاهمنامه منعقد شده میان وزارت آموزش و پرورش و سازمان ثبت احوال، گامی مهم در ایجاد یک بانک اطلاعاتی از کودکان لازم‌التعلیم است. این تفاهمنامه اواخر مردادماه سال ۱۳۹۰ منعقد شده و بدیهی است که از زمان امضای تفاهمنامه تا رسیدن اطلاعات به آموزش و پرورش نیز مسیری طولانی مدت پیش‌رو است. این درحالی است که نیمه اول از برنامه پنج‌ساله برای ریشه‌کن شدن بیسوادی - نیمه اول سال ۱۳۹۰ - درحال اتمام است. آیین‌نامه اجرایی این همکاری در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیئت وزیران رسیده بود و این تأخیر ۶ ساله جای سؤال دارد.

- همکاری ایران با آن دسته از سازمان‌های بین‌المللی که درصدد کمک به بهبود شاخص‌های توسعه انسانی هستند به خصوص در سال‌های اخیر کاهش چشمگیر داشته که عمدتاً ناشی از ضعف همکاری آموزش و پرورش با این سازمان‌ها و نگاه منفی‌ای که به این موضوع وجود دارد است. استفاده از تجربیات سازمان‌های بین‌المللی در موضوع ریشه‌کن کردن بیسوادی می‌تواند مثمرتر باشد.

- منعطف نبودن شیوه‌های آموزشی و ساعات درسی با توجه به ویژگی‌های مناطق مختلف

کشور،

- آماری از بچه‌هایی که شناسنامه ندارند موجود نیست و برنامه‌ای برای این‌گونه بچه‌ها وجود

ندارد. هرچند تعداد کودکان لازم‌التعلیم بدون شناسنامه به خصوص در استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان زیاد است، اما امکان شناسایی آنها در حال حاضر برای آموزش و پرورش وجود نداشته و این از نقاط کور نظام آموزش رسمی است. بسیاری از این کودکان، مهاجر یا دارای پدر غیرایرانی هستند، البته وزارت آموزش و پرورش این امکان را فراهم کرده که اگر افراد بدون شناسنامه متقاضی ثبت‌نام در مدرسه باشند، ثبت‌نام از آنها صورت گیرد و این افراد تا هنگام اخذ مدرک فرصت دارند که شناسنامه تهیه کنند. در کل در شرایطی که وزارت آموزش و پرورش آمار دقیقی از کودکان دارای شناسنامه در اختیار ندارد، در خصوص کودکان بدون شناسنامه مشکل به مراتب بیشتر خواهد بود.

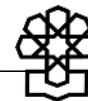
- مشکلی که اغلب دستگاه‌های اجرایی در زمینه جابجایی نیروی انسانی با آن مواجه هستند، در آموزش و پرورش نیز به شکل حاد وجود دارد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در مرحله اجرای سیاست‌ها این است که با ورود هر وزیر افراد زیادی در مناصب کلیدی تغییر می‌کنند. زمان زیادی طول می‌کشد تا نیروهای جدید با فضای کار به خوبی آشنا شوند و آنگاه آنها نه در پی دنبال کردن ایده‌های مسئولین پیشین، بلکه به دنبال برنامه‌های جدید هستند. برنامه‌هایی که چون خود هیچ‌گاه فرصت اجرای کامل آنها را ندارند به سرنوشت طرح‌های پیشین دچار می‌شوند. نتیجه اینکه بسیاری از قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها معطل می‌ماند و فراموش می‌شود و کمتر سیاستی به سرانجام می‌رسد. یکی از دلایل وضعیت موجود از این جهت که بیشتر مشکلات مربوط به موضوع پوشش تحصیلی نه در حوزه قانون، بلکه در مرحله اجرا به چشم می‌خورند، همین مسئله است.

- محتوای یکسان کتاب‌های درسی برای کل کشور که موجب خستگی و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان می‌شود.

- کاربردی نبودن آموخته‌های دانش‌آموزان که باعث بی‌انگیزگی و ایجاد احساس مفید نبودن دروس می‌شود و در نتیجه دانش‌آموز با تشویق والدین، به صرف یاد گرفتن خواندن و نوشتن بسنده کرده و از ادامه تحصیل انصراف می‌دهد.

- عدم تسلط بسیاری از معلمان ابتدایی به روش‌های نوین درسی.

- هرچند مدیر آموزشی در حوزه خود وظیفه دارد شرایط کودکان لازم‌التعلیمی را که به مدرسه نمی‌آیند را مورد بررسی قرار داده و تا حد امکان تلاش خود را برای حل مشکلات آنها به کار بندد، اما مکانیسمی برای نظارت بر عملکرد مدیران و نیز کمک به آنها در انجام این وظیفه وجود ندارد. به نظر می‌رسد در بسیاری مناطق به‌ویژه حاشیه شهرها، انجام این وظیفه سنگین‌تر از



آن است که از عهده مدیر برآید.

- دفتری که در سال ۱۳۸۲ در جهت پیگیری اهداف آموزش برای همه در وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد، فرهنگ برنامه‌ریزی و کار براساس برنامه را در آموزش و پرورش رونق داد. به علاوه این دفتر محلی برای فعالیت کارشناسان خبره در آموزش و پرورش بود که به نظر می‌رسد تصمیم به انحلال، این روند را کند خواهد کرد.

۳-۲. فرصت‌ها

- تأکید مقام معظم رهبری بر مقوله به صفر رساندن بیسوادی در کشور،^۱
- قانون اجباری بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی،^۲
- افزایش تمایل عمومی خانواده‌ها به تحصیل فرزندان خود،
- امکان دسترسی سریع و آسان به اطلاعات از طریق نرم‌افزارهای موجود،
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی که می‌تواند کمک بزرگی چه از لحاظ تأمین اعتبار و چه از لحاظ دریافت خدمات به ریشه‌کن کردن بیسوادی در ایران بنماید،
- امکان انعقاد تفاهمنامه‌های همکاری با سایر نهادهای دولتی و غیردولتی و برقراری ارتباط با دستگاه‌هایی که می‌توانند اطلاعات مفید و یا کمک‌های مالی در اختیار آموزش و پرورش قرار دهند،
به‌عنوان مثال استفاده از ظرفیت کمیته امداد برای شناسایی و کمک به خانواده‌های فقیر که احتمال بیسواد ماندن کودکان آنها وجود دارد. همینطور است استفاده از ظرفیت نهادهای دیگری مانند سازمان تأمین اجتماعی، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و...
- استفاده از ظرفیت صداوسیما برای غلبه بر مشکلات فرهنگی پوشش تحصیلی به‌خصوص در روستاها.

۴-۲. تهدیدها

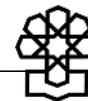
- مشکلات اقتصادی خانواده‌های فقیر از مهمترین دلایل بازماندن از تحصیل و یا ترک تحصیل کودکان است. در این خانواده‌ها، کودکان به‌کار گماشته شده و درآمدزا می‌شوند. هرچند تحصیل کودکان خود هزینه‌هایی را دربر دارد، ولی مهم‌تر از آن هزینه فرصتی است که به خانواده کودک تحمیل می‌شود که آن کار نکردن کودک است. ارائه کمک به چنین خانواده‌هایی مستلزم شناخت آنها و رعایت ظرافت‌های خاص خود است. درحال حاضر اگر کودکان کار و کودکان فقیر شناسایی

۱. ازجمله سخنان مقام معظم رهبری در جمع فرهنگیان استان فارس در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۷ که ایشان بر ضرورت الزامی بودن دریافت حداقل گواهی دوره ابتدایی برای کلیه کودکان لازم‌التعلیم تأکید فراوان داشتند و نیز ابلاغیه ۱/۱۷۰۷۵ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۵ که طی آن وزارت آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی را مسئول به صفر رساندن بیسوادی تا پایان برنامه پنجم دانستند.
۲. ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم توسعه.

شوند حتی‌الامکان به شیوه‌های مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند، هرچند هنوز هم راه مطمئنی برای شناخت این‌گونه افراد وجود ندارد. شناسایی کودکان بی‌بضاعت باید با کمک سایر دستگاه‌ها صورت گیرد و هماهنگی آنها با آموزش و پرورش را می‌طلبد.

- مسائل فرهنگی به‌عنوان مانعی بر سر راه تحصیل کودکان به‌ویژه در مناطق روستایی مطرح است. در بسیاری از مناطق تعصبات قومی و قبیله‌ای مانع رفتن کودکان به مدرسه می‌شود. در برخی مناطق روستایی کودک حق ندارد در روستای مجاور که از تیره دیگری هستند به مدرسه برود. اجازه تحصیل ندادن به دخترها به‌خصوص در کلاس‌هایی که معلم آن مرد است از دیگر نمونه‌هاست. ازدواج در سنین پایین نیز در برخی مناطق ممکن است موجب بازماندن از تحصیل یا ترک تحصیل گردد. می‌توان گفت انگیزه دختران برای تحصیل در بسیاری از روستاها با توجه به نقش و کارکرد آنها در خانواده و نگاه محیط به آنها، کمتر از پسران است.

- عدم هماهنگی بین سازمان‌های مختلف که معلول عدم وجود عزم ملی در ریشه‌کن کردن بیسوادی و انسداد مبادی بیسوادی کشور است. نهادهای مختلفی وجود دارند که می‌توانند از پتانسیل‌های خود برای کمک به ریشه‌کن کردن بیسوادی استفاده کنند، اما نبود عزم ملی برای حل این معضل منجر به این می‌شود که هر سازمان، این امر را مشکل نهاد دیگری بداند نه مسئله خود. لااقل می‌توان گفت مسائل آموزش و پرورش برای بسیاری از دستگاه‌هایی که می‌توانند در این زمینه کمکی بکنند، به هیچ‌وجه اولویت ندارد، البته قطعاً بخشی از این عدم هماهنگی به ضعف‌های خود وزارت آموزش و پرورش برمی‌گردد و در مواردی اصولاً این وزارت، زیرساخت‌های لازم برای همکاری با سایر نهادها را ندارد. هرچند در کل قضاوت کردن درخصوص اینکه این مشکل به چه میزان از ضعف‌های وزارت آموزش و پرورش ناشی می‌شود و به چه میزان از عدم همکاری سایر نهادها به سادگی امکان‌پذیر نیست. نمونه‌ای از این عدم هماهنگی، نحوه آمارگیری در سرشماری است. در سرشماری‌هایی که توسط مرکز آمار صورت می‌گیرد، سؤالی درخصوص ماه تولد بچه‌ها از خانواده‌ها پرسیده نمی‌شود و بدین ترتیب مشخص نیست که چه تعداد از کودکان متولد یک سال، در نیمه اول سال به دنیا آمده‌اند و چه تعداد در نیمه دوم. به‌دلیل وجود این مشکل، برآورد آموزش و پرورش از تعداد کودکان لازم‌التعلیم در یک سال ممکن است با واقعیت فاصله داشته باشد و محاسبه شاخص‌های پوشش تحصیلی نیز با اشکال مواجه شود. درحالی که این مشکل می‌تواند با سؤال دقیق‌تر از خانوارها حل شود. به این مسئله باید عدم هماهنگی با سازمان ثبت احوال در طول این سال‌ها را نیز اضافه کرد. قطعاً همکاری متقابل وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادها همچون وزارت کشور، قوه قضائیه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی



رئیس‌جمهور و ... می‌تواند در ریشه‌کن کردن بیسوادی بسیار مثرتر باشد.

- پراکندگی جغرافیایی دانش‌آموزان ابتدایی و وجود روستاهای دورافتاده در کشور.

- اگر پدران و مادران کودک خود را به مدرسه نفرستند، با برنامه اجباری در این زمینه مواجه نیستند. در این خصوص آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۵۲) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب هیئت وزیران که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید، در ماده (۷) صراحت داشت: «وزارت آموزش و پرورش اسامی اولیا یا سرپرستان قانونی کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم موضوع این آیین‌نامه که از تحصیل آنان ممانعت به عمل می‌آوردند را جهت اقدام قانونی لازم براساس ماده (۴) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - مصوب ۱۳۸۱ - به مراجع قضایی ذیربط معرفی می‌نماید». به گفته کارشناسان آموزش و پرورش این ماده نیز اجرایی نشده و عملاً برای چنین پدر و مادرهایی پرونده قضایی تشکیل نمی‌شود. به عبارت دیگر بجز قانون مذکور، ابزاری برای حمایت از کودکانی که والدینشان مانع تحصیل آنها می‌شوند وجود ندارد که این قانون هم به درستی اجرا نمی‌شود. البته باید گفت در این زمینه گام اول شناسایی کودکانی است که با چنین مشکلاتی مواجه هستند و شناسایی آنها نیز تنها از طریق همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادها با وزارت آموزش و پرورش ممکن خواهد شد. ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی الزامی بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی نیز بر این نکته تصریح دارد که «وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری شوراهای اسلامی شهر و روستا افراد مشمول این آیین‌نامه را که از ادامه تحصیل بازمانده‌اند شناسایی و امکان ثبت‌نام و ادامه تحصیل آنها را فراهم نماید. دهیاری‌ها و مراکز بهداشت مکلف به همکاری در این زمینه می‌باشند». بنابراین بخشی از مشکل به وزارت آموزش و پرورش و بخشی به سایر نهادهایی مربوط می‌شود که همکاری لازم را با این وزارتخانه ندارند.

- اعتیاد پدر و مادر،

- حبس بودن طولانی‌مدت اولیای برخی دانش‌آموزان.

فصل سوم - آموزش بزرگسالان

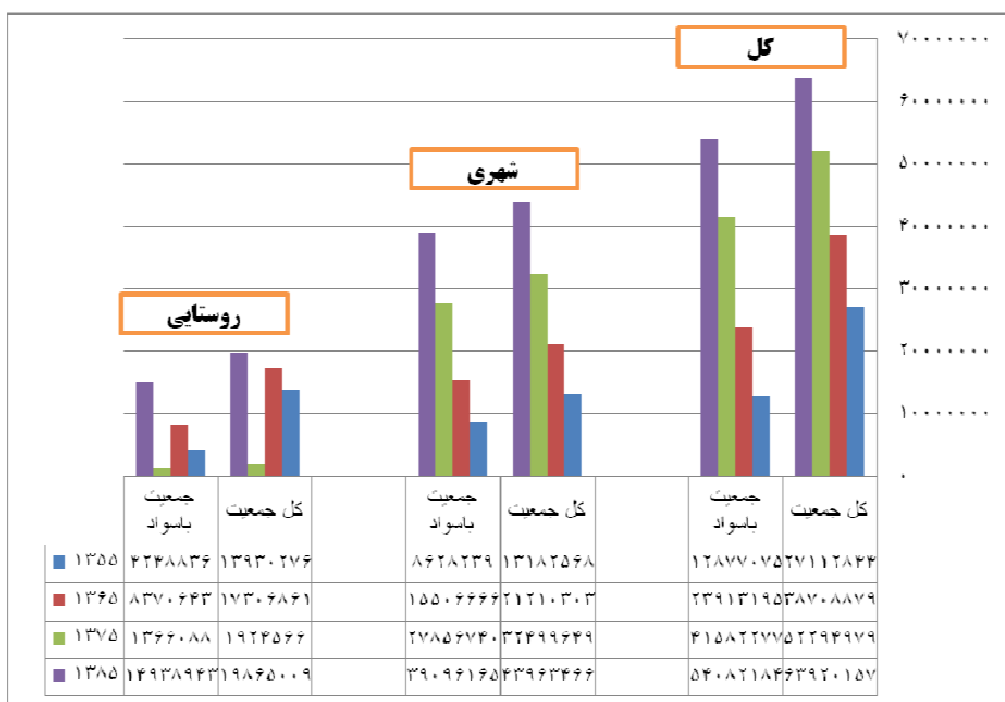
از آنجا که در کشور ما نهضت سوادآموزی به‌عنوان مسئول اصلی مبارزه با بیسوادی در بزرگسالان تلقی می‌شود، بررسی وضعیت آن از اهمیت خاصی برخوردار است. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، براساس مصوبه ۵۹۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی که در نامه رئیس دفتر مقام معظم رهبری به وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نهضت سوادآموزی مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۵ نیز مورد تأکید قرار گرفت، به صفر رساندن بیسوادی در سنین ۱۰ تا ۴۹ سال تا پایان

برنامه پنجم توسعه برای سازمان نهضت سوادآموزی هدفگذاری شده است. با توجه به اینکه قرار است در خصوص چگونگی ادامه کار نهضت پس از پایان برنامه پنجم تصمیم‌گیری شود، عملکرد این سازمان در انجام این مأموریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی وضعیت آماری بیسوادی در کشور، وضعیت کنونی سازمان نهضت سوادآموزی و برنامه‌ای که نهضت به جهت تحقق اهداف پنج‌ساله تدارک دیده است، محتوای این فصل را تشکیل می‌دهد.

۱. آمار عملکرد سوادآموزی

۱-۱. آمار سوادآموزی

نمودار ۳. جمعیت ۶ ساله و بالاتر به تفکیک سواد و منطقه محل سکونت



جدول ۱۷. میزان باسوادی به تفکیک جنسیت، منطقه محل سکونت و سال

سال	کل کشور	جنسیت		منطقه محل سکونت	
		مرد	زن	شهری	روستایی
۱۳۵۵	۴۷/۶	۵۹/۹	۳۵/۶	۶۵/۵	۳۰/۵
۱۳۶۵	۶۱/۸	۷۱/۲	۵۲/۰	۷۳/۱	۴۸/۴
۱۳۷۵	۷۹/۵	۸۴/۶	۷۴/۳	۸۵/۷	۷۱/۰
۱۳۸۵	۸۴/۶	۸۸/۷	۸۰/۳	۸۸/۹	۷۵/۲

مأخذ: همان.



اطلاعات سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ (نمودار ۳) نشان می‌دهد که تعداد کل جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال ۱۳۵۵ بیش از ۲۷ میلیون نفر بوده است که از این تعداد در حدود ۱۳ میلیون نفر باسواد و بیش از ۱۴ میلیون نفر بیسواد بوده‌اند. این رقم در سال ۱۳۸۵ به حدود ۶۴ میلیون نفر رسید است که از این تعداد نیز ۵۴ میلیون نفر باسواد و حدود ۱۰ میلیون نفر بیسواد بوده‌اند. روند تحولات جمعیت باسواد شهری طی این سال‌ها نیز نشان می‌دهد که کل جمعیت باسواد شهری در سال ۱۳۵۵، ۸۶۲۸۲۳۹ نفر بوده است که در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۳۹۰۹۶۱۶۵ نفر رسیده است و کل جمعیت باسواد روستایی نیز از ۲۴۸۸۳۶ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۴۹۳۸۹۴۳ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

جدول ۱۷ تحولات میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر را به تفکیک جنس، منطقه محل سکونت و سال نشان می‌دهد. براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵، میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر در این سال ۴۷/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر مردان از ۵۹/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۸/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ و میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر زنان از ۳۵/۶ درصد به ۸۰/۳ درصد رسیده است.

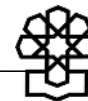
نکته قابل توجه درخصوص میزان باسوادی مردان و زنان کاهش شکاف بین میزان باسوادی مردان و زنان است، اما این شکاف هنوز به‌طور کامل از بین نرفته است و در سال ۱۳۸۵ میزان باسوادی مردان ۸/۴ درصد بیشتر از میزان باسوادی زنان بوده است. درخصوص میزان باسوادی مناطق شهری و روستایی نیز توفیق خوبی حاصل شده است و میزان باسوادی جمعیت ساکن در مناطق شهری از ۶۵/۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۸/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ و میزان باسوادی جمعیت ساکن در مناطق روستایی از ۳۰/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. هرچند شکاف بین میزان باسوادی جمعیت ساکن در مناطق شهری و روستایی طی این سال‌ها به سرعت در حال کاهش بوده، اما هنوز شکاف موجود زیاد است و در سال ۱۳۸۵ میزان باسوادی جمعیت ساکن در مناطق شهری ۱۳/۷ درصد بیشتر از میزان باسوادی جمعیت ساکن در مناطق روستایی بوده است.

براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن، میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال ۱۳۸۵، ۸۴/۶ درصد بوده است، میزان باسوادی مردان در این سال ۸۸/۷ درصد و میزان باسوادی زنان ۸۰/۳ درصد بوده است.

جدول ۱۸. میزان باسوادی به تفکیک منطقه محل سکونت، جنس و استان در سال ۱۳۸۵

نسبت زنان روستایی به زنان شهری	نسبت مردان روستایی به مردان شهری	نسبت روستایی به شهری	روستایی			شهری			نام استان
			زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	
۸۱/۹۳	۸۹/۳۷	۸۶/۰۰	۶۵/۸۷	۸۰/۸۳	۷۳/۵۴	۸۰/۴۰	۹۰/۴۵	۸۵/۵۱	آذربایجان شرقی
۷۵/۹۴	۸۷/۸۰	۸۲/۴۴	۵۸/۷۷	۷۸/۶۹	۶۸/۹۰	۷۷/۳۹	۸۹/۶۳	۸۳/۵۸	آذربایجان غربی
۸۲/۲۱	۸۹/۲۳	۸۵/۸۷	۶۵/۲۵	۸۰/۸۸	۷۳/۰۴	۷۹/۳۷	۹۰/۶۵	۸۵/۰۶	اردبیل
۸۵/۹۷	۹۱/۱۰	۸۸/۷۵	۷۴/۱۴	۸۳/۸۶	۷۹/۱۸	۸۶/۲۴	۹۲/۰۵	۸۹/۲۱	اصفهان
۸۳/۲۴	۸۹/۰۵	۸۶/۳۸	۶۸/۹۴	۸۰/۶۶	۷۴/۹۵	۸۲/۸۲	۹۰/۵۸	۸۶/۷۶	ایلام
۸۸/۷۶	۹۵/۸۰	۹۲/۸۹	۷۵/۹۱	۸۷/۹۱	۸۲/۴۶	۸۵/۵۲	۹۱/۷۵	۸۸/۷۷	بوشهر
۸۷/۴۳	۹۰/۵۱	۸۹/۲۳	۷۸/۴۸	۸۵/۳۹	۸۲/۱۹	۸۹/۷۶	۹۴/۳۵	۹۲/۱۱	تهران
۸۴/۹۸	۹۱/۲۳	۸۸/۲۶	۷۰/۵۴	۸۳/۸۱	۷۷/۲۰	۸۳/۰۱	۹۱/۸۷	۸۷/۴۷	چهارمحال و بختیاری
۷۶/۲۲	۸۵/۰۱	۸۰/۸۰	۶۵/۷۷	۷۸/۸۷	۷۲/۳۸	۸۶/۳۰	۹۲/۷۷	۸۹/۵۷	خراسان جنوبی
۸۲/۳۷	۸۸/۱۹	۸۵/۳۲	۷۲/۰۸	۸۲/۲۱	۷۷/۱۲	۸۷/۵۱	۹۳/۲۲	۹۰/۳۸	خراسان رضوی
۷۷/۵۷	۸۶/۳۶	۸۱/۹۳	۶۴/۶۵	۷۸/۸۳	۷۱/۵۴	۸۳/۳۵	۹۱/۲۸	۸۷/۳۲	خراسان شمالی
۷۹/۲۷	۸۸/۲۰	۸۴/۰۵	۶۷/۱۶	۸۰/۸۶	۷۴/۱۹	۸۴/۷۳	۹۱/۶۸	۸۸/۲۷	خوزستان
۸۲/۰۵	۸۸/۳۷	۸۵/۱۸	۶۷/۹۰	۸۰/۷۷	۷۴/۲۰	۸۲/۷۵	۹۱/۴۰	۸۷/۱۱	زنجان
۸۲/۵۹	۸۸/۸۱	۸۵/۹۳	۷۳/۹۳	۸۳/۵۷	۷۸/۹۳	۸۹/۵۱	۹۴/۱۰	۹۱/۸۶	سمنان
۷۳/۵۶	۸۲/۷۶	۷۸/۳۳	۵۲/۲۳	۶۷/۴۰	۵۹/۸۲	۷۱/۰۱	۸۱/۴۴	۷۶/۳۷	سیستان و بلوچستان
۸۸/۱۰	۹۲/۷۸	۹۰/۵۵	۷۷/۰۵	۸۵/۹۱	۸۱/۵۶	۸۷/۴۶	۹۲/۶۰	۹۰/۰۷	فارس
۸۳/۲۶	۸۸/۹۴	۸۶/۲۶	۷۱/۷۰	۸۲/۶۹	۷۷/۳۰	۸۶/۱۱	۹۲/۹۷	۸۹/۶۱	قزوین
۷۸/۳۶	۸۶/۳۰	۸۳/۰۳	۶۵/۰۳	۷۸/۴۸	۷۲/۲۸	۸۲/۹۹	۹۰/۹۴	۸۷/۰۶	قم
۸۰/۴۱	۸۸/۴۰	۸۴/۷۱	۶۱/۲۶	۷۸/۴۷	۶۹/۹۴	۷۶/۱۱	۸۸/۷۷	۸۲/۵۷	کردستان
۸۱/۹۵	۸۶/۱۹	۸۴/۱۴	۷۰/۸۰	۷۸/۲۵	۷۴/۵۹	۸۶/۴۰	۹۰/۷۹	۸۸/۶۵	کرمان
۸۲/۶۷	۹۱/۱۰	۸۷/۳۲	۶۷/۴۳	۸۱/۹۸	۷۴/۹۴	۸۱/۵۷	۸۹/۹۹	۸۵/۸۲	کرمانشاه
۷۹/۱۶	۸۶/۵۹	۸۲/۹۴	۶۷/۵۹	۸۱/۱۲	۷۴/۳۴	۸۵/۳۹	۹۳/۶۸	۸۹/۶۳	کهگیلویه و بویراحمد
۸۳/۱۹	۸۹/۸۸	۸۶/۵۸	۶۹/۷۷	۸۲/۹۳	۷۶/۲۴	۸۳/۸۷	۹۲/۲۷	۸۸/۰۶	گلستان
۷۸/۹۴	۸۶/۳۰	۸۲/۶۸	۶۸/۸۲	۸۰/۶۸	۷۴/۶۹	۸۷/۱۸	۹۳/۴۸	۹۰/۳۳	گیلان
۸۲/۹۷	۸۹/۷۴	۸۶/۷۱	۶۷/۸۲	۸۰/۵۸	۷۴/۳۹	۸۱/۷۴	۸۹/۷۹	۸۵/۷۹	لرستان
۸۵/۲۳	۹۰/۷۳	۸۸/۰۶	۷۴/۱۸	۸۴/۳۹	۷۹/۲۹	۸۷/۰۴	۹۳/۰۲	۹۰/۰۴	مازندران
۷۷/۴۷	۸۵/۸۷	۸۱/۷۹	۶۶/۰۸	۷۹/۴۸	۷۲/۷۷	۸۵/۳۰	۹۲/۵۵	۸۸/۹۷	مرکزی
۸۱/۲۰	۸۷/۵۲	۸۴/۴۱	۷۰/۷۷	۸۰/۶۰	۷۵/۷۶	۸۷/۱۵	۹۲/۰۹	۸۹/۷۶	هرمزگان
۸۵/۱۳	۹۰/۴۳	۸۷/۹۲	۷۰/۵۷	۸۲/۵۲	۷۶/۵۷	۸۲/۹۰	۹۱/۲۵	۸۷/۰۹	همدان
۸۵/۳۹	۹۰/۲۸	۸۸/۱۸	۷۴/۶۸	۸۳/۸۱	۷۹/۵۹	۸۷/۴۵	۹۲/۸۴	۹۰/۲۵	یزد
۸۰/۶۶	۸۸/۱۰	۸۴/۵۶	۶۹/۰۱	۸۱/۲۲	۷۵/۲۰	۸۵/۵۵	۹۲/۱۹	۸۸/۹۳	کل کشور

مأخذ: سرشماری سال ۱۳۸۵.



جدول ۱۸ میزان باسوادی جمعیت کشور را به تفکیک جنس و استان در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. در بین استان‌های کشور بیشترین میزان باسوادی مربوط به استان‌های تهران (۹۱/۳ درصد)، سمنان (۸۸/۶ درصد)، یزد (۸۸/۱ درصد) و اصفهان (۸۷/۵ درصد) و کمترین میزان باسوادی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان (۶۸ درصد)، کردستان (۷۷/۵ درصد)، آذربایجان غربی (۷۷/۸ درصد) و خراسان شمالی (۷۹/۱ درصد) بوده است.

شاخص نسبت میزان باسوادی زنان نسبت به میزان باسوادی مردان در واقع نشان‌دهنده شکاف و تبعیض بین میزان باسوادی مردان و زنان است. هرچه این شاخص به ۱۰۰ نزدیکتر باشد نشان‌دهنده تبعیض کمتر در آموزش و سواد بین مردان و زنان است. این شاخص در کل کشور ۹۰/۵ درصد است. این عدد نشان می‌دهد که میزان باسوادی زنان در کشور به اندازه ۹۰/۵ درصد میزان باسوادی مردان است. نگاهی به تفاوت‌های شهری و روستایی میزان باسوادی جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که میزان باسوادی جمعیت شهری در این سال ۸۸/۹۳ درصد و میزان باسوادی جمعیت روستایی ۷۵/۲ درصد بوده است، بنابراین میزان باسوادی زنان ۱۳/۶ درصد کمتر از میزان باسوادی مردان کشور بوده و به عبارت دیگر میزان باسوادی جمعیت روستایی ۸۴/۵۶ درصد میزان باسوادی جمعیت شهری کشور بوده است.

نسبت میزان باسوادی جمعیت روستایی به میزان باسوادی جمعیت شهری نشان‌دهنده فاصله و تفاوت میزان باسوادی جمعیت شهری و روستایی است و در واقع نشان می‌دهد که میزان باسوادی جمعیت روستایی چند درصد میزان باسوادی جمعیت شهری است. هر چقدر این نسبت به ۱۰۰ نزدیکتر باشد نشان‌دهنده فاصله و تفاوت کمتر بین میزان باسوادی جمعیت روستایی و شهری است و برعکس. میزان باسوادی مردان شهری کشور در سال ۱۳۸۵، ۹۲/۲ درصد بوده که ۱۱ درصد بیشتر از میزان باسوادی ۸۱/۲ درصد مردان روستایی بوده است. شاخص نسبت میزان باسوادی مردان روستایی به میزان باسوادی مردان شهری برای کل کشور ۸۸/۱ درصد بوده است. به عبارت دیگر میزان باسوادی مردان روستایی ۸۸/۱ درصد میزان باسوادی مردان شهری است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میزان باسوادی زنان شهری کشور در سال ۱۳۸۵، ۸۵/۵۵ درصد بوده است و این میزان برای زنان روستایی رقم ۶۹ درصد را نشان می‌دهد. بنابراین میزان باسوادی زنان روستایی حدود ۱۶/۵ درصد کمتر از میزان باسوادی زنان شهری است. همچنین نسبت باسوادی زنان روستایی به زنان شهری در سال ۱۳۸۵، ۸۰/۶۶ درصد بوده است. این عدد نشان می‌دهد که میزان باسوادی زنان روستایی ۸۰/۶۶ درصد میزان باسوادی زنان شهری بوده است. هر قدر این شاخص به ۱۰۰ نزدیکتر باشد نشان‌دهنده وضعیت بهتر و شکاف کمتر بین میزان باسوادی زنان شهری و روستایی است. در بین استان‌های کشور، استان‌های آذربایجان غربی،

سیستان و بلوچستان و کردستان از نظر این شاخص در پایین‌ترین وضعیت (بیشترین شکاف بین میزان باسوادی زنان شهری و روستایی) و استان‌های تهران، سمنان و یزد در بهترین شرایط از نظر این شاخص (کمترین شکاف بین میزان باسوادی زنان شهری و روستایی) قرار داشته‌اند.

جدول ۱۹. تعداد بیسوادان برحسب جنس، محل سکونت و گروه سنی در سرشماری ۱۳۸۵

عنوان	شهری			روستایی			جمع	
	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد
۶ ساله و بالاتر	۴۸۶۷۳۰۱	۱۷۴۷۶۹۹	۳۱۱۹۶۰۲	۴۹۷۰۶۷۲	۱۹۱۱۱۶۲	۳۰۵۹۵۱۰	۹۸۳۷۹۷۳	۳۶۵۸۸۶۱
۶-۹ ساله	۱۹۷۷۰۵	۱۰۰۵۵۵	۹۷۱۵۰	۱۵۰۳۲۵	۷۳۸۱۲	۷۶۵۱۳	۳۴۸۰۳۰	۱۷۴۳۶۷
۱۰-۲۹ ساله	۴۴۸۶۷۹	۲۰۸۱۰۲	۲۴۰۵۵۷	۷۰۷۹۸۷	۲۶۲۱۸۰	۴۴۵۸۰۷	۱۱۵۶۶۶۶	۴۷۰۲۸۲
۳۰-۴۹ ساله	۱۳۸۵۵۶۳	۴۱۷۱۷۰	۹۶۲۳۹۳	۱۶۰۸۲۲۰	۵۱۰۵۴۱	۱۰۹۷۶۷۹	۲۹۹۳۷۸۳	۹۲۷۷۱۱
۵۰ سال و بالاتر	۲۸۳۵۳۵۴	۱۰۲۱۸۷۲	۱۸۱۳۴۸۲	۲۵۰۴۱۴۰	۱۰۶۶۲۲۹	۱۴۳۹۵۱۱	۵۳۳۹۴۹۴	۲۰۸۶۵۰۱

مأخذ: برنامه پنج‌ساله سوادآموزی (باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه).

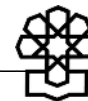
جدول ۱۹ آمار بیسوادان را برحسب جنس و گروه سنی و محل زندگی براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است بیش از نیمی از جمعیت بیسواد کشور را افراد ۵۰ ساله و بالاتر تشکیل می‌دهند، جمعیتی که در برنامه پنج‌ساله نهضت هم برای سوادآموزی آنها هدفگذاری نشده است. در کل باید گفت نزدیک به ده میلیون بیسواد در کشور در سال ۱۳۸۵، وضعیت مطلوبی را پیش رو نمی‌گذارد.

جدول ۲۰ تعداد بیسوادان را برحسب گروه سنی و محل سکونت براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

جدول ۲۰. تعداد بیسوادان برحسب گروه سنی و محل سکونت در سرشماری ۱۳۸۵

عنوان	شهری	روستایی	جمع
۶ تا ۹ سال	۱۹۷۷۰۵	۱۵۰۳۲۵	۳۴۸۰۳۰
۶ تا ۲۹ سال	۶۴۶۳۸۴	۸۵۸۳۱۲	۱۵۰۴۶۹۶
۶ تا ۴۹ سال	۲۰۳۱۹۴۷	۲۴۶۶۵۳۲	۴۴۹۸۴۷۹
۱۰ تا ۲۹ سال	۴۴۸۶۷۹	۷۰۷۹۸۷	۱۱۵۶۶۶۶
۱۰ تا ۴۹ سال	۱۸۳۴۲۴۲	۲۳۱۶۲۰۷	۴۱۵۰۴۴۹
۵۰ سال و بالاتر	۲۸۳۵۳۵۴	۲۵۰۴۱۴۰	۵۳۳۹۴۹۴
۶ ساله و بالاتر	۴۸۶۷۳۰۱	۴۹۷۰۶۷۲	۹۸۳۷۹۷۳
۱۰ ساله و بالاتر	۴۶۶۹۵۹۶	۴۸۲۰۳۴۷	۹۴۸۹۹۴۳

مأخذ: همان.



جدول ۲۱ تعداد بیسوادان زیر ۵۰ سال را به تفکیک استان نمایش می‌دهد.

جدول ۲۱. تعداد جمعیت بیسواد زیر ۵۰ سال برحسب گروه سنی

به تفکیک استان طبق سرشماری ۱۳۸۵

استان	زن			مرد			زن و مرد		
	۹-۶ سال	۲۹-۱۰ سال	جمع	۹-۶ سال	۲۹-۱۰ سال	جمع	جمع	۴۹-۳۰ سال	جمع
آذربایجان شرقی	۶۹۶۳	۳۰۴۸۹	۹۲۹۷۱	۷۱۸۷	۱۶۰۱۶	۵۴۲۳۰	۷۷۴۳۳	۱۴۷۲۰۱	۲۰۷۸۵۶
آذربایجان غربی	۹۲۷۵	۶۸۹۱۵	۱۴۴۳۷۹	۸۲۱۸	۲۰۹۹۵	۵۷۷۶۳	۸۶۹۷۶	۲۰۲۱۴۲	۳۰۹۵۴۵
اردبیل	۱۷۱۷	۱۲۶۲۰	۵۹۵۵۹	۱۷۳۹	۶۴۲۴	۲۱۰۲۴	۲۹۱۸۷	۸۰۰۸۳	۱۰۳۰۸۳
اصفهان	۹۹۵۵	۲۱۲۶۴	۷۸۶۳۲	۱۰۲۲۰	۲۵۰۹۷	۴۰۶۸۰	۷۵۹۹۷	۱۱۹۳۱۲	۱۸۵۸۴۸
ایلام	۸۹۹	۵۵۳۸	۲۱۶۳۲	۸۸۱	۳۱۳۶	۹۲۳۵	۱۳۲۵۲	۳۰۸۶۷	۴۱۳۲۱
بوشهر	۱۷۲۲	۴۸۲۴	۲۰۷۳۰	۱۷۲۶	۶۳۱۴	۹۲۱۶	۱۷۲۵۶	۲۹۹۶۶	۴۴۵۳۲
تهران	۲۶۷۷۶	۵۰۸۳۸	۱۹۶۰۶۱	۲۷۸۹۹	۶۱۵۱۱	۱۰۲۸۶۳	۱۹۲۳۷۳	۲۹۸۹۲۴	۴۶۵۹۴۸
چهارمحال و بختیاری	۱۴۶۸	۸۱۸۸	۳۳۰۹۰	۱۳۱۹	۳۵۹۷	۱۳۳۷۹	۱۸۲۹۵	۴۶۴۶۹	۶۱۰۴۱
خراسان جنوبی	۱۳۸۴	۵۲۷۰	۲۱۲۲۰	۱۴۴۰	۳۵۹۱	۸۸۹۲	۱۳۹۲۳	۳۰۱۱۲	۴۱۷۹۷
خراسان رضوی	۱۲۹۰۳	۳۱۸۰۳	۱۴۲۰۹۰	۱۳۷۸۸	۲۵۶۲۲	۶۲۹۲۱	۱۰۲۳۳۱	۲۰۰۱۱	۲۸۹۱۲۷
خراسان شمالی	۱۹۴۴	۱۲۴۴۸	۳۷۸۲۲	۱۸۸۲	۵۳۰۶	۱۶۱۴۲	۲۳۳۳۰	۵۳۹۶۴	۷۵۵۴۴
خوزستان	۱۲۰۵۸	۶۹۱۰۴	۱۴۴۱۸۳	۱۱۳۸۶	۳۷۷۰۹	۷۰۵۳۹	۱۱۹۶۳۴	۲۱۴۷۲۲	۳۴۴۹۷۹
زنجان	۱۳۷۰	۶۳۹۸	۲۸۲۴۵	۱۴۰۳	۲۴۷۱	۱۴۸۴۹	۱۹۷۲۳	۵۳۰۹۴	۶۵۷۳۶
سمنان	۱۲۵۵	۲۴۸۸	۷۳۴۹	۱۳۷۲	۲۶۱۳	۴۳۷۴	۸۳۵۹	۱۱۷۲۲	۱۹۴۵۱
سیستان و بلوچستان	۲۵۶۲۰	۱۴۵۴۴۵	۱۲۷۵۹۱	۲۴۵۶۴	۸۵۵۱۴	۷۲۰۹۳	۱۸۵۱۷۱	۱۹۹۶۸۴	۴۸۳۸۲۷
فارس	۸۴۵۵	۲۴۹۳۶	۱۰۱۳۲۴	۸۶۲۶	۲۴۰۹۳	۴۷۳۱۰	۸۰۰۲۹	۱۷۰۸۱	۲۱۴۷۴۴
قزوین	۲۴۴۳	۵۷۱۱	۳۱۶۳۵	۲۵۱۷	۵۵۰۸	۱۳۲۳۵	۲۱۲۶۰	۱۱۲۱۹	۴۴۸۷۰
قم	۲۴۹۰	۶۷۷۳	۲۸۸۵۰	۲۶۱۰	۵۳۶۸	۱۳۷۹۷	۲۰۷۷۵	۱۲۱۴۱	۵۸۸۸۸
کردستان	۲۱۲۵	۱۹۹۱۲	۸۴۹۵۱	۲۰۹۹	۶۰۹۳	۲۸۴۶۱	۳۶۶۵۳	۲۶۰۰۵	۱۴۳۶۴۱
کرمان	۹۹۳۸	۳۴۷۱۱	۷۳۲۷۲	۱۰۰۷۱	۳۱۴۸۵	۴۵۴۱۲	۸۶۹۶۸	۱۱۸۶۸۴	۲۰۴۸۸۹
کرمانشاه	۲۷۲۶	۱۵۸۰۸	۷۳۵۱۹	۲۷۹۰	۸۲۴۳	۲۸۶۱۹	۳۹۶۵۲	۲۴۰۵۱	۱۳۱۷۰۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۲۸	۱۰۰۱۰	۲۸۰۵۲	۸۸۹	۴۱۶۸	۱۰۱۳۴	۱۵۱۹۱	۲۰۲۷	۵۴۳۹۱
گلستان	۴۰۵۷	۱۵۸۳۷	۶۸۸۵۳	۴۳۳۳	۹۹۳۵	۲۴۰۷۶	۳۸۲۲۴	۲۵۷۷۲	۱۲۷۰۸۱
گیلان	۳۵۳۷	۱۱۱۴۹	۶۳۰۵۴	۳۶۵۲	۸۴۱۸	۲۶۷۶۷	۳۸۸۳۷	۱۹۵۶۷	۱۱۶۵۷۷
لرستان	۳۴۰۰	۱۹۴۳۶	۷۳۱۱۳	۳۳۶۰	۱۲۷۸۰	۳۳۹۴۵	۵۰۰۸۵	۳۲۲۱۶	۱۴۶۰۳۴
مازندران	۵۲۱۸	۷۳۳۱	۷۰۹۵۶	۸۳۵۰۵	۸۵۰۶	۲۷۷۲۶	۴۱۷۴۵	۱۰۷۳۱	۱۲۵۲۵۰
مرکزی	۲۶۱۱	۵۷۷۲	۳۶۷۷۰	۲۶۳۳	۶۲۴۲	۱۴۴۳۹	۲۳۳۱۴	۱۲۰۱۴	۶۸۴۶۷
هرمزگان	۴۵۳۰	۲۰۳۸۰	۴۶۸۷۳	۴۴۰۲	۱۶۴۲۲	۲۴۹۶۴	۴۵۷۸۸	۳۶۸۰۲	۱۱۷۵۷۱
همدان	۲۷۳۴	۷۳۶۶	۶۰۱۶۲	۷۰۱۶۲	۲۹۷۵	۶۰۱۹	۲۴۲۳۰	۱۳۲۸۵	۱۰۳۳۸۶
یزد	۲۶۲۴	۴۶۵۸	۱۱۹۵۱	۲۶۵۵	۶۱۳۰	۶۶۲۹	۱۵۴۱۴	۱۰۷۸۸	۳۴۶۴۷
جمع کل	۱۷۳۳۳۵	۶۸۵۳۲۲	۲۰۱۸۸۸۹	۲۸۷۷۵۴۶	۱۷۴۱۳۹	۹۲۶۹۴۴	۱۵۷۰۴۰۹	۱۱۵۴۶۴۸	۴۴۴۷۹۵۵

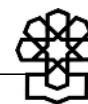
مأخذ: همان.

جدول ۲۲ جمعیت بیسواد را براساس بانک اطلاعات اسمی بیسوادان به تفکیک جنس و گروه سنی و جدول ۲۳ جمعیت مذکور را به تفکیک جنس و استان نشان می‌دهد. این بانک این امکان را می‌دهد که بیسوادان به اسم و مشخصات و آدرس پستی شناسایی شده و معلوم گردد که در هر شهر یا روستا چه تعداد بیسواد و به چه نام و نشانی‌ای وجود دارند. بدین ترتیب لازم نیست مانند سابق برای یافتن بیسواد، آموزشیار به در منازل مراجعه کند تا بیسواد بیابد. اما ایراد کار این است که از آنجا که داده‌های آن از فرم‌های اطلاعات اقتصادی خانوار استخراج شده است، قابل اعتماد نیست. در هر صورت با توجه به مشکل آمارگیری موجود، از نظر مسئولین نهضت سوادآموزی چاره‌ای جز تمسک جستن به این داده‌های مورد تردید وجود ندارد تا اینکه سرشماری سال ۱۳۹۰ صورت گرفته و بانک اطلاعات اسمی بیسوادان اصلاح شود.

جدول ۲۲. جمعیت بیسواد براساس بانک اطلاعات اسمی بیسوادان

بیسواد			گروه سنی
جمع	مرد	زن	
۶۰۴۹۰۱	۳۰۱۸۳۵	۳۰۳۰۶۶	۱۰-۲۹ ساله
۱۹۹۲۸۲۷	۹۲۰۴۸۰	۱۰۷۲۳۴۷	۳۰-۴۹ ساله
۲۵۹۷۷۲۸	۱۲۲۲۳۱۵	۱۳۷۵۴۱۳	۱۰-۴۹ ساله
۴۹۴۹۸۹۸	۲۰۹۰۳۴۵	۲۸۵۹۵۵۳	بالاتر از ۵۰ سال
۷۵۴۷۶۲۶	۳۳۱۲۶۶۰	۴۲۳۴۹۶۶	جمع

مأخذ: همان.



جدول ۲۳. آمار بیسوادان بانک اطلاعات اسمی به تفکیک استان

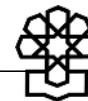
استان	مرد	زن	جمع
آذربایجان شرقی	۷۸۳۴۹	۸۳۹۲۷	۱۶۲۲۷۶
آذربایجان غربی	۷۳۷۱۳	۱۱۱۳۳۹	۱۸۵۰۴۲
اردبیل	۲۷۹۲۸	۲۸۱۰۲	۵۶۰۳۰
اصفهان	۶۰۸۱۲	۵۸۴۷۳	۱۱۹۲۸۵
ایلام	۱۰۸۰۹	۱۱۵۷۰	۲۲۳۷۹
بوشهر	۱۰۷۴۰	۱۱۰۴۱	۲۱۷۸۱
تهران	۱۳۴۴۰۵	۱۴۲۸۴۱	۲۷۷۲۴۶
چهارمحال و بختیاری	۲۲۱۳۳	۲۵۵۳۴	۴۷۶۶۷
خراسان جنوبی	۱۰۵۸۵	۱۰۹۱۵	۲۱۵۰۰
خراسان رضوی	۸۴۷۵۶	۷۷۹۴۸	۱۶۲۷۰۴
خراسان شمالی	۲۲۸۰۰	۲۱۹۸۳	۴۴۷۸۳
خوزستان	۹۶۲۳۳	۱۰۷۰۶۴	۲۰۳۲۹۷
زنجان	۲۱۷۷۸	۲۲۹۴۴	۴۴۷۲۲
سمنان	۵۷۷۳	۵۶۲۶	۱۱۳۹۹
سیستان و بلوچستان	۷۴۶۴۵	۷۸۶۷۰	۱۵۳۳۱۵
فارس	۶۲۳۹۵	۷۷۴۴۲	۱۳۹۸۳۷
قزوین	۱۹۷۶۰	۱۷۸۸۲	۳۷۶۴۲
قم	۱۵۷۷۸	۱۷۶۷۳	۳۳۴۵۱
کردستان	۳۳۳۸۰	۴۵۹۸۷	۷۹۳۶۷
کرمان	۵۱۵۸۴	۵۰۲۱۰	۱۰۱۷۹۴
کرمانشاه	۴۱۴۵۶	۶۱۷۲۳	۱۰۳۱۷۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۹۶۸	۱۸۱۷۴	۲۹۱۴۲
گلستان	۳۰۹۶۷	۵۳۰۹۹	۸۴۰۶۶
گیلان	۳۵۶۴۰	۳۹۸۲۳	۷۵۴۶۳
لرستان	۴۶۸۷۷	۵۴۸۴۲	۱۰۱۷۱۹
مازندران	۴۰۶۶۱	۴۸۳۵۴	۸۹۰۱۵
مرکزی	۲۱۵۷۸	۲۳۴۱۸	۴۴۹۹۶
هرمزگان	۲۸۵۷۷	۲۹۸۹۴	۵۸۴۷۱
همدان	۳۹۰۱۰	۳۱۶۹۰	۷۰۷۰۰
یزد	۸۲۲۵	۷۲۳۵	۱۵۴۶۰
کل کشور	۱۲۲۲۳۱۵	۱۳۷۵۴۱۳	۲۵۹۷۷۲۸

مأخذ: همان.

جدول ۲۴ آمار سوادآموزان تحت پوشش بزرگسال و لازم‌التعلیم را از بدو تشکیل نهضت سوادآموزی نشان می‌دهد. پیش از این، دوره‌های سوادآموزی در قالب مقدماتی، تکمیلی، پایانی و

پنجم تشکیل می‌شد. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد مجموع سوادآموزان تحت پوشش کل دوره‌ها به ۳۴۴۲۶۸۹۷ نفر می‌رسد که عدد قابل توجهی است. نکته قابل توجه مشاهده داده‌های سری زمانی درخصوص تعداد تحت پوشش قرارگرفتنگان از ابتدای تأسیس نهضت تاکنون است. نمودار ۴ تعداد افراد تحت پوشش رفته توسط نهضت از سال ۱۳۷۰ - که تمامی دوره‌ها تا پنجم تشکیل شد - تا ۱۳۸۹ را نشان می‌دهد. همان‌طور که روشن است روندی منطقی در این نمودار به چشم نمی‌خورد. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ به مدت یک دهه روندی نزولی را شاهد هستیم. پس از آن تا سال ۱۳۸۶ حرکت نمودار به سمت بالاست، اما باز هم روند کاهشی آغاز می‌شود و همچنان ادامه دارد. بررسی دلایل این فراز و فرود سیر فعالیت‌های نهضت از منظر تعداد تحت پوشش قرارگرفتنگان، خود نیاز به تحقیق مستقلی دارد.

بسیاری از افرادی که تحت پوشش سوادآموزی قرار گرفته‌اند به دلایلی مردود شده یا ترک تحصیل کرده‌اند. جدول ۲۵ آمار سوادآموزان بزرگسال و لازم‌التعلیم قبول شده را از ابتدای تشکیل نهضت نشان می‌دهد. همان‌طور که واضح است تفاوت میان افراد تحت پوشش قرار گرفته و افراد قبول شده بسیار زیاد است. لازم به ذکر است که بسیاری از کسانی که قبول شده محسوب می‌شوند و مدرک سوادآموزی دریافت می‌کند، پس از مدت کوتاهی به بیسوادی بازگشت می‌نمایند. بنابراین آمار قبول‌شدگان به هیچ عنوان به معنی این نیست که این افراد هم‌اکنون به واقع باسواد بوده و می‌توانند از سواد خود بهره ببرند.

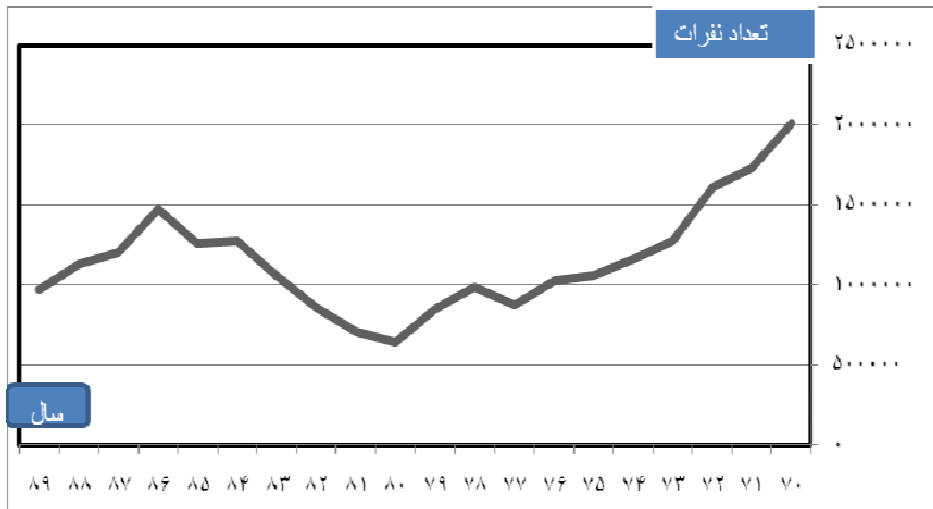


جدول ٢٤. تعداد بیسوادان تحت پوشش بزرگسال و لازم‌التعلیم برحسب دوره و پایه تحصیلی از بدو تشکیل نهضت سوادآموزی

آمار سوادآموزان تحت پوشش بزرگسال و لازم‌التعلیم برحسب دوره												
ردیف	سال	بزرگسال					لازم‌التعلیم					
		مقدماتی	تکمیلی	پایانی	پنجم	جمع	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	جمع
١	از بدو تا سال ١٣٦٠	٧٨٤٠٢٧	١٧٢١٠٣	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠
٢	١٣٦١	٧٥٠١٤٠	٢٢٤٠٧٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠
٣	١٣٦٢	٦٧٤١٩٤	٣٠٨٠٧٧	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠
٤	١٣٦٣	٥٨٢٠١٣	٢٨١٦٦٦	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠
٥	١٣٦٤	٧٠٩٥١٦	٣٢٦٢٠٦	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠
٦	١٣٦٥	٧٠٩٦٣٦	٣٧٣٧٠١	٠	٠	١٠٩	٥٢٩٥	١٠٨٢٣٣٧	٠	٠	٠	٥٤٠٤
٧	١٣٦٦	٧٨٤٤٢٤	٣٨١٦٤٨	٠	٠	٩٥١٧	٣٣٧٧٦	١١٦٦٠٧٢	٠	٠	٤٦١٢	٤٧٩٠٥
٨	١٣٦٧	٧٦٥١٢٧	٣٩٦١٤٢	٠	٠	٢٦٢٠٠	٤٥٥٤٣	١١٦١٢٦٩	٠	٠	١١٠٧١	٨٢٨١٤
٩	١٣٦٨	٦٢٥٩٠٣	٣٦٦٤٩٣	٠	٠	٣٧٠٩٦	٤١١٠٣	٩٩٩٦٤٢	٧٢٤٦	٠	١٩٣٩٠	١٠٤٨٠٢
١٠	١٣٦٩	٢١٩١٦٣٩	٦٨٣٦٢٠	٠	٠	٢٩٧٤٤	٣٨٣٢٤	٢٩١٤٩٣٠	٣٩٦٧١	٠	١٧٢٩٤	١١٨٠٣٨
١١	١٣٧٠	٩٥٥٢٠٥	٧٩٦٢٤٨	١٤٥٧٦٤	١١٢٩٣٥	٣٠١٠١٥٢	٤٤٥٦٤	٢٠١٠١٥٢	١١٢٩٣٥	١٤٥٧٦٤	٣٠٠١٧	١٥٦٣٣٣
١٢	١٣٧١	٨٠٤٥٤٠	٦١٣٢٢١	٦١٣٢٢١	٢٣٢٦٧	٣٧٠٧٤	٤٥٥٣٨	١٧٣٠٧٨٢	٢٣٢٦٧	٢٨٩٧٥٤	٢٩١٠٧	١٦١٠٥٦
١٣	١٣٧٢	٦٩٠٧٢١	٤٧٣٦٦٣	٣١٠٦٢٦	١٢٣٧٣٨	٣٦٨٣٨	٤٥٨٤٩	١٦٠٨٧٤٨	١٢٣٧٣٨	٣١٠٦٢٦	٣٣٧٠٩	١٦٩١٠٧
١٤	١٣٧٣	٦٧٢٠٤٦	٤٠٨٥٢٧	١٢٦١٦٣	٦٧٠٨٩	٤٠٨٨٦	٤٠٨٨٦	١٢٧٣٨٣٥	٦٧٠٨٩	١٢٦١٦٣	٣١١٤٣	١٦٢٥٥٧
١٥	١٣٧٤	٥٧٢٣٠١	٣٦٥٨٢٢	١٥٨٧٩١	٦٨٠٨٧	٣٦٩٨٠	١١٦٥٠٠١	١١٦٥٠٠١	٦٨٠٨٧	١٥٨٧٩١	٣٠٥٠٧	١٤٧٨٦٧
١٦	١٣٧٥	٤٩١٥٧٢	٣٣١٠٤٦	١٦٠٧٨٩	٧٦١٢٤	٣٥٨٣٣	١٠٥٩٥٣١	٧٦١٢٤	١٦٠٧٨٩	٣٣١٠٤٦	٢٦٣١٥	١٤١٤٥١
١٧	١٣٧٦	٤٧٨٠١٥	٣١٦١٣٨	١٦٤٧٧٧	٧٦٢١٣	٣٣٧٣٨	١٠٣٥١٦٣	٧٦٢١٣	١٦٤٧٧٧	٣١٦١٣٨	٢٢٠٨٠	١٢٦٩٧٧
١٨	١٣٧٧	٣٨٢٣٩٨	٢٦١٠٤٤	١٥٣٣٧٣	٧٦٩٨٦	٣٠٨٢٥	٨٧٣٧٠١	٧٦٩٨٦	١٥٣٣٧٣	٢٦١٠٤٤	١٦٠٩٣	٨٢١٣١
١٩	١٣٧٨	٤٤٥٣٨٧	٣٧٨٥٣٣	١٦٤٦٥٦	٩٣١٤٠	٤٤٢٦٥	٩٨١٧٠٦	٩٣١٤٠	١٦٤٦٥٦	٣٧٨٥٣٣	١٨٢٩٢	٩٢٠٧٢
٢٠	١٣٧٩	٣٧٩٤٣٩	٢٤٩٦٦٢	١٣٧١٢٩	٨٣٦٦٢	٠	٨٤٩٨٩٢	٨٣٦٦٢	١٣٧١٢٩	٢٤٩٦٦٢	٠	٠
٢١	١٣٨٠	٣٥٦٦٣٠	١٨٣٧٧٩	١٣١١٨١	٦٩٨٤١	٠	٦٤١٤٣١	٦٩٨٤١	١٣١١٨١	١٨٣٧٧٩	٠	٠
٢٢	١٣٨١	٣٢٣١١٥	١٩٥٩٧٣	١١٩٤٢٣	٦٦٢٦٨	٠	٧٠٤٧٧٩	٦٦٢٦٨	١١٩٤٢٣	١٩٥٩٧٣	٠	٠
٢٣	١٣٨٢	٤١٧٢٢٢	٢٢٨٧٧٤	١٣٧٧١٧	٧٩٦٣٣	٠	٨٥٦٨٤٦	٧٩٦٣٣	١٣٧٧١٧	٢٢٨٧٧٤	٠	٠
٢٤	١٣٨٣	٤٨٤٢١٨	٢٩٧٣٥٧	١٧٠٥٦٢	١٠٤١٨١	٠	١٠٥٦٢١٨	١٠٤١٨١	١٧٠٥٦٢	٢٩٧٣٥٧	٠	٠
٢٥	١٣٨٤	٦٢٤٠٦٠	٣٤٩١٣٣	١٨٣٣٣١	١١٩٦٩٥	٠	١٢٧٦٦٠٩	١١٩٦٩٥	١٨٣٣٣١	٣٤٩١٣٣	٠	٠
٢٦	١٣٨٥	٦٣٤٠٨٧	٤٠٧٩٩٠	١٨٦٠٤٩	١٢٩٢٨٩	٠	١٣٥٧٤١٥	١٢٩٢٨٩	١٨٦٠٤٩	٤٠٧٩٩٠	٠	٠
٢٧	١٣٨٦	٦٩٤٥٥٦	٤٧١٤٩٢	٢٠٤٠٣٣	١٠٤٩٢٧	٠	١٤٧٥٠٠٨	١٠٤٩٢٧	٢٠٤٠٣٣	٤٧١٤٩٢	٠	٠
٢٨	١٣٨٧	٦٥٤٣٤٠	٥٢١٣٩١	٢٤٢١٧	٥٦٨٦	٠	١٢٠٥٦٣٤	٥٦٨٦	٢٤٢١٧	٥٢١٣٩١	٠	٠
٢٩	١٣٨٨	٥٤٣٨٧٠	٥٦٧٦٣٣	١٥٥٩٨	٩٣	٠	١١٢٧١٩٤	٩٣	١٥٥٩٨	٥٦٧٦٣٣	٠	٠
جمع		١٩٠٧٣٨٤١	١٠٨٣١٠٤٢	٢٩٨٤٢٤٣	١٥٣٧٧٧١	٣٤٤٢٤٨٩٧	٢٩١٤٢٣	٣٤٤٢٤٨٩٧	١٥٣٧٧٧١	٢٩٨٤٢٤٣	٢٠٤٣٧٩	١٥٩٨٥٠٤

مأخذ: همان.

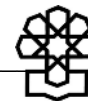
نمودار ۴. مجموع تعداد بیسوادان تحت پوشش بزرگسال از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹



مأخذ: برنامه پنج‌ساله سوادآموزی (بیسوادای گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه).

جدول ۲۵. تعداد سوادآموزان بزرگسال و لازم‌التعلیم قبول شده برحسب دوره و پایه تحصیلی از بدو تشکیل نهضت سوادآموزی

ردیف	سال	بزرگسال					لازم‌التعلیم					
		مقدماتی	تکمیلی	پایانی	پنجم	جمع	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	جمع
۱	از بدو تا سال ۱۳۶۰	۳۰۱۳۰۴	۵۲۱۷۲	۰	۰	۳۵۴۴۷۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۱۳۶۱	۳۳۱۹۰۵	۶۳۲۱۹	۰	۰	۳۹۵۱۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	۱۳۶۲	۳۶۲۵۲۸	۱۱۷۵۱۵	۰	۰	۳۸۰۰۴۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴	۱۳۶۳	۳۳۷۳۷۶	۱۲۱۴۴۷	۰	۰	۳۵۸۸۲۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	۱۳۶۴	۳۸۴۴۸۸	۱۴۸۷۰۴	۰	۰	۴۳۳۱۹۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۶	۱۳۶۵	۳۶۳۴۰۴	۱۶۱۷۱۴	۰	۰	۴۳۵۱۱۸	۰	۰	۸۳	۳۱۴۴	۳۲۲۷	۰
۷	۱۳۶۶	۳۰۹۸۱۰	۱۹۴۳۹۶	۰	۰	۵۰۴۲۰۶	۰	۰	۷۶۰۹	۲۳۳۴۴	۳۵۰۱۲	۰
۸	۱۳۶۷	۳۲۴۴۳۳	۲۲۵۷۱۵	۰	۰	۵۵۰۱۴۸	۰	۰	۲۰۹۲۶	۳۱۰۶۶	۶۱۲۸۵	۰
۹	۱۳۶۸	۳۶۶۷۷۴	۱۹۷۴۶۶	۰	۰	۴۶۴۴۷۸	۲۳۳۸	۰	۲۲۷۱۳	۳۰۰۱۲	۸۱۵۶۱	۳۱۰۰
۱۰	۱۳۶۹	۹۴۳۲۸۱	۳۹۱۹۹۵	۰	۰	۱۳۴۷۷۰۲	۱۳۴۲۶	۰	۲۴۲۲۰	۲۶۲۲۴	۹۰۷۱۲	۶۰۱۲
۱۱	۱۳۷۰	۴۰۳۳۴۶	۴۲۷۴۷۲	۹۳۸۲۸	۵۶۷۶۲	۹۸۱۴۰۸	۰۷۷۶۲	۰	۳۰۹۴۷	۳۲۵۸۹	۱۲۵۸۹۷	۱۱۹۱۴
۱۲	۱۳۷۱	۳۴۴۸۶۸	۳۲۸۸۵۵	۱۷۲۵۱۲	۱۳۹۲۲	۸۶۰۱۵۷	۱۳۹۲۲	۰	۳۱۴۸۴	۳۳۰۳۴	۱۳۰۵۲۶	۱۶۹۷۱
۱۳	۱۳۷۲	۳۰۳۵۸۶	۳۵۹۰۰۷	۱۸۴۵۲۸	۷۶۶۴۷	۸۲۳۶۶۸	۱۳۶۴۷	۰	۳۳۲۸۸	۳۴۴۴۰	۱۳۹۸۵۸	۱۷۵۴۷
۱۴	۱۳۷۳	۳۱۲۱۰۰	۲۲۸۵۱۳	۷۶۱۶۸	۳۹۹۹۱	۶۵۶۷۷۲	۳۹۹۹۱	۰	۳۰۴۱۲	۳۰۸۵۰	۱۳۶۴۱۶	۲۰۰۱۷
۱۵	۱۳۷۴	۳۷۷۲۸۰	۲۰۵۱۹۱	۹۴۰۸۹	۳۹۶۲۲	۶۱۱۱۸۲	۳۹۶۲۲	۰	۲۶۲۶۲	۲۸۸۳۳	۱۲۵۵۰۹	۱۹۵۴۱
۱۶	۱۳۷۵	۳۶۲۱۱۲	۱۹۸۱۸۵	۱۰۱۸۲۳	۴۶۴۰۱	۶۰۸۵۲۱	۴۶۴۰۱	۰	۲۶۹۵۹	۳۰۳۶۱	۱۲۵۵۶۲	۱۹۰۰۶
۱۷	۱۳۷۶	۳۶۶۷۵۴	۱۹۵۹۲۶	۱۰۵۰۲۳	۵۷۳۴۸	۶۲۵۹۵۱	۵۷۳۴۸	۰	۲۲۱۵۹	۲۵۰۵۹	۱۱۵۵۸۷	۲۰۳۷۷
۱۸	۱۳۷۷	۳۲۸۸۸۹	۱۷۱۳۱۵	۱۰۶۱۷۲	۶۰۶۱۶	۵۶۶۹۹۲	۶۰۶۱۶	۰	۱۶۸۱۳	۱۷۴۷۸	۷۴۲۳۳	۱۱۶۵۶
۱۹	۱۳۷۸	۳۷۴۹۲۶	۱۸۶۵۸۲	۱۱۶۳۳۹	۷۴۸۹۳	۶۵۰۷۴۰	۷۴۸۹۳	۰	۱۷۶۷۴	۲۰۴۶۶	۸۳۴۳۵	۱۲۷۸۲
۲۰	۱۳۷۹	۳۴۶۵۲۸	۱۷۱۱۷۳	۹۶۷۲۲	۶۷۷۰۳	۵۸۲۱۲۶	۶۷۷۰۳	۰	۰	۰	۰	۰
۲۱	۱۳۸۰	۱۷۰۹۶۹	۱۲۸۹۵۹	۹۴۷۶۷	۵۷۴۴۵	۴۵۲۱۴۰	۵۷۴۴۵	۰	۰	۰	۰	۰



آمار سوادآموزان تحت پوشش بزرگسال و لازم‌التعلیم برحسب دوره												
ردیف	سال	بزرگسال					لازم‌التعلیم					
		مقدماتی	تکمیلی	پایانی	پنجم	جمع	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	جمع
۲۲	۱۳۸۱	۲۱۹۵۵۷	۱۳۸۱۶۶۴	۸۸۳۷۰	۵۴۸۷۷	۵۰۱۴۶۸						
۲۳	۱۳۸۲	۲۹۱۲۷۲	۱۶۷۱۲۱	۱۰۶۸۴۸	۶۷۰۰۰	۶۳۲۲۴۱						
۲۴	۱۳۸۳	۳۷۹۴۶۹	۲۳۳۵۵۵	۱۳۹۱۵۵	۸۹۷۱۸	۸۴۱۸۹۷						
۲۵	۱۳۸۴	۴۷۳۰۲۳	۲۶۸۹۴۵	۱۴۶۵۸۸	۹۸۲۶۳	۹۸۱۸۱۹						
۲۶	۱۳۸۵	۴۹۵۳۴۵	۳۳۶۱۲۳	۱۵۱۱۱۵	۱۰۹۷۸۴	۱۰۸۲۳۶۷						
۲۷	۱۳۸۶	۵۶۱۳۷۰	۳۸۷۹۰۱	۱۶۵۲۸۵	۸۹۵۶۹	۱۲۰۴۱۳۵						
۲۸	۱۳۸۷	۵۳۷۱۰۹	۴۱۷۸۰۹	۱۸۴۵۵	۴۲۴۸	۹۷۷۶۲۱						
۲۹	۱۳۸۸	۴۳۵۱۲۸	۴۴۴۳۹۳	۱۰۸۹۰	۴۳	۸۹۰۴۵۴						
جمع		۱۰۰۰۴۷۳۴	۶۵۶۱۰۳۲	۲۰۶۸۶۷۰	۱۱۲۰۶۱۰	۱۹۷۵۵۰۴۶	۳۶۹۶۲	۳۱۴۲۱	۲۶۸۹۶	۲۱۷۵۹	۱۵۸۹۲	۱۳۲۹۳۰

مأخذ: همان.

۲-۱. میزان باسوادی جوانان

جدول ۲۶. میزان باسوادی جوانان به تفکیک منطقه محل سکونت، جنس و استان در سال ۱۳۸۵

نام استان	شهری			روستایی		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
آذربایجان شرقی	۹۸/۱۶	۹۸/۵۹	۹۷/۷۳	۹۳/۶۶	۹۶/۲۴	۹۰/۷۷
آذربایجان غربی	۹۶/۰۴	۹۸/۰۰	۹۴/۰۸	۸۶/۰۵	۹۴/۱۸	۷۷/۵۵
اردبیل	۹۷/۸۹	۹۸/۴۴	۹۷/۳۶	۹۳/۳۹	۹۵/۹۱	۹۰/۸۶
اصفهان	۹۸/۰۰	۹۷/۹۱	۹۸/۰۹	۹۵/۵۸	۹۵/۲۱	۹۶/۰۰
ایلام	۹۸/۶۷	۹۸/۹۴	۹۸/۴۰	۹۳/۶۵	۹۵/۹۱	۹۱/۲۲
بوشهر	۹۷/۴۲	۹۶/۹۴	۹۷/۹۶	۹۶/۷۵	۹۷/۰۲	۹۶/۴۰
تهران	۹۸/۳۵	۹۸/۲۰	۹۸/۵۱	۹۲/۶۸	۹۲/۸۷	۹۲/۴۶
چهارمحال و بختیاری	۹۸/۹۳	۹۹/۰۷	۹۸/۷۹	۹۴/۱۹	۹۶/۷۹	۹۱/۶۲
خراسان جنوبی	۹۸/۴۴	۹۸/۶۰	۹۸/۲۷	۹۴/۴۲	۹۶/۱۲	۹۲/۵۳
خراسان رضوی	۹۸/۵۲	۹۸/۵۹	۹۸/۴۶	۹۵/۱۷	۹۶/۰۶	۹۴/۳۱
خراسان شمالی	۹۸/۰۹	۹۸/۵۷	۹۷/۶۴	۹۰/۶۲	۹۴/۷۲	۸۶/۸۸
خوزستان	۹۷/۱۸	۹۷/۷۳	۹۶/۶۲	۸۸/۲۱	۹۲/۸۱	۸۳/۲۹
زنجان	۹۸/۸۵	۹۹/۰۳	۹۸/۶۷	۹۵/۲۸	۹۶/۸۵	۹۳/۸۱
سمنان	۹۸/۵۵	۹۸/۵۸	۹۸/۵۸	۹۶/۲۷	۹۶/۵۴	۹۶/۵۴
سیستان و بلوچستان	۸۴/۶۹	۸۸/۰۶	۸۱/۲۴	۶۸/۸۲	۷۷/۹۷	۶۰/۰۱
فارس	۹۸/۰۳	۹۷/۸۹	۹۸/۱۷	۹۶/۶۸	۹۶/۹۴	۹۶/۴۱
قزوین	۹۸/۵۴	۹۸/۵۸	۹۸/۵۰	۹۵/۸۷	۹۶/۱۴	۹۵/۵۹
قم	۹۷/۴۴	۹۸/۱۳	۹۷/۰۲	۹۱/۱۲	۹۲/۷۱	۹۰/۰۱
کردستان	۹۷/۳۹	۹۸/۷۸	۹۶/۰۰	۹۱/۹۲	۹۶/۵۵	۸۷/۲۷
کرمان	۹۷/۰۸	۹۷/۰۴	۹۷/۱۳	۹۰/۷۰	۹۱/۸۹	۸۹/۴۶

روستایی			شهری			نام استان
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	
۹۱/۹۹	۹۷/۰۳	۹۴/۷۰	۹۷/۷۴	۹۸/۶۰	۹۸/۱۷	کرمانشاه
۸۷/۶۴	۹۵/۲۹	۹۱/۴۳	۹۷/۷۰	۹۸/۶۵	۹۸/۱۸	کهگیلویه و بویراحمد
۹۲/۸۲	۹۵/۹۵	۹۴/۳۵	۹۸/۰۳	۹۸/۴۹	۹۸/۲۵	گلستان
۹۶/۶۷	۹۶/۶۷	۹۵/۹۶	۹۹/۱۳	۹۹/۱۳	۹۹/۱۴	گیلان
۸۹/۹۴	۹۴/۵۹	۹۲/۳۸	۹۷/۹۲	۹۸/۴۱	۹۸/۱۷	لرستان
۹۸/۱۲	۹۷/۹۸	۹۸/۰۴	۹۹/۱۸	۹۸/۹۵	۹۹/۰۷	مازندران
۹۵/۹۳	۹۶/۰۶	۹۵/۹۹	۹۸/۶۹	۹۸/۴۷	۹۸/۵۸	مرکزی
۸۸/۸۶	۹۲/۸۸	۹۰/۹۱	۹۶/۹۵	۹۶/۵۱	۹۶/۷۲	هرمزگان
۹۶/۵۲	۹۷/۴۲	۹۶/۹۷	۹۸/۸۸	۹۸/۹۴	۹۸/۹۱	همدان
۹۶/۲۶	۹۴/۹۷	۹۵/۵۳	۹۸/۱۷	۹۸/۰۹	۹۸/۱۳	یزد
۸۹/۹۲	۹۴/۵۵	۹۲/۲۹	۹۷/۵۴	۹۷/۹۶	۹۷/۷۵	کل کشور

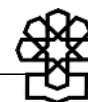
مأخذ: سرشماری سال ۱۳۸۵.

آمار میزان باسوادی جوانان (جمعیت ۱۵-۲۹ ساله) که در جدول ۲۶ به نمایش گذاشته شده است، به دلیل اینکه نشان‌دهنده موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌ریزان در زمینه آموزش و سوادآموزی بوده شاخص خوبی برای نشان دادن سطح سواد و آموزش در جامعه است.

براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ میزان باسوادی جوانان در این سال ۱۳۹۶ درصد بوده است. بین استان‌های کشور کمترین میزان باسوادی جوانان مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۷۶/۸۳ درصد) و بیشترین میزان باسوادی جوانان مربوط به استان مازندران (۹۸/۶ درصد) بوده است.

میزان باسوادی مردان و زنان جوان در سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۹۶/۸۵ و ۹۵/۱۳ درصد بوده از وضعیت مناسبی برخوردار است و در سال‌های آتی منجر به کم شدن فاصله میزان باسوادی کل جمعیت مردان و زنان خواهد شد. بین استان‌های کشور بیشترین میزان باسوادی مردان جوان مربوط به استان‌های مازندران، همدان و سمنان و کمترین میزان باسوادی مردان جوان مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان بوده است.

همچنین بیشترین میزان باسوادی زنان جوان مربوط به استان‌های مازندران، همدان، سمنان و تهران است که در برخی از استان‌ها این میزان برای زنان بیشتر از مردان بوده و کمترین میزان باسوادی زنان جوان مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی بوده است. کمترین شکاف مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد بوده است.



جدول ۲۶ میزان باسوادی جوانان را به تفکیک منطقه محل سکونت، جنس، استان در سال ۱۳۸۵ نشان داده است. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که میزان باسوادی جمعیت جوان شهری ۹۷/۷۵ درصد و میزان باسوادی جمعیت جوان روستایی ۹۲/۲۹ درصد بوده است یعنی میزان باسوادی جوانان شهری ۵/۵ درصد بیشتر از این میزان برای جمعیت جوان روستایی بوده است. همچنین میزان باسوادی مردان و زنان جوان شهری به ترتیب ۹۷/۹۶، ۹۷/۵۴ درصد بوده که این میزان برای مردان و زنان جوان روستایی به ترتیب ۹۴/۵۵ و ۸۹/۹۲ درصد محاسبه شده است. ملاحظه می‌شود فاصله بیشترین میزان باسوادی جوانان شهری مربوط به استان‌های گیلان، مازندران و چهارمحال و بختیاری و کمترین میزان باسوادی جوانان شهری مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و هرمزگان بوده است. بیشترین میزان باسوادی جوانان روستایی مربوط به استان‌های بوشهر، مازندران و فارس و کمترین میزان باسوادی جوانان شهری مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و خوزستان بوده است.

۳-۱. مقایسه ایران با برخی کشورهای منتخب جهان

شاخص باسوادی بزرگسالان یکی از مؤلفه‌هایی است که از منظر جایگاه علمی می‌تواند وضعیت ایران را در میان کشورهای منطقه و جهان به نمایش بگذارد. جدول ۲۷ نرخ باسوادی جمعیت بالای ۱۵ سال را در کشورهای منتخب نشان می‌دهد. تعریفی که از باسوادی مد نظر UNDP بوده است، توانایی خواندن و نوشتن همراه با فهم جملات ساده در زندگی روزمره است. همان‌طور که مشاهده می‌شود وضعیت ایران در میان سایر کشورهای توسعه‌یافته و نیز کشورهایی در منطقه، چندان رضایتبخش نیست. در حالی که در کشورهای امارات، قطر، بحرین و کویت نرخ باسوادی جمعیت بالای ۱۵ سال ۹۰ درصد و بیشتر و در کشورهای عربستان و ترکیه به ترتیب ۸۶/۷ و ۸۸/۷ است، این رقم در خصوص ایران به ۸۲ درصد می‌رسد. هرچند بیشتر این کشورها از لحاظ جمعیت با اختلاف فاحشی پایین‌تر از کشور ما قرار دارند، اما به هر صورت با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور ما که تبدیل شدن به قدرت برتر در منطقه را مد نظر دارد و نیز با توجه به امضای سند آموزش برای همه، تلاش برای بهبود شاخص نرخ باسوادی به صورت وقفه‌ناپذیری مورد نیاز است.

جدول ۲۷. نرخ باسوادی جمعیت بالای ۱۵ سال در کشورهای منتخب جهان

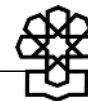
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	نام کشور
	۸/۹۲	۵/۹۶	۹۶/۵	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	اسپانیا
	۹۶/۵	۹۶/۵	۹۸/۴	۹۸/۸	۹۸/۸	۹۸/۹	۹۸/۹	۹۹	۹۹	ایتالیا
	۹۸/۷	۹۸/۹	۹۹/۲	۹۹/۳	۹۹/۳	۹۹/۳	۹۹/۳	۹۹/۳	۹۹/۳	هلند
	۵۳/۵	۷۱/۲	۷۱/۲	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	امارات متحده عربی
	—	۷۵/۶	۸۳/۳	۹۳/۱	۹۳/۱	۹۳/۱	۹۳/۱	۹۳/۱	۹۳/۱	قطر
	۶۹/۸	۸۴	۸۶/۵	۸۷/۹	۸۸/۳	۸۸/۸	۸۹/۲	۸۹/۶	۹۰	بحرین
	۷۹/۴	۸۷/۹	۹۲/۴	۹۴/۲	۹۴/۶	۹۴/۹	۹۵/۲	۹۵/۵	۹۵/۸	پرتغال
	۶۷/۵	۷۴/۵	۷۸/۴	۹۴/۲	۹۳/۳	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	کویت
	—	۷۰/۸	۷۹/۴	۸۳/۶	۸۴/۳	۸۵	۸۵/۶	۸۶/۲	۸۶/۷	عربستان سعودی
	۶۹/۵	۸۲/۹	۸۸/۷	۹۱/۲	۹۱/۵	۹۱/۹	۹۲/۲	۹۲/۶	۹۲/۹	مالزی
	—	۹۸	۹۹/۴	۹۹/۵	۹۹/۵	۹۹/۵	۹۹/۵	۹۹/۶	۹۹/۶	روسیه
	۵/۳۶	۶۵/۵	۷۷	۸۲/۴	۸۲/۳	۸۲/۳	۸۲/۳	۸۲/۳	۸۲/۳	ایران
	۷۴/۶	۷۴/۶	۸۶/۴	۸۹/۶	۸۹/۶	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	برزیل
	۶۵/۷	۷۹/۲	۷۹/۲	۸۸/۲	۸۸/۱	۸۸/۷	۸۸/۷	۸۸/۷	۸۸/۷	ترکیه
	۶۵/۵	۷۷/۸	۹۰/۹	۹۲/۶	۹۳	۹۳/۳	۹۳/۶	۹۳/۹	۹۴/۲	چین
	۳۷/۴	۴۴/۴	۵۵/۶	۶۶/۴	۶۶/۴	۶۶/۴	۶۶/۴	۶۶/۴	۶۶/۴	مصر
	۶۷/۳	۸۱/۵	۸۱/۵	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	اندونزی
	۷۶/۲	۷۶/۲	۸۴/۸	۸۷/۱	۸۷/۶	۸۸	۸۸/۴	۸۸/۸	۸۹/۳	آفریقای جنوبی
	۴۰/۸	۴۸/۲	۶۱	۶۴/۵	۶۵/۲	۶۶	۶۶/۸	۶۷/۵	۶۸/۳	هند
	۲۰/۶	۳۳	۴۸/۶	۵۳/۹	۵۵/۲	۵۶/۵	۵۷/۸	۵۹/۱	۶۰/۳	نیپال

مأخذ: گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰ (UNDP).

۲. تحلیل وضعیت موجود سازمان نهضت سوادآموزی

سازمان نهضت سوادآموزی در طول سال‌های فعالیت خود با فرازوفرودهای زیادی روبرو بوده است. در شرایط کنونی، اینکه قرار است طی پنج سال بیسوادی در جمعیت ۱۰ تا ۴۹ به صفر برسد به معنی لزوم ایجاد یک عزم جدی و همکاری همه‌جانبه برای تحقق این هدف است. در مقایسه با گذشته به خصوص دهه اول پیروزی انقلاب، امروز کار نهضت در آموزش بیسوادان بسیار مشکل‌تر شده و نیازمند جدی‌تر گرفتن مسائل و مشکلات نهضت است.^۱

۱. موارد ذکر شده حاصل مطالعه منابع پژوهشی مختلف، مصاحبه با کارشناسان مربوطه، بررسی قوانین، اسناد و بخشنامه‌ها و بررسی برنامه پنج‌ساله سوادآموزی است.



۲-۱. قوت‌ها

- امکان بهره‌گیری از سامانه سوادآموزی،
- ایجاد بانک اطلاعات اسمی بیسوادان،
- شیوه‌های متنوع آموزشی برای آموزش بزرگسالان،
- دریافت جوایز بین‌المللی در زمینه آموزش بزرگسالان،
- پیشبرد اهداف آموزش‌های پس از سواد در چند سال اخیر تا حد ممکن و با حداقل هزینه از طریق همکاری مستمر با سایر دستگاه‌ها از جمله وزارت کشاورزی، وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی.

۲-۲. ضعف‌ها

- نیروی انسانی بی‌انگیزه،
- کاهش نیروی انسانی باتجربه و جایگزین نشدن آن،
- در اولویت نبودن برنامه‌های آموزش پس از سواد در عمل و در نتیجه بازگشت به بیسوادی،
- عدم مطابقت کتب با نیاز سوادآموزان باعث بی‌انگیزگی آنها می‌گردد. عمده منابع درسی به خصوص در مقطع سوادآموزی به صورت متمرکز تهیه می‌شود و نه به صورت منطقه‌ای و متناسب با نیاز محیط،
- نهضت سوادآموزی با ایجاد بانک اطلاعات اسمی بیسوادان، این امکان را فراهم آورده که افراد بیسواد با اسم و آدرس مورد شناسایی قرار گرفته و به صورت موردی به آنها مراجعه شود. پیش از این آموزشیاران با مراجعه به در خانه‌ها به شناسایی بیسوادان مبادرت می‌ورزیدند که این کار مشکلات فراوانی را به همراه داشت. هم‌اینک هرچند این بانک اطلاعاتی، فی‌نفسه مفید بوده و امکانات زیادی را پیش رو می‌گذارد ولی از آن جا که اطلاعات آن - که مبنای فعالیت‌های نهضت قرار گرفته است - از فرم‌های اطلاعات اقتصادی خانوارها گرفته شده صحت آن با تردید روبرو است. شایان ذکر است کارشناسان آموزش و پرورش درخصوص بخشی از اطلاعات استخراج شده از فرم‌های اطلاعات اقتصادی خانوار مربوط به کودکان لازم‌التعلیم که توسط نهضت در اختیار آموزش و پرورش قرار داده شده، نتایج راستی‌آزمایی را تأییدکننده صحت اطلاعات مذکور نمی‌دانند. هرچند مسئولین مربوطه نیز اذعان دارند که آمار موجود قابل اعتماد نیست، اما عمل براساس آن را تنها راه چاره می‌دانند تا اینکه نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، اطلاعات دقیق‌تری پیش رو بگذارد.
- در سال‌های پیش این مشکل وجود داشت که گاه آموزشیار منافع خود را در این می‌دید که بیسوادی ریشه‌کن نشود. به عبارت دیگر از تعداد سوادآموزان کلاس، چند نفر را مردود اعلام می‌کرد تا بتواند سال بعد نیز با آنها کلاس بگیرد و سنوات خود را پر کند. این مسئله یکی از

استدلال‌های مسئولین موافق انجام سوادآموزی بدون بهره‌گیری از آموزشیاران است.

- کمبود امکانات و ابزارهای آموزشی به‌خصوص در دروس عملی به‌عنوان یک مشکل مطرح است. هرچند با توجه به کمبود بودجه همیشگی نهضت، اولویت‌های بزرگ‌تری در دستور کار این سازمان قرار دارد و به‌نظر می‌رسد تأمین امکانات، باید بیشتر با مشارکت سایر نهادهای مرتبط انجام گیرد. در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب، ادغام با آموزش و پرورش می‌تواند امکان استفاده از تجهیزات مدارس را در اختیار سازمان بگذارد.

- تبلیغات برای جذب بیسوادان کافی نیست. این تبلیغات می‌تواند به اشکال مختلف از جمله صداوسیما، روزنامه‌ها، نصب پوستر و بنر به‌ویژه در روستاها و... باشد.

- تشکیل نشدن کلاس‌ها در مناطق مورد نیاز، تشکیل کلاس‌های مقدماتی در محل‌هایی که نیازی وجود ندارد و عدم تشکیل کلاس‌های دوره تکمیلی در مناطقی که نیاز وجود دارد و مسائلی از این دست، پیش از این دور از واقعیت نبود.

- مشکل بودن محتوای کتاب‌های درسی برای سوادآموزان موجب بی‌انگیزه شدن سوادآموزان شده و در برخی موارد به رها کردن کلاس می‌انجامد. اصرار بر تمام کردن کتاب و برگزاری امتحان در موعد مقرر گاهی بر هدف سوادآموزی غلبه می‌کند.

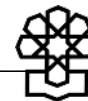
- آمار و برنامه‌ای برای افرادی که بازگشت به بیسوادی داشته‌اند وجود ندارد.

- کمبود فضاهای آموزشی یکی از مشکلات نهضت است. به‌طور معمول مدارس، مساجد و پایگاه‌های بسیج و در برخی موارد خانه‌ها، محل تشکیل کلاس‌های نهضت سوادآموزی می‌باشند. بنابر آمار سال ۱۳۸۷، ۵۹/۹ درصد کلاس‌ها در خانه‌ها، ۲۵/۴ در مدارس و ۴/۹ در مساجد و باقی در سایر مکان‌ها تشکیل شده‌اند. در برخی شهرها آموزشیاران مجبورند هر در دوره در یک مدرسه مستقر شوند. مشکل نبود فضای آموزشی ثابت در حاشیه شهرها و روستاها مشهودتر است. کلاس‌های درس در بسیاری از شهرستان‌ها و روستاها خالی نیست تا در اختیار آموزشیاران و سوادآموزان نهضت گذاشته شود و نمازخانه‌ها نیز به‌دلیل انجام فعالیت‌های پرورشی، در اختیار قرار نمی‌گیرد. تصور این است که پس از ادغام سازمان در وزارت آموزش و پرورش با قرار گرفتن سازمان در چتر حمایتی وزارت، این مشکل برطرف شود.

۲-۳. فرصت‌ها

- حمایت مقام معظم رهبری از مسئله سوادآموزی بزرگسالان^۱

۱. ازجمله سخنان ایشان در جمع فرهنگیان استان فارس که در آن بر هدفگذاری ریشه‌کن کردن بیسوادی در بیسوادان تا سقف سنی مشخص و در مدت زمان معین تأکید داشتند.



- سیاست‌های مصوب جلسه ۵۹۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی،
- عزم و وعده وزیر درخصوص پیشبرد اهداف آموزش بزرگسالان و ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور.
- اگر سیاست ادغام نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش بتواند اهداف مورد نظر را محقق ساخته و به سرنوشت تجمیع دچار نشود، در حقیقت به این معنی است که فرصت‌های بی‌بدیلی در اختیار سازمان نهضت سوادآموزی قرار داده شده است. بدین ترتیب مشکلات ناشی از کمبود امکانات آموزشی، کمبود فضاهای آموزشی، کمبود نیروی انسانی و... می‌تواند با مساعدت وزارت آموزش و پرورش تا حد زیادی مرتفع شود.
- وجود پتانسیل قانونی برای همکاری با سایر نهادها در زمینه سوادآموزی را باید فرصتی برای سازمان نهضت سوادآموزی دانست. از جمله می‌توان به اساسنامه نهضت سوادآموزی و مصوبه مربوط به آیین‌نامه اجرایی آن اشاره کرد که در فصل اول ذکر شده‌اند.
- امکان بهره‌گیری از حمایت و مساعدت سازمان‌های بین‌المللی.
- امکان استفاده از ظرفیت مؤسسات قرآنی، پایگاه‌های بسیج و ائمه جماعات.

۴-۲. تهدیدها

- بی‌انگیزگی بیسوادان برای سوادآموزی به‌عنوان یکی از مهمترین چالش‌ها در مسیر ریشه‌کنی بیسوادی مطرح است. فردی را در نظر بگیرید که فرضاً ۴۰ سال را در وضعیت بیسوادی پشت سر گذاشته و با این شرایط خو کرده است. حال از او خواسته می‌شود که وقت و انرژی خود را برای یادگیری خواندن و نوشتن - که در این سن کار ساده‌ای نیست - صرف کند، درحالی که در بیشتر موارد با فقر مالی و مشغله روزمره و خانواده‌ای پرجمعیت درگیر بوده و قرار نیست سوادآموزی بهبود خاصی در وضعیت مالی او به‌وجود آورد و برعکس، هزینه فرصت زیادی را به او تحمیل می‌کند. در بسیاری از موارد مخالفت سایر اعضای خانواده، بیماری، احساس حقارت از رفتن به کلاس و... را نیز باید به این مشکل اضافه کرد. گاهی دور بودن فاصله خانه تا محل کلاس یا قرار با آموزش‌دهنده، بی‌نظمی آموزش‌دهنده و احساس مسئولیت نکردن او نیز مزید بر علت می‌شود. به این لیست می‌توان موارد بسیار دیگری را نیز اضافه کرد. بنابراین بی‌انگیزگی بیسوادان برای سوادآموزی به هیچ‌وجه دور از ذهن نیست. در حقیقت بسیاری از افرادی که هم‌اکنون جامعه هدف نهضت برای سوادآموزی هستند، اگر خودشان می‌خواستند با سواد شوند تا به حال جذب کلاس‌های نهضت شده بودند.
- فقر مالی به‌عنوان یکی از مهمترین موانع بازماندگی از تحصیل چه درخصوص کودکان - که در

مخالفت والدین آنها با تحصیل فرزندان نمود می‌یابد - و چه درخصوص بزرگسالان مصداق دارد. در مطالعات بسیاری مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد که معمولاً با خستگی کار روزمره نیز همراه می‌شود، به‌علاوه نبود منافع مادی برای سوادآموز به‌عنوان مانع مهمی در انگیزش بیسوادان برای آموزش مورد اشاره قرار گرفته است. ترک تحصیل و غیبت مکرر سوادآموز که عمدتاً به همین دلایل صورت می‌گیرد، آموزش‌دهنده را نیز در کار خود سست می‌کند.

- پراکندگی بیسوادان به‌خصوص در مناطق دورافتاده از مشکلات بزرگ آموزش به این افراد است. یافتن و جذب این‌گونه افراد، مشکل وسیله نقلیه برای عبور و مرور به روستا، گاه لزوم بیتوته کردن یک آموزشیار در منطقه‌ای محروم برای تشکیل یک کلاس و هزینه‌بر بودن آموزش به این افراد از مشکلات نهضت در این خصوص است. سازمان نهضت سوادآموزی با حرکت به سمت شیوه‌های آموزشی منعطف، سعی در حل این مشکلات داشته است.

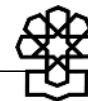
- نهضت سوادآموزی از دیرباز با مشکل کمبود اعتبار مواجه بوده است. این امر را می‌توان سرمنشأ مشکلات بسیار دیگری از قبیل کمبود فضای آموزشی، عدم توانایی ارائه امکانات و خدمات به معلمان و کارکنان و... دانست. این نکته قابل توجه است که درحالی که در سال‌های گذشته مسئولین پیشین، گاه از تعدیل فعالیت‌های نهضت به‌دلیل کمبود بودجه سخن گفته بودند و حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی نیز کمبود بودجه را از مشکلات اساسی نهضت دانسته، از کسری بودجه دو هزار میلیارد ریالی در سال ۱۳۸۸ صحبت کرده بود، رئیس جدید نهضت، پس از ادغام اعلام کرد که سازمان با هیچ محدودیت مالی درخصوص سوادآموزی روبرو نیست.^۱ هرچند که مقایسه بودجه مصوب امسال با سال ۱۳۸۹ که حکایت از یک رشد ۶/۲ درصدی دارد، نشان‌دهنده این است که افزایش قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است.

- در سال ۱۳۸۱ واحدهای استانی سازمان نهضت سوادآموزی با وزارت آموزش و پرورش تجمیع شد. تجربه هفت‌ساله تجمیع نشان داد که این طرح نتوانست به اهداف خود در پیشبرد سیاست‌های مربوط به آموزش بیسوادان و ریشه‌کن کردن بیسوادی دست یابد. در سال ۱۳۸۴ تحقیقی از سوی پژوهشگاه المیزان در این خصوص انجام گرفت^۲ و به این جمع‌بندی رسید که تجمیع، بدون مطالعه و تحقیق و کارشناسی کافی صورت گرفته و اجرای این طرح، به تحقق اهداف برنامه‌های توسعه

۱. به نقل از ایرنا، ۱۳۹۰/۴/۳۰ و دسترسی در ۹۰/۶

<http://irna.ir/NewsShow.aspx?NID=۳۰۴۸۵۷۵۰>

۲. رک: گزارش نهایی طرح بررسی چگونگی و چرایی تجمیع واحدهای استانی سازمان نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش، مجری: دکتر سیف‌اله سیف‌الهی، کارفرما: معاونت اداری و پشتیبانی سازمان نهضت سوادآموزی، ناظر طرح سیدضریغام عبدالهی، بهمن‌ماه ۱۳۸۴.



اقتصادی - اجتماعی و سیاست‌های ریشه‌کن کردن بیسوادی کمکی نکرده است. این پژوهش با تأکید بر حجم وسیع مسئولیت‌های وزارت آموزش و پرورش به این نکته اشاره کرد که تجمیع، مشکلات هر دو دستگاه را بیشتر کرده و پیش‌بینی نمود که «در نهایت امر، مدیریت جامعه با تحمل خسارات روانی، فرهنگی و سیاسی طرح بازگشت به سازمان مستقل سوادآموزی را در دستور کار قرار خواهد داد و این موضوع واقعیت تلخی است که به کرات در کشور ما اتفاق افتاده است». این پیش‌بینی در سال ۱۳۸۸ محقق شد و نهضت دوباره از آموزش و پرورش منتزع گردید. حال پس از گذشت دو سال بحث ادغام مطرح شده است. به نظر می‌رسد اگر وعده‌های وزیر آموزش و پرورش برای اولویت دادن به کار سوادآموزی محقق نشود، نمی‌توان به تجربه‌ای جز آنچه پیش از این اتفاق افتاده دل خوش بود. در هر صورت این رویداد هم می‌تواند فرصت باشد و هم تهدید و این بسته به تحقق اهداف ادغام در عمل است. ناگفته نماند که قضاوت درخصوص اینکه تجمیع در کل مثرتر بوده است یا خیر نیاز به بررسی‌های همه‌جانبه دارد و در این مقال نمی‌گنجد. همان‌طور که در نمودار ۴ دیده شد، از سال ۱۳۸۰، یک سال پیش از آغاز طرح تجمیع، روند صعودی جذب سوادآموز در کلیه پایه‌ها پس از یک دوره کاهش، شروع شد و تا سال ۱۳۸۶، یک سال پیش از پایان تجمیع ادامه داشت. حال اگر فرض کنیم که طرح تجمیع در ایجاد این سیر صعودی نقش داشته، شاید بتوان گفت که این طرح در عمل فوایدی را هم دربر داشته است. ذکر این نکته تنها از جهت تذکر این نکته بود که نمی‌توان نتایج این سیاست را به‌طور کامل خوب یا بد دانست، بلکه قضاوت منصفانه و کارشناسانه نیازمند تحقیقی جامع در این خصوص است.

- فقدان بخش خصوصی علاقمند و توانمند برای کمک به پیشبرد اهداف سوادآموزی.

- مشکل کمبود نیروی انسانی متخصص در نهضت سوادآموزی جدی است، زیرا بسیاری از نیروهای ستادی خبره در شرف بازنشسته شدن هستند و ظاهراً قرار نیست جایگزین شوند. در سال ۱۳۸۵ شمار کارکنان رسمی نهضت در ستاد مرکزی ۲۲۳ نفر بوده که این تعداد هم‌اکنون به ۱۵۰ نفر می‌رسد. این درحالی است که تعداد پست‌های سازمانی تعریف شده در ستاد مرکزی ۲۵۳ منصب است. در طول سال‌های اخیر در ازای خروج نیروی انسانی، جذب نیرو وجود نداشته و برای هر پستی که خالی شده، فردی از بخش دیگر به آن قسمت منتقل شده است. درحال حاضر ۳۰ نفر در ستاد مرکزی، ۲۵ سال و بیشتر سابقه خدمت دارند که ۱۵ نفر از این افراد رئیس، مدیرکل و معاون هستند. نیروهای خبره بازنشسته می‌شوند و نیروی جدید، پرورش نیافته و جایگزین نمی‌شود. بدین ترتیب سازمان خود به‌خود کوچک می‌شود و ممکن است در یکی دو سال آینده تشکیلات سازمانی تغییر کند. اصولاً ادغام با آموزش و پرورش باید این فرصت را پیش‌رو بگذارد که کمبود نیرو توسط این وزارت مرتفع شود. هرچند نیروی جدید اگر هم وارد شود، با نوع کار

سخت نهضت آشنایی نداشته و بی‌تجربه است. در شرایطی که قرار است پنج سال دیگر درخصوص ادامه یا عدم ادامه حیات نهضت تصمیم‌گیری شود، ورود نیروی تازه‌وارد بی‌تجربه نیز سودی نخواهد داشت، زیرا فرصت آشنایی با کار نخواهد بود. مشکل نیروی انسانی تنها مختص به ستاد مرکزی نیست. درحالی که خود سازمان پیشنهاداتی را برای حذف برخی مناصب به آموزش و پرورش ارائه کرد، اما براساس تصمیم آموزش و پرورش، در شرایط ادغام دامنه حذف مناصب سازمانی بسیار گسترده‌تر شد، به گونه‌ای که ۶۵۰۰ پست سازمانی به ۲۰۶۶ پست کاهش یافت. نتیجه اینکه بسیاری از نیروهای خبره مشمول تعدیل شدند و به دلیل اینکه کارهای بیشتری به افراد باقیمانده محول شد، بسیاری از وظایف نهضت روی زمین ماند.

- پایین بودن سطح همکاری سایر دستگاه‌ها و عدم التزام آنها در قبال مقررات و مصوبات.

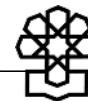
- برخی از سوادآموزان پس از ثبت‌نام، انصراف داده و کلاس را ترک می‌کنند. یکی از دلایل چنین وضعیتی، شرایط خانوادگی و کاری سوادآموزان است. با توجه به اینکه سوادآموزان اغلب میانسال بوده و دارای مسئولیت در خانه یا محل کار هستند، شرکت در کلاس‌ها را مانعی برای انجام کارهای روزمره خود می‌بینند. شیوه‌های آموزش فرد به فرد و آموزش در خانواده از راه‌هایی است که نهضت برای حل این مشکل به کار گرفته است. دلیل دیگر کمبود اعتماد به نفس برای ادامه تحصیل است. برخی از سوادآموزان احساس می‌کنند که در این سن و با توجه به مشکلات زندگی، توانایی یاد گرفتن مطالب درسی را ندارند. ترک کلاس توسط سوادآموز به دلیل مسائل و مشکلات خانوادگی و کاری، مسئولیت را متوجه آموزش‌یاری می‌نماید که کلاس درس وی، کم تعداد شده است.

- بسیاری از بیسوادان بزرگسال اصولاً فاقد شناسنامه بوده و شناسایی آنها بسیار مشکل و از حد توان فعلی نهضت خارج است.

۳. آسیب‌شناسی برنامه پنج‌ساله سوادآموزی

۳-۱. برنامه پنج‌ساله سوادآموزی

کمیته تدوین برنامه پنج‌ساله سوادآموزی در اجرای بند «۵» نامه رئیس دفتر مقام معظم رهبری به شماره ۱/۱۷۰۷۵ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۵ پیرامون تدوین برنامه جدید به صفر رساندن بیسوادی در گروه سنی زیر ۵۰ سال کشور «برنامه پنج‌ساله سوادآموزی (باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه)» را تدوین نمود که سند آن طی نامه‌ای در اسفندماه ۱۳۸۹ به دفتر مقام



معظم رهبری ارسال گردید.^۱

پیش از آسیب‌شناسی، نگاهی گذرا به مهمترین بخش‌های برنامه پنج‌ساله سوادآموزی لازم به نظر می‌رسد. چرا که همان‌طور که گفته شد این برنامه قرار است راهنمای عمل نهضت سوادآموزی قرار گیرد و این احتمال وجود دارد که برنامه مذکور، آخرین مأموریت نهضت نیز باشد. براساس مصوبه ۵۹۵، سازمان نهضت موظف به ریشه‌کن کردن بیسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۲۹ سال تا پایان برنامه چهارم توسعه بوده و براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، ۹۶/۴ درصد در این گروه سنی با سواد شده‌اند. حال با این شرایط باید به امکانسنجی تحقق هدف بعدی نهضت یعنی ریشه‌کن کردن بیسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال پرداخت. هدفگذاری نهضت، باسواد شدن ۹۷ درصدی این جمعیت سنی تا پایان برنامه پنجم است که به‌عنوان ریشه‌کن کردن بیسوادی جمعیت زیر ۵۰ سال تلقی خواهد شد.^۲

در این برنامه در ابتدا به تعاریف و مفاهیم جدیدی پرداخته شده که حاکی از تغییر در دوره‌های سوادآموزی است. پیش از این آموزش سوادآموزی در نهضت در قالب دوره‌های مقدماتی و تکمیلی، پایانی و پنجم به سوادآموزان ارائه می‌شد. دوره مقدماتی معادل کلاس‌های اول و دوم ابتدایی، دوره تکمیلی معادل سوم، دوره پایانی برابر چهارم ابتدایی و کلاس پنجم نیز برابر با کلاس پنجم آموزش سراسری کشور بود. این دوره‌ها اکنون به این‌صورت تغییر یافته‌اند:

دوره سوادآموزی: معادل اول تا سوم ابتدایی به‌منظور دستیابی افراد بیسواد ۱۰ ساله و بالاتر به حداقل سواد.

دوره انتقال: معادل پایان دوره ابتدایی بوده و فرصت ادامه تحصیل را برای کسانی که دوره سوادآموزی یا سوم ابتدایی را گذرانده‌اند یا کسانی که فاقد شرایط ادامه تحصیل در نظام آموزش رسمی هستند را فراهم می‌سازد.

دوره تحکیم سواد: فعالیت‌هایی است که به جهت تثبیت، استمرار و پایداری آموخته‌ها برای کسانی که دوره سوادآموزی یا سوم ابتدایی را گذرانده‌اند ارائه می‌گردد. نقش این دوره در جلوگیری از بازگشت به بیسوادی اساسی است.

۱. این سند پس از نهایی شدن به‌عنوان برنامه پنج‌ساله نهضت، راهنمای عمل خواهد بود. پیش از این رئیس دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ مکتوب به نامه حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی درخصوص کسب تکلیف نسبت به تداوم کار نهضت سوادآموزی، اظهار داشته بود که مقام معظم رهبری مقرر فرمودند سیاست‌های سوادآموزی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ مبنای عمل قرار گرفته و تمهیدات لازم برای اجرای آن فراهم گردد. همچنین نهضت سوادآموزی مسئول اصلی مبارزه با بیسوادی در کشور خواهد بود و حداقل تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم باید به کار خود ادامه دهد و پس از آن با ارزیابی وضع بیسوادی در کشور نسبت به ادامه یا عدم ادامه آن سازمان تصمیم‌گیری خواهد شد.

۲. بخشنامه شماره ۱۰۵/۱۰/۷ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۲ سازمان نهضت سوادآموزی.

مفهوم دیگری که مورد توجه است مفهوم باسواد است که به فردی گفته می‌شود که حداقل دوره سوادآموزی، تکمیلی یا سوم ابتدایی را گذرانده باشد.

برخی از مهمترین آمارهای ذکر شده در برنامه پنج‌ساله سوادآموزی عبارتند از:

- افزایش درصد باسوادی در گروه سنی ۱۰ تا ۲۹ ساله از ۵۹/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۵.

- افزایش درصد باسوادی در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ ساله از ۴۸/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹۱/۷ درصد در سال ۱۳۸۵.

- میانگین درصد قبولی به ثبت‌نام در طول فعالیت نهضت سوادآموزی ۵۷/۴ است.

- نرخ واگذاری آموزش سوادآموزان (فرد به فرد) در آخرین سال برنامه چهارم توسعه حدود ۸/۰ بوده است.

- تعداد آموزشیاران موجود در سال پایه (ابتدای سال ۱۳۹۰) حدود ۳۹۱۶۰ نفر بوده است.

- طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد جمعیت کم‌سواد حدود ۱۰/۶۷ میلیون نفر برآورد شده است که از این میزان حدود ۴۸/۲ درصد مرد و ۵۱/۸ درصد زن بوده است. از مقایسه تعداد کم‌سوادان سرشماری سال ۱۳۸۵ با سرشماری سال ۱۳۷۵ ملاحظه می‌گردد که در مدت یک دهه حدود ۸۴۰ هزار نفر به جامعه کم‌سوادان کشور اضافه شده است یعنی تعداد کم‌سوادان از ۹/۸۳ میلیون نفر سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۶۷ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

- متوسط سطح تحصیلات جمعیت بالای ۶ سال براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، حدود هفت سال برآورد می‌گردد.

- ترکیب سطح تحصیلات جمعیت ۶ سال و بالاتر در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که حدود ۹/۸ میلیون نفر بیسواد، ۱۶/۵ میلیون نفر در حد آموزش ابتدایی، ۱۲/۵ میلیون نفر در حد آموزش راهنمایی، ۱۶/۷ میلیون نفر در حد آموزش متوسطه، ۶/۹ میلیون نفر در سطح آموزش عالی و ۱/۶ میلیون نفر در سایر دوره‌های تحصیلی بوده است که بنابراین ۱۵/۴ درصد بیسواد، ۲۵/۷ درصد ابتدایی، ۱۹/۵ درصد راهنمایی، ۲۶/۱ درصد متوسطه، ۱۰/۸ درصد آموزش عالی و ۲/۵ درصد در سایر دوره‌های آموزشی بوده است.

- در سال ۱۳۷۱، تعداد کارکنان ستادی ۱۲۹۰۷ نفر و تعداد آموزشیاران ۷۷۸۱۳ نفر بوده است که این رقم در سال ۱۳۸۸ به حدود ۲۵۰۰ نفر کارمند و ۴۳۴۶۷ نفر آموزشیار رسیده است.

اهداف کمی

اهداف کمی: اجرای دوره تحکیم سواد تا ۸۵ درصد قبول‌شدگان دوره سوادآموزی در طول



سال‌های برنامه.

- پوشش حداکثر ۱۵ درصدی پذیرفته‌شدگان دوره سوادآموزی در دوره انتقال.

جدول ۲۸. اهداف کمی برنامه پنج‌ساله پنجم سوادآموزان بزرگسال سازمان نهضت سوادآموزی

سوادآموزان تحت پوشش					عنوان
جمع	دوره انتقال	تحکیم سواد	تکمیلی	سوادآموزی	
۱۱۵۴۲۳۱	۱۲۲۷۲۴	۱۰۴۴۵۲	۴۶۳۵۲۸	۴۶۳۵۲۸	سال پایه (متوسط پنج سال برنامه چهارم توسعه)
۱۰۴۸۸۷۳	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۳۶۶۲۸۲	۴۶۷۵۹۱	۱۳۹۰
۱۶۸۰۲۸۲	۷۸۶۱۰	۷۰۷۴۸۷	۲۷۰۷۳۰	۶۲۳۴۵۵	۱۳۹۱
۱۷۲۱۲۷۹	۱۴۱۲۹۴	۸۰۰۶۶۷	۰	۷۷۹۳۱۸	۱۳۹۲
۱۵۰۶۶۸۲	۱۵۵۸۶۴	۶۲۳۴۵۵	۰	۷۲۷۳۶۴	۱۳۹۳
۷۲۷۳۶۴	۱۸۱۸۴۱	۵۴۵۵۲۳	۰	۰	۱۳۹۴
۶۶۸۴۴۸۰	۵۷۲۶۰۸	۲۸۷۷۱۳۲	۶۳۷۰۱۲	۲۵۹۷۷۲۸	جمع

مأخذ: برنامه پنج‌ساله سوادآموزی (باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه).

جدول ۲۹. برآورد اهداف کمی برنامه پنجم توسعه طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

درصد سهم آموزشیاران	مشارکت دستگاه‌های سهم اهداف کمی دولتی و غیردولتی			پوشش توسط آموزشیاران نهضت سوادآموزی	سال
	جمع	داوطلبانه	واگذاری		
۴۸	۵۴۱۸۷۳	۲۷۰۹۳۷	۲۷۰۹۳۷	۵۰۷۰۰۰	۱۳۹۰
۲۹	۱۱۹۸۶۳۲	۵۹۹۳۱۶	۵۹۹۳۱۶	۴۸۱۶۵۰	۱۳۹۱
۲۷	۱۲۶۴۹۷۹	۶۳۲۴۹۰	۶۳۲۴۹۰	۴۵۶۳۰۰	۱۳۹۲
۲۹	۱۰۷۵۷۳۲	۵۳۷۸۶۶	۵۳۷۸۶۶	۴۳۰۹۵۰	۱۳۹۳
۵۶	۳۲۱۷۶۴	۱۶۰۸۸۲	۱۶۰۸۸۲	۴۰۵۶۰۰	۱۳۹۴
۳۴	۴۴۰۲۹۸۰	۲۲۰۱۴۹۰	۲۲۰۱۴۹۰	۲۲۸۱۵۰۰	جمع

مأخذ: همان.

۲-۳. آسیب‌شناسی برنامه پنج‌ساله سوادآموزی

در اینجا با نگاه به سند برنامه پنج‌ساله نهضت سوادآموزی، به ملاحظات مربوط به برنامه‌ریزی که این سند در مسیر تحقق خود با آن مواجه است پرداخته می‌شود.

- تعداد آموزشیاران نهضت در سال ۱۳۸۸، ۴۳۶۶۷ نفر بوده که این تعداد در نیمه اول سال ۱۳۹۰ به ۳۹۱۶۰ نفر رسیده است. با توجه به اینکه تعدادی از این افراد با ورود به نیمه دوم سال از لحاظ استخدامی تعیین تکلیف می‌شوند، تعداد آموزشیاران باقیمانده که مشمول قوانین نشده و در اختیار نهضت هستند، در حدود بیست هزار نفر می‌باشند، البته مسئولین نهضت سوادآموزی

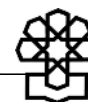
امیدوارند با وجود ادغام صورت گرفته با وزارت آموزش و پرورش، نگرانی‌ای از بابت کمبود نیروی انسانی وجود نداشته باشد زیرا آموزش و پرورش مکلف به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز است. حال اینکه آموزش و پرورش بخواهد و بتواند از ظرفیت نیروی انسانی خود در جهت کمک به اهداف ریشه‌کن کردن بیسوادی استفاده نماید و یا خیر، در عمل مشخص خواهد شد. در هر صورت مسئله آموزش‌شیاران نهضت و استخدام آنها به‌عنوان یک معضل همیشگی و در کنار آن، راغب نبودن معلمان آموزش و پرورش به فعالیت در نهضت، کاهش حجم به‌کارگیری آموزش‌شیاران را در دستور کار نهضت قرار داده است. به‌علاوه نباید کم شدن تعداد بیسوادان نسبت به قبل و احتمال تشکیل نشدن کلاس در بسیاری از روستاها را نیز از نظر دور داشت، اما اگر قرار است حجم فعالیتی که توسط آموزش‌شیاران انجام می‌شود، کاهش یابد، باید روندی منطقی را برای آن در نظر گرفت.

در جدول برآورد اهداف کمی برنامه پنج‌ساله سوادآموزی، در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ سهم آموزش‌شیاران در پوشش تحصیلی به‌طور میانگین در حدود ۲۸ درصد پیش‌بینی شده است. این بدین معنی است که طبق برنامه باید تا ۶۲ درصد از فعالیت‌های سوادآموزی از طریق شیوه‌واگذاری و داوطلبانه انجام گیرد (هرکدام ۳۱ درصد). در شیوه‌واگذاری، سپردن کار به اشخاص حقیقی و حقوقی به‌ازای پرداخت سرانه به آموزش‌دهنده مد نظر است و در شیوه‌داوطلبانه، فردی به‌طور داوطلبانه، آموزش فرد بیسواد دیگری را به‌عهده می‌گیرد و در ازای آن مبلغی را درخواست نمی‌کند، هرچند عوامل تشویقی مانند قرعه‌کشی و اهدای جایزه برای آموزش‌دهنده و سوادآموز در نظر گرفته می‌شود.

حال در رابطه با تعیین چنین سهمی برای آموزش از طریق شیوه‌واگذاری و داوطلبانه اشاره به چند نکته ضروری به‌نظر می‌رسد:

۱. در کشور ما زیرساخت‌های لازم برای واگذاری مهیا نبوده و بخش خصوصی که بتواند هدف واگذاری قرار گیرد محدود است. نکته مهم اینکه در بسیاری موارد بخش خصوصی پس از عقد قرارداد نتوانسته است به تعهدات خود عمل کند. علت این امر تا اندازه زیادی به سختی نوع کار برمی‌گردد. پراکندگی بیسوادان، عدم الزام آنها به سوادآموزی و بی‌انگیزگی بیسوادان، کار را برای بخش خصوصی بی‌تجربه دشوار می‌سازد. بخش خصوصی عموماً به‌دنبال کارهای راحت و سودده است و نمی‌تواند آن‌طور که آموزش‌شیاران مصرانه به‌دنبال سوادآموز رفته و او را به کلاس می‌آورند، عمل کند. این امر درخصوص افراد حقیقی نیز تا حد زیادی صادق است.

۲. در روش واگذاری، انگیزه مالی برای فرد سوادآموز وجود نداشته و تنها به آموزش‌دهنده



مبلغی پرداخت می‌شود. با توجه به اینکه یکی از مشکلات اساسی سوادآموزی، فقدان انگیزه لازم برای سوادآموز است، این نقیصه جدی باید به‌گونه‌ای مرتفع گردد.

۳. براساس آمار ذکر شده در برنامه پنج‌ساله سوادآموزی، نرخ واگذاری آموزش سوادآموزان (فرد به فرد) در آخرین سال برنامه چهارم توسعه تنها حدود ۸ درصد بوده است. همچنین درحالی که براساس هدفگذاری صورت گرفته برای سال ۱۳۸۹، حداقل باید ۱۵ درصد فعالیت‌ها به‌صورت واگذاری انجام می‌گرفت، نرخ واگذاری به اشخاص حقیقی و حقوقی ۹ درصد بوده است (شایان ذکر است که بخشی از این واگذاری‌ها نیز به خود آموزشیاران بوده که با پیچ‌وخم کار آشنایی لازم را داشته‌اند). اطلاعات موجود از تفاوت‌های زیاد میان استان‌های مختلف حکایت دارد.

۴. با توجه به افزایش یکباره سهم آموزش از طریق شیوه‌های واگذاری و داوطلبانه و با عنایت به ناچیز بودن سهم این روش‌ها در سال‌های گذشته، انتظار می‌رود که بودجه اختصاص یافته به این طرق به نحو قابل توجهی افزایش یابد تا با ایجاد انگیزه در سوادآموزان و آموزش‌دهندگان، تحقق آن با امیدواری بیشتری همراه گردد.^۱ با توجه به تغییر دوره‌های آموزشی، سرانه بودجه در نظر گرفته شده برای دوره سوادآموزی نسبت به دوره‌های مقدماتی و تکمیلی،^۲ در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال پیش به‌طور میانگین ۲۵ درصد رشد داشته است که با درنظر گرفتن نرخ تورم، افزایش قابل ملاحظه‌ای به‌نظر نمی‌رسد. به‌علاوه همان‌طور که پیش از این ذکر شد در روش واگذاری، برای سوادآموز مبلغی در نظر گرفته نمی‌شود. روش داوطلبانه نیز با توجه به عدم پرداختی و اینکه تا به حال به‌طور جدی مورد استفاده قرار نگرفته، چندان قابل اتکا نیست. موفقیت این طرح در گرو این است که مکانیسم قیمتگذاری دقیق باشد و به‌گونه‌ای عمل شود که هزینه فرصت آموزش‌دهنده و سوادآموز جبران شود. به‌خصوص در شرایطی که سوادآموز مرد بوده و یا زن شاغل است. این نکته نیز قابل ذکر است که در طول فعالیت نهضت تا سال ۱۳۸۸، ۳۴۴۲۶۸۹۷ نفر بزرگسال در دوره‌های مقدماتی تا پنجم تحت پوشش قرار گرفته‌اند که از این تعداد تنها ۱۹۷۵۵۰۵ نفر قبول شده‌اند. این اختلاف زیاد نشان‌دهنده ریسک قبول نشدن سوادآموز است. با توجه به اینکه اگر سوادآموز در امتحان قبول نشد، مبلغی به آموزش‌دهنده نیز داده نمی‌شود، پرداختی باید به‌گونه‌ای باشد که ریسک قبول نشدن را نیز تا اندازه‌ای جبران کند تا آموزش‌دهنده انگیزه برای تحت پوشش بردن بیسواد را از دست ندهد. حال با توجه به عدم افزایش قابل توجه در سرانه واگذاری و داوطلبانه، مشخص نیست که چه مکانیسم دیگری قرار است سهم اندک این دو

۱. تعیین سرانه مورد نیاز در هر استان به‌عهد کارگروه مربوطه است که در هر سال مبلغ پیشنهادی را به سازمان مرکزی اعلام می‌کنند و بنابراین این نرخ از یک استان تا استان دیگر متفاوت است.

۲. در برنامه آموزشی جدید، دوره سوادآموزی معادل دوره‌های مقدماتی و تکمیلی و برابر با سوم ابتدایی است.

روش در سال‌های پیش را به یکباره چند برابر کند.

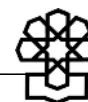
- نفس گنجاندن راهکارهای تشویقی بسیار کارگشاست، اما راهکارهای تشویقی گنجانده شده در برنامه به اندازه‌ای نیست که تأمین‌کننده این اهداف باشد. به‌عنوان مثال «به تمام بیسوادان زیر ۵۰ سال که تا پایان سال ۱۳۹۳ دوره سوادآموزی را با موفقیت سپری کنند معادل یک ماه سرانه دولت بابت هدفمندسازی یارانه‌ها به افراد پرداخت می‌کند، اعطا خواهد شد». مشوق‌ها باید بیشتر و مهمتر از آن، هوشمند و هدفمند باشند. به‌عبارت دیگر مشوق‌ها باید متناسب با جنس، شغل، درآمد، شهری یا روستایی بودن و... تنظیم شوند. به‌نظر می‌رسد راهکارهایی از قبیل ارائه تسهیلات به کشاورزان که البته در این برنامه نیز به‌طور کلی مورد اشاره قرار گرفته باید توسعه‌یافته و با ذکر جزئیات بیشتری مورد توجه قرار گیرد. داشتن اطلاعات دسته‌بندی شده درخصوص اینکه بیسوادان از لحاظ جنسیت، شغل، شهری یا روستایی بودن و مؤلفه‌هایی از این قبیل در چه وضعیتی به‌سر می‌برند می‌تواند در تعیین مشوق‌ها نقش اساسی ایفا کند.

- نهضت سوادآموزی اصولاً برای شناسایی و آموزش افراد فاقد شناسنامه برنامه‌ای ندارد. در برنامه پنج‌ساله نیز اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

- درحالی که رسیدن به اهداف کمی پیش‌بینی شده در برنامه پنج‌ساله سوادآموزی با توجه به تغییر روش‌های سوادآموزی با تردید جدی روبرو است، اهداف کمی فعالیت نهضت در سال ۱۳۹۰، حتی از آنچه که در برنامه پنج‌ساله در نظر گرفته شده نیز فراتر رفته است. به‌طوری که در برنامه پنج‌ساله تعداد افرادی که در سال جاری باید تحت پوشش دوره سوادآموزی و تکمیلی قرار گیرند به ترتیب ۶۷۵۹۱ و ۳۶۶۲۸۲ در نظر گرفته شده که این تعداد در جدول مربوط به اهداف کمی نهضت در سال ۱۳۹۰، برای دوره‌های سوادآموزی و تکمیلی به ترتیب ۵۹۹۵۳۷ و ۴۳۵۱۶۶ پیش‌بینی شده است. این درحالی است که گفته کارشناسان نهضت، حجم فعالیت‌های سازمان در ۶ ماهه نخست امسال در مقایسه با ۶ ماهه نخست سال گذشته کاهش بسیار چشمگیری داشته است.

- در رابطه با بحث تحکیم سواد نیز چند نکته را باید مد نظر داشت:

۱. تا پیش از سال ۱۳۸۷ کار فعالیت‌های پس از سواد به‌صورت جدی و مستمر با اختصاص بودجه جداگانه مورد توجه نهضت سوادآموزی بود. برنامه آموزش نیمه‌حضوری گروه‌های پیگیر سواد در سال ۱۳۷۷ موفق به دریافت جایزه بین‌المللی «کینگ سیجانگ» و برنامه آموزش غیرحضوری خدمات مکاتبه‌ای در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت جایزه بین‌المللی «مالکوم آدیسه شیا» از یونسکو شد، اما از نیمه دوم سال ۱۳۸۷، روند بی‌توجهی به فعالیت‌های پیگیری سواد آغاز شده و تمرکز اصلی نهضت عمدتاً بر روی آموزش بیسوادان قرار گرفت و دوره‌های پس از



سوادآموزی به حاشیه رانده شد. با توجه به کمبود بودجه همیشگی نهضت، سیاست این سازمان بدین سمت سوق یافت که دیگر بودجه‌ای به مسئله پیگیری اختصاص ندهد، بلکه فعالیت‌های این بخش با کمک سایر دستگاه‌ها انجام شود. در نتیجه بی‌توجهی به این بخش، حجم فعالیت‌های پس از سواد به شدت کاسته شد. به‌عنوان مثال طرح کتابخانه سیار که در سال ۱۳۸۲ با دو استان آغاز و تا سال ۱۳۸۷ به ۳۶ کتابخانه در ۲۱ استان رسید، در سال ۱۳۸۹ تنها ۸ کتابخانه و امسال حتی کمتر از آن را به صورت فعال داشت. نتیجه این بی‌توجهی به کارگروه‌های پیگیر سواد و اولویت ندادن به آن، بازگشت به بیسوادی بوده است. در فرم‌های اطلاعات اقتصادی خانوار، ۲۱۰۰۰۰ نفر از کسانی که خود را بیسواد معرفی کرده‌اند، دارای مدرک تحصیلی تا سوم ابتدایی هستند. هرچند ممکن است انگیزه‌های دیگری در بیسواد معرفی کردن خود توسط این افراد وجود داشته باشد، اما این مسئله کاملاً طبیعی است که چون فرد هیچ استفاده‌ای از سواد خود نبرده و به تدریج فراموش کرده، هم‌اکنون خود را بیسواد می‌داند. براساس تحقیقات صورت گرفته ۵۰ درصد از آموخته‌های سوادآموختگان در مهارت‌های نوشتن و حساب کردن و ۲۰ درصد در مهارت خواندن بعد از طی یک دوره ۶ تا ۱۲ ماه از بین می‌رود.^۱ در هر صورت اکنون نهضت سوادآموزی نه آمار از افراد بازگشت کرده به بیسوادی دارد و نه به تبع آن برنامه‌ای. اینکه چرا باید پس از صرف هزینه‌ها و تلاش‌های زیاد و با مشقت‌های فراوان، به افراد بیسواد آموزش داد و آمارهای باسوادی را بالا برد ولی در عمل این فرد نمی‌تواند هیچ استفاده‌ای از سواد خود بکند جای تأمل دارد. به نظر می‌رسد که هم سیاست‌های غفلت‌کننده از مسئله تحکیم سواد مقصرند و هم مسائل دیگری از قبیل کاربردی نبودن و مهارتی نبودن دروس.

۲. در برنامه پنج‌ساله سوادآموزی، اجرای دوره تحکیم سواد تا ۸۵ درصد قبول‌شدگان دوره سوادآموزی و همچنین پوشش حداکثر ۱۵ درصدی دارندگان مدرک دوره سوادآموزی در دوره انتقال پیش‌بینی شده که در نگاه اول جای امیدواری است، هرچند عدم توجه به تمام یا بخشی از کسانی که پیش از این دچار بازگشت به بیسوادی شده‌اند جای سؤال دارد، اما باید دید این برنامه چگونه در عمل مورد اجرا قرار می‌گیرد. با وجود اینکه «توسعه فعالیت‌های تحکیم و تعمیق سواد» به‌عنوان یکی از راهبردهای برنامه مطرح شده است، در ابتدای سال ۱۳۹۰ ریاست سازمان طی بخشنامه‌ای به مدیران کل نهضت سوادآموزی استان‌ها، تصریح کرد که امکان ثبت فعالیت‌های پس از سواد در سامانه سوادآموزی مقدور نیست که در حقیقت این تصمیم را می‌توان به منزله به حاشیه راندن بحث دوره‌های تحکیم سواد دانست. به‌علاوه پس از گذشت ۶ ماه از سال ۱۳۹۰ هنوز

۱. رک: تحقیق «سنجش کیفیت آموزش با رویکرد پایداری سواد در دوره‌های سوادآموزی» ناظر علمی طرح: علی ابراهیمیان، هادی کیاشری، مشاور طرح: احمد شریفان، مسئول تهیه گزارش: مهدی نامجومنش.

اهداف کمی برای فعالیتهای تحکیم ابلاغ نشده و به گفته کارشناسان اختصاص یافتن بودجه‌ای برای آن بسیار دور از ذهن می‌نماید. همچنین محتوای جدید متناسب با دوره تحکیم نیز هنوز تهیه نشده است. با توجه به اینکه بازگشت به بیسوادی در دوره کوتاهی پس از اتمام کلاس‌ها اتفاق می‌افتد، این قبیل کوتاهی‌ها آثار منفی خود را به دنبال خواهد داشت. جدی نگرفتن بحث تحکیم به این معنی است که هدف، تنها بالا بردن آمار باسوادان و ارائه مدرک به آنهاست و دیگر مهم نیست که آیا نوسوادان می‌توانند از سواد خود بهره‌ای ببرند یا خیر.

۳. انجام فعالیتهای تحکیم به عقیده کارشناسان، با بهره‌گیری از آموزشیاران به نحو مؤثرتری قابل انجام است، زیرا از تجربه بیشتری نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر برخوردارند. در نیمه اول سال ۱۳۸۹ تعداد افراد تحت پوشش گروه‌های پیگیر ۸۷۴۳۲ نفر بوده که این تعداد در نیمه دوم سال ۱۳۸۹، به ۳۲۵۱۷ نفر رسیده است. علت این کاهش به گفته کارشناسان مربوطه، سوق یافتن آموزشیاران به سمت دوره‌های سوادآموزی بوده که اولویت بیشتری نسبت به کار تحکیم داشته است. حال با کاهش سهم کلی آموزشیاران این مشکل تشدید می‌شود.

۴. پیش از این فعالیتهای تحکیم و تثبیت سواد در هر استان به کارشناس مربوطه سپرده می‌شد که تنها مسئول فعالیتهای تثبیت سواد بود. با تعدیل صورت گرفته در نیروی انسانی توسط وزارت آموزش و پرورش، کارشناسان مستقیم دوره‌های تحکیم بجز در استان‌های درجه یک، در ۲۲ استان دیگر حذف شده و امر دوره‌های تحکیم به صورت بخشی از وظایف کارشناس دوره‌های سوادآموزی درآمده است که مسئولیت هر سه دوره سوادآموزی، تحکیم و انتقال را به عهده دارد و در نتیجه عملاً به دلیل مشغله‌های فراوان کارشناسان مذکور، بحث تحکیم به حاشیه رانده شده است.

فصل چهارم - جمع‌بندی و ارائه راهکارهای پیشنهادی

جمع‌بندی

بحث ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور از ابتدای انقلاب اسلامی به عنوان یک هدف ارزشمند با فرمان امام خمینی (ره) به طور جدی پیگیری شد. ابتدا ارزش‌های دینی و ملی و سپس تعهدات بین‌المللی ما را ملزم به تلاش در این مسیر می‌کند. درخصوص به صفر رساندن بیسوادی تا پایان برنامه پنجم، وزارت آموزش و پرورش نیز مسئول بوده و وظیفه دارد تا با جذب و نگهداشت افراد لازم‌التعلیم، مبادی ورود بیسوادی را مسدود نماید، زیرا در غیر این صورت ریشه‌کن کردن بیسوادی هیچ‌گاه محقق نخواهد شد. معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در زمینه انسداد ورود بیسواد اقدامات مثبتی انجام داده و از نیروی انسانی با انگیزه‌ای برخوردار است.



هرچند شناسایی و جذب افراد لازم‌التعلیم در کشور ما کاری است بسیار مشکل و پیچیده. در عین حال رویکردی که این معاونت اخیراً در پیش گرفته مبتنی بر برنامه محوری است که نمونه آن تفاهمنامه‌های صورت گرفته با مدیران کل استان‌هاست. در عین حال بزرگ‌ترین مشکل داخلی این معاونت را می‌توان عدم توانایی برای استخراج آمار دقیق و به تفکیک مناطق و بزرگ‌ترین مشکل خارجی آن را باید عدم هماهنگی با سایر سازمان‌ها دانست. روند حرکت برای حل این مشکلات بسیار کند بوده و این مسئله را باید نقطه ضعف بزرگی دانست. به‌عنوان نمونه می‌توان به روند کند اجرایی شدن آیین‌نامه الزامی بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی اشاره کرد. در کل به‌نظر می‌رسد در زمینه پوشش تحصیلی کودکان لازم‌التعلیم، بیش از اینکه خلأهای قانونی وجود داشته باشد، در زمینه اجرایی کردن قوانین موجود مشکلاتی به‌چشم می‌خورد.

مسئول اصلی مبارزه با بیسوادی بزرگسالان در کشور، نهضت سوادآموزی است. سازمان نهضت سوادآموزی با انگیزه‌ای مقدس و به فرمان امام خمینی (ره) در ابتدای پیروزی انقلاب ایجاد شد. نوع کار سوادآموزی بزرگسالان از جهات مختلف دشوار بوده و اکنون دشوارتر نیز هست. زیرا عمده کسانی که هنوز بیسواد هستند، افرادی هستند که در طول این سال‌ها در برابر سوادآموزی مقاومت کرده و پایین‌ترین انگیزه را برای آموختن دارند. پس از سه دهه فعالیت نهضت، سال پیش بحث خاتمه کار سازمان به‌صورت جدی مطرح شد و در نهایت مقام معظم رهبری با تأکید بر به‌صفر رساندن بیسوادی تا پایان برنامه پنجم اینطور مقرر کردند که در مورد چگونگی ادامه سازمان پس از تحقق اهداف پنج‌ساله تصمیم‌گیری خواهد شد. در این خصوص در نامه رئیس دفتر مقام معظم رهبری به حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی آمده است: «نهضت سوادآموزی مسئول اصلی مبارزه با بیسوادی در کشور خواهد بود و لذا حداقل تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم باید به‌کار خود ادامه دهد و سپس پس از آن با ارزیابی وضع بیسوادی در کشور نسبت به ادامه یا عدم ادامه آن سازمان تصمیم‌گیری خواهد شد». حال بحث اصلی این است که آیا نهضت می‌تواند در طول پنج سال به وظایف محول شده یعنی به‌صفر رساندن بیسوادی در افراد ۱۰ تا ۴۹ سال کشور عمل کند؟ آیا برخی بازنگری‌های صورت گرفته در ساختارها و برنامه‌ها و روش‌ها می‌تواند اهداف سازمان را تحقق بخشد؟ آیا برنامه پنج‌ساله سوادآموزی می‌تواند هدف ریشه‌کن کردن بیسوادی را طی پنج سال محقق سازد؟ آنچه که در عمل دیده می‌شود چیزی بجز این است. هم‌اکنون وضعیت سازمان به شکلی است که نیروهای باتجربه ستادی این احساس را دارند که سازمان در حال مرگ تدریجی است. بی‌انگیزگی در نیروی انسانی ستاد مرکزی موج می‌زند و بیشتر کارشناسان نهضت رسیدن به اهداف برنامه پنج‌ساله را غیرممکن می‌دانند. از یک سو هدفگذاری‌های کمی و کیفی انجام شده بیش از توان سازمان است و از سوی دیگر سازمان

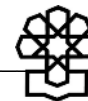
در حال کوچک‌تر و ضعیف‌تر شدن است. دغدغه‌های مربوط به تجمیع و ادغام نیز چند سالی است که ذهن نیروهای ستادی را مشغول کرده و به درست یا به غلط، کارشناسان نهضت با انجام این امر مخالفند، سیاستی که آنها آن را یک دستور از بالا می‌دانند و نه حاصل توافق با سازمان. در چنین شرایطی و با وجود مشکلاتی که نهضت با آن درگیر است رساندن این بار سنگین به مقصد بسیار دور از ذهن می‌نماید. حتی اگر فرضاً اهداف کمی سازمان در خصوص دوره‌های سوادآموزی محقق شود، از آنجا که همچنان دوره‌های تثبیت سواد جدی گرفته نمی‌شود، بازگشت به بیسوادی در سطح وسیعی رخ خواهد داد و پدیده بیسوادهای کارنامه به‌دست فراگیرتر خواهد شد. این به معنی بالا بردن آمارها ولی با صرف هزینه‌های بسیار و بدون هیچ نتیجه‌ای است. به نظر می‌رسد اگر قرار است به واقع، تعداد بیسوادان تا ۱۰ تا ۴۹ سال به صفر برسد، باید با نگاهی واقع‌بینانه‌تر برای فعالیت نهضت برنامه‌ریزی کرده و ملزومات آن را نیز فراهم نمود، والا رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده با تردید جدی مواجه خواهد بود.

پیشنهادهای

با توجه به آنچه که گذشت پیشنهادهای مطرح می‌شود. توضیحات مربوط به برخی از موارد، ذیل آن آورده می‌شود:

۱. دسته‌بندی مشکلات شناخته شده موجود که منجر به بازماندن از تحصیل و ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌گردد، شناسایی کودکانی که به دلیل این مشکلات، بیشتر در معرض بازماندن یا ترک تحصیل می‌باشند و اهتمام ویژه برای از میان برداشتن مشکلات آن کودکان. پیگیری سه مرحله فوق می‌تواند به یک کمیته جداگانه در معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش واگذار شود.

توضیح: حتی بدون داشتن آمار اسمی کودکان، با توجه به تحقیقات صورت گرفته و با نگاه مسئله‌محور، می‌توان نسبت به شناسایی شرایطی که ممکن است منجر به بازماندن کودکان از تحصیل یا ترک تحصیل شود اقدام کرد. به عنوان مثال در روستاهایی که فاصله آنها از مدرسه از حد معینی بیشتر است احتمال اینکه کودکان از تحصیل بازمانند بیشتر است یا در خانواده‌هایی که دارای پدر یا مادر معتاد هستند و یا اینکه نان‌آور خانواده آنها فوت کرده احتمال اینکه فرزند آنها ترک تحصیل کند بیشتر است. همین‌طور است در مورد خانواده‌هایی که پدر یا مادر در زندان به سر می‌برند و دارای فرزندی در سن تعلیم هستند و یا درخصوص مناطقی که با مشکلات فرهنگی خاص مواجهند. نمونه‌های دیگر در این زمینه توجه به سواد سایر اعضای خانواده دانش‌آموز است.



تحقیقات نشان داده که در برخی مناطق، بیشتر بازمانده‌های از تحصیل که زن هستند به خانواده‌های بیسواد و کم‌سواد تعلق دارند.^۱ منظور اینکه احتمال بازماندن از تحصیل و یا ترک تحصیل برای این قبیل فرزندان بیشتر است و لذا نیاز به مراقبت و حمایت بیشتری دارند. بنابراین نباید آنطور که برخی از مسئولین آموزش و پرورش در نظر دارند، همه چیز را منوط به دسترسی به آمار اسمی دانست. حال به فرض که آمار اسمی هم از کودکان بازمانده یا ترک تحصیل کرده در دسترس باشد، باز هم نوع مشکلات مواردی از همین جنس است. پس باید به فکر راه‌حل برای مشکلاتی بود که با آنها آشنایی نیز داریم. این مشکلات می‌تواند توسط مدیران کل استان‌ها مشخص شده و در چند سرفصل عمده دسته‌بندی شود. سپس راهکارهای ممکن برای هر دسته از مشکلات با توجه به شرایط خاص هر استان ارائه شود. به‌علاوه کودکانی که در معرض این نوع مشکلات قرار دارند شناخته شده و به‌طور ویژه مورد توجه و حمایت قرار گیرند. نتایج تجربیات یک استان می‌تواند در اختیار مدیران کل سایر استان‌ها قرار گیرد تا مورد استفاده دیگران نیز واقع شود.

۲. اقدام به تصویب مصوبه‌ای جهت اجرای شیوه آموزش فرد به فرد در نظام آموزش عمومی در شورای عالی آموزش و پرورش.

توضیح: طرح آموزش فرد به فرد هرچند در نظام آموزش عمومی مرسوم نیست، اما نمی‌توان از منافع آن چشم پوشید. به‌خصوص که آموزش و پرورش با امکاناتی که از جهت نیروی انسانی در اختیار دارد، در مقایسه با نهضت سوادآموزی به‌نحو مؤثرتری می‌تواند آن را به مرحله اجرا درآورد. هرچند این استدلال وجود دارد که در نظام آموزش رسمی، هدف تنها یاد دادن خواندن و نوشتن نیست، بلکه باید یک سری مفاهیم و مهارت‌هایی که کودک لازم‌التعلیم در این سن نیاز به فراگرفتن آنها دارد منتقل شود - که البته استدلال صحیحی است - اما در مقایسه با شرایطی که مدرسه از یک روستا دور بوده و فرد ناچار است که مسافتی چند کیلومتری را هنگام تاریکی هوا طی کند تا به مدرسه برسد و به همین دلیل و یا به دلایل فرهنگی از رفتن او به مدرسه توسط خانواده ممانعت به‌عمل می‌آید، آموزش فرد به فرد می‌تواند حداقل‌ها را در آموزش عمومی تأمین کند. اگر کودک لازم‌التعلیم در این شرایط به مدرسه نرود، هنگامی که به بزرگسالی رسید باید با تلاش و صرف هزینه‌های فراوان توسط نهادی مانند نهضت سوادآموزی، به‌دنبال آموزش دادن همان حداقل سواد به او بود که آن هم ممکن است میسر نشود. بنابراین از میان برداشتن موانع قانونی و اجرایی در جهت ایجاد امکان آموزش رسمی به شیوه‌های منعطف‌تر لازم است. مصوبه

۱. ر.ک: طرح پژوهشی « بررسی راه‌های ریشه‌کنی بی‌سوادی در یکصد روستای استان سیستان و بلوچستان»، مجری طرح: بهروز صاحبزاده، راهنمای طرح: مهرداد اختیاری صادق، ۱۳۸۴.

شورای عالی آموزش و پرورش مربوط به ایجاد انعطاف در برنامه‌ها جهت افزایش پوشش تحصیلی مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۶ اجازه حداکثر انعطاف را در برنامه‌های آموزشی و درسی در دوره راهنمایی و متوسطه به وزارت آموزش و پرورش داده است. به نظر می‌رسد ایجاد انعطاف در دوره ابتدایی اگر پراهمیت‌تر از دوره راهنمایی و دبیرستان نباشد، کم‌اهمیت‌تر هم نخواهد بود. یک وجه این اهمیت به نفس دوره ابتدایی مربوط می‌شود که اگر کودکی این دوره را بدون آموزش سپری کند به جرگه بیسوادان بزرگسال وارد خواهد شد و وجه دیگر آن به شرایط کودکان لازم‌التعلیم بازمی‌گردد که برای رفتن به مدرسه در برابر مشکلاتی از قبیل دوری مسافت و سختی شرایط آب و هوایی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. بنابراین مصوبه مذکور جای اصلاح دارد. در این زمینه، برنامه انسداد مبادی بیسوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی، عقد قرارداد با مؤسسات و اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور استفاده از خدمات آموزشی آنان با لحاظ نمودن شرایط لازم را مد نظر قرار داده است. بدین ترتیب از توانایی افراد ذیصلاح بومی روستا از جمله اولیای کودکان می‌تواند استفاده شود. ایجاد بسترهای قانونی برای تحقق این امر توسط شورای عالی آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد.

۳. تشکیل صندوق حمایت از کودکان بی‌بضاعت لازم‌التعلیم با نظارت آموزش و پرورش و با برخورداری از مشارکت دستگاه‌های مختلف و انجمن‌های خیریه.

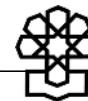
۴. انعطاف برنامه‌های آموزشی در مناطق روستایی و کشاورزی با توجه به فصل کاشت، داشت و برداشت.

۵. بهره‌گیری بیشتر به لحاظ کمی و کیفی از مشاوران در روستاها و مناطقی که از لحاظ فرهنگی با مشکلات خاصی مواجهند.

توضیح: این امر می‌تواند در بالا بردن فرهنگ خانواده‌ها و متقاعد ساختن آنها در جهت تحصیل فرزندانشان مؤثر افتد. توصیه مهم در اینجا توجه ویژه به بحث مشاور در این مناطق است. ممکن است در یک روستا مشاوران غیربومی بیشتر مورد حرف‌شنوی قرار گیرند و در روستایی دیگر مشاوران بومی. بنابراین انتخاب نوع مشاور باید براساس محل هدف صورت بگیرد تا حداکثر کارایی حاصل شود.

۶. ایجاد الزامات قانونی بیشتر درخصوص همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادها با معاونت آموزش ابتدایی آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی.

۷. حل مشکلات موجود در زمینه آموزش کودکان لازم‌التعلیم و نیز آموزش بزرگسالان از عهده یک نهاد یا سازمان به تنهایی خارج است. به‌عنوان مثال امکانات آموزش و پرورش، اجازه



شناسایی تمامی کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل در منطقه‌ای حاشیه‌ای در یک شهر را به این وزارتخانه نمی‌دهد. در این زمینه مشکل، نبود قوانین و مقررات نیست، بلکه عمل نشدن به آنهاست. به‌عنوان مثال در خصوص شناسایی کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل، هرچند ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی الزامی بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی بر لزوم همکاری شوراهای اسلامی شهر و روستا و دهیاری‌ها و مراکز بهداشت تأکید کرده است، اما در عمل انجام چنین وظیفه‌ای از سوی نهادهای مذکور محقق نشده است. در این خصوص وضع الزامات قانونی بیشتر و ایجاد ضمانت‌های اجرایی مورد نیاز است تا سایر نهادها و دستگاه‌ها را ملزم به همکاری با آموزش و پرورش و سازمان نهضت سوادآموزی نماید.

۸. دسته‌بندی گروه‌های هدف در موضوع آموزش بزرگسالان و تهیه بسته‌های تشویقی منعطف و متناسب با جنس، شغل و محل سکونت آنها.

توضیح: در خصوص آموزش بزرگسالان به‌نظر می‌رسد مؤثرترین ابزاری که می‌تواند بر بی‌انگیزگی بیسوادان برای آموزش سواد غلبه کند مشوق‌های مالی است. همان‌طور که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد، این مشوق‌ها باید هوشمندانه و هدفمند انتخاب شوند و پیش از انتخاب آنها حتماً باید گروه‌های هدف دسته‌بندی شوند. جنس، شهری یا روستایی بودن و شغل بیسوادان مهمترین مؤلفه‌هایی هستند که مشوق‌ها باید براساس آنها انتخاب شوند تا دقیقاً همان مشوق‌هایی باشند که خواسته‌های افراد بیسواد را تأمین می‌کند. در غیر این‌صورت با اطمینان می‌توان گفت که سوادآموزی بزرگسالان محقق نخواهد شد.

۹. تطبیق بودجه سازمان نهضت سوادآموزی با اهداف در نظر گرفته شده در برنامه پنج‌ساله.

۱۰. کاستن از بودجه روش داوطلبانه و کاهش سهم آن در برنامه پنج‌ساله و در مقابل، افزایش سرانه روش واگذاری و قرار دادن مشوق مالی برای سوادآموز در این روش.

توضیح: در روش واگذاری انگیزه مالی برای سوادآموز وجود ندارد. بدین ترتیب نمی‌توان بهثمررثمر بودن این روش چندان امید داشت. در روش داوطلبانه حتی برای آموزش‌شمار نیز مشوق مالی معینی وجود ندارد. بسیار بعید به‌نظر می‌رسد که جوایز قرعه‌کشی بتواند انگیزه لازم را برای روش داوطلبانه به‌گونه‌ای فراهم کند که ۳۰ درصد از حجم فعالیت‌های نهضت را در سال به‌خود اختصاص دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با در نظر نگرفتن سهم چندانی برای روش داوطلبانه، بودجه مربوط به جوایز قرعه‌کشی، به روش واگذاری تخصیص داده شود و ضمن افزایش سرانه واگذاری، برای سوادآموز نیز حتماً انگیزه مالی در نظر گرفته شود.

۱۱. توجه بیشتر به بحث تحکیم سواد در سازمان نهضت سوادآموزی.

توضیح: بی‌توجهی به بحث تحکیم سواد بی‌اثرکننده تمامی فعالیت‌هایی است که با هدف

بهره‌مندی افراد بیسواد از نعمت سواد در زندگی خود صورت می‌گیرد. دوره‌های تحکیم سواد باید برای نهضت اولویت پیدا کند و سازوکارهای مناسب با آن طراحی شود. این سازوکارها در اغلب موارد شناخته شده است و تنها نیاز به احیا دارد. حالتی که در آن حجم کمتری از افراد بیسواد در هر سال تحت پوشش قرار گیرند و در عوض، بودجه‌ای به بحث تحکیم اختصاص داده شود تا افرادی که آموزش دیده‌اند، فراموش نکرده و بتوانند از آن بهره ببرند بهتر است از حالتی که تعداد زیادی افراد تحت پوشش دوره سوادآموزی قرار گیرند و یک سال بعد آنچه را که آموخته‌اند به دست فراموشی بسپارند. به نظر می‌رسد اهداف و فلسفه وجود نهضت، فدای ارتقای شاخص‌های کمی شده است.

منابع و مآخذ

۱. آمار سرشماری سال ۱۳۸۵.
۲. بخشنامه‌های سازمان نهضت سوادآموزی.
۳. صاحب‌زاده، بهروز. طرح پژوهشی، بررسی راه‌های ریشه‌کنی بیسوادی در یکصد روستای استان سیستان و بلوچستان، راهنمای طرح: مهرداد اختیاری صادق، ۱۳۸۴.
۴. قوانین و اسناد مرتبط.
۵. سازمان نهضت سوادآموزی، برنامه پنج‌ساله سوادآموزی (باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در برنامه پنجم توسعه)، اسفندماه ۱۳۸۹.
۶. سیف‌اللهی، سیف‌اله. گزارش نهایی طرح بررسی چگونگی و چرایی تجمیع واحدهای استانی سازمان نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش، کارفرما: معاونت اداری و پشتیبانی سازمان نهضت سوادآموزی، بهمن‌ماه ۱۳۸۴.
۷. مشایخ، فریده. دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، سمت، تهران، ۱۳۸۱.
۸. کتابخانه سازمان نهضت سوادآموزی.
۹. معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، برنامه انسداد مبادی بیسوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی در طول سال‌های برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴).
۱۰. مدیریت برنامه‌ریزی و توسعه مشارکت‌های بین‌بخشی سازمان نهضت سوادآموزی، خلاصه آمار کارکنان، آموزشیاران، مراکز یادگیری محلی، کلاس‌ها، گروه‌های پیگیر، فراگیران و سوادآموزان تحت پوشش دوره‌های آموزشی ۱۳۸۷.
۱۱. نامجو‌منش، مهدی. تحقیق «سنجش کیفیت آموزشی با رویکرد پایداری سواد در دوره‌های سوادآموزی» ناظر علمی طرح: علی ابراهیمیان، هادی کیاشری، مشاور طرح: احمد شریفان.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۲۰۷۰

عنوان گزارش: بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش و پرورش)

تهیه و تدوین: حسین پوزش شیرازی

همکاران خارج از مرکز: محمدجواد محسنی‌نیا

همکار: رضا زمانی

ناظران علمی: علی‌اصغر کاکوجویبیری، علی‌اخوان‌بهبهانی

منتقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. پوشش تحصیلی
۲. ریشه‌کن کردن بیسوادی
۳. آموزش بزرگسالان
۴. نهضت سوادآموزی
۵. انسداد مبادی ورود بی‌سواد

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۷